



زن،

شریعت،

جنسیت،

بنیاد فردیش ایبرت

( دفتر افغانستان )

## بنیاد فردریش ایبرت - دفتر افغانستان

---

زن، شریعت، جنسیت

نویسندگان:

- سید نورالدین علوی،
- سید ضیاء مبلغ جعفری،
- سید علی ضیاء

ویراستاران:

- سید ضیاء مبلغ جعفری،
- سید محمد جواد شریفی

ناشر: بنیاد فردریش ایبرت - (دفتر افغانستان)

محل نشر: کابل، افغانستان

سال انتشار: خزان ۱۳۸۸

چاپ اول: خزان ۱۳۸۸

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: سید علی محقق

صفحه آرایي و دیزاین: سید وحید دادگر

حروف چینی و تایپ: اسماء فصیحی

این کتاب برای فروش نیست.

کلیه حقوق محفوظ است.

## فهرست مطالب

### الف: حقوق زن، جنبشها و دست آوردها

۱	کلیات:
۱	ضرورت بررسی موضوع و مسئله شناسی وضعیت زنان:
۵	پرسشهای اساسی این تحقیق:
۶	هدف های اساسی این تحقیق :
۶	دستاورد های تحقیق:
۶	مفاهیم اساسی در این تحقیق:
۶	روش تحقیق:
۷	فصل دوم
۷	روش تحقیق:
۷	طرح پرسش آغازین:
۷	مطالعات اکتشافی:
۷	طرح نظری مسئله تحقیق:
۹	ساختن مدل تحلیلی:
۱۰	مشاهده یا جمع آوری اطلاعات:
۱۱	فصل سوم
۱۱	مبانی نظری تحقیق:
۱۲	مبانی نظری تحقیق:
۱۳	نگاهی اجمالی به وضعیت حقوقی زن در تاریخ:
۲۱	فمینیسم چیست؟
۲۳	فمینیست های رادیکال:
۲۴	حقوق زن در نظام بین الملل:
۳۱	واقعیت هایی در مورد فعالیت های اجتماعی زنان در افغانستان:
۳۶	زنان و مردانی که اعضای مجلس نمایندگان اند:
۳۷	زنان و مردان نامزد در انتخابات ملی سال ۲۰۰۵ میلادی:

۳۸	زنان در کابینه و پُستهای سیاسی:
۴۳	زنان در زراعت و کارهای اقتصادی غیر رسمی:
۴۴	زنان تجارت پیشه:
۴۴	بسهام زنان بر علاوه بر زراعت در کاری که برای آنان پول پرداخته می شوند:
۴۵	اختلاف در مزد:
۴۵	حق تعلیم و تحصیل زنان در افغانستان:
۵۸	واقعیت هایی در مورد حق ازدواج زنان در افغانستان:
۶۰	فصل چهارم
۶۰	نتیجه گیری و پیشنهادات:
۷۳	پیشنهادات:
۷۸	فهرست منابع
۸۱	ب. شریعت و جنسیت
۸۱	«نکاتی قابل ذکر در ارتباط با آیات فوق»
۸۳	تکثر و برابری حقوق انسان ها در منظر قرآن شریف
۸۴	قرآن: زن + مرد = اجتماع
۸۶	تساوی در مکافات و مجازات اخروی
۸۷	حقوق متقابل انسان ها در قرآن
۸۸	حق کار؛ معاش برابر در مقابل کار برابر
۸۹	حق بر توسعه و انکشاف برابر انسان ها
۹۰	برابری حقوق مذهبی و دینی
۹۰	حق برابر در مشارکت سیاسی
۹۱	مشارکت در امور سیاسی - اجتماعی
۹۳	برابری در حق مالکیت و نترل و دسترسی به امکانات و منابع
۹۵	حقوق مدنی
۹۸	رفع تبعیض در ساحت حقوق مدنی - تجربه مسلمین
۹۹	از نظر قرآن شریف ملاک فضیلت و برتری انسان ها در چیست؟
۱۰۰	انسان های نمونه در قرآن
۱۰۱	از قرائت این آیات قرآن شریف چه نکاتی روشن شد

- ۱۰۲ چرا احکام قرآن کریم اجرا نمی شود؟
- ۱۰۳ ج: خشونت علیه زنان
- ۱۰۳ خشونت چیست؟
- ۱۰۳ خشونت:
- ۱۰۴ انواع خشونت علیه زنان
- ۱۰۵ خشونت های روانی، زبانی و احساسات
- ۱۰۵ آزار و اذیت
- ۱۰۵ محرومیت از حقوق اساسی
- ۱۰۶ شریعت و منع خشونت علیه زنان
- ۱۰۷ اقدامات اسلام برای رفع خشونت علیه زنان
- ۱۰۸ قانون اساسی و حمایت از زنان
- ۱۰۹ خشونت علیه زنان در معاهدات بین المللی
- ۱۰۹ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان :
- ۱۰۹ خشونت از مظاهر تبعیض است.
- ۱۱۰ اقدامات در راستای محو خشونت
- ۱۱۰ اعلامیه جهانی محو خشونت علیه زنان
- ۱۱۳ اهمیت توجه به خشونت خانوادگی
- ۱۱۴ بدرفتاری با اطفال
- ۱۱۴ عوامل مهم بدرفتاری:
- ۱۱۴ عوامل مهم بدرفتاری پدر نسبت به طفل
- ۱۱۵ ارتباط خشونت فامیلی و روابط اجتماعی
- ۱۱۵ زنجیره عوامل خشونت خانوادگی
- ۱۱۶ عواقب خشونت علیه زنان
- ۱۱۸ آموزش جنسیت
- ۱۲۰ اهداف
- ۱۲۰ هدف کلی
- ۱۲۰ مقاصد:
- ۱۲۰ استراتژی ها:

- ۱۲۰ - آشنایی با مفاهیم جنس و جنسیت
- ۱۲۰ - تحلیل جنسیت در زندگی روز مره
- ۱۲۰ - آشنایی با مفاهیم اساسی جنسیت
- ۱۲۰ - تمرین تطبیق آموزشها در عمل
- ۱۲۱ بخش اول
- ۱۲۱ جنس و جنسیت
- ۱۲۱ ۱- جنس چیست؟
- ۱۲۱ ۲- جنسیت (جندر) چیست؟
- ۱۲۶ ۴- تساوی حقوق جنسیتی
- ۱۲۶ مفهوم انصاف جنسیتی در کشورهای اسلامی
- ۱۲۸ ۵- برابری جنسیتی -
- ۱۲۸ ۶- تحلیل جنسیتی:
- ۱۲۹ تحلیل جنسیت و ابزار تحلیل جنسیت:
- ۱۲۹ انواع چهار چوب ها و مدل های تحلیل جنسیتی:
- ۱۳۰ الف- مدل هاروارد:
- ۱۳۰ ب- مدل موزر:
- ۱۳۱ ج- مدل آژانسهای توسعه ای:
- ۱۳۲ ه- مدل توانمندسازی:
- ۱۳۲ هدف از تحلیل جنسیتی
- ۱۳۳ ۷- کلیشه های جنسیتی
- ۱۳۳ ۸- حساسیت جنسیتی
- ۱۳۴ ۹- بستر سازی (شامل سازی) جنسیتی
- ۱۳۴ ۱۰- اجتماعی کردن جنسیت
- ۱۳۵ ۱-۱۰- اجتماعی کردن جنسیت چگونه بر طراحی برنامه ها و پروژه ها تأثیر میگذارد؟
- ۱۳۵ ۲-۱۰- اجتماعی کردن جنسیت چه تأثیری بر انتخاب شغل دارد؟
- ۱۳۶ ۱۱- تاریخچه جندر و درونمای آن
- ۱۳۶ چهار دوره ی زیر در تاریخ جنسیت مشاهده میشود.
- ۱۳۹ ۱-۱۱- خصوصیات پروژه های «زنان در توسعه»:

- نقاط ضعف: ۱۳۹
- ۱۱-۲- این مسائل به شرح ذیل بودند: ۱۳۹
- ۱۱-۳- مقایسه ی دو رویکرد اجتماعی در سالهای ۱۹۷۰- (زنان در توسعه) و ۱۹۸۰- (جنسیت در توسعه). ۱۴۰
- برخی از مسایل جنسیتی: تقسیم کار و خشونت علیه زنان ۱۴۱
- ب-۱۲- سقف شیشه ای: ۱۴۱
- ۱۳- تقسیم کار بر اساس جنسیت: ۱۴۱
- ۱۲- خشونت جنسیتی: ۱۴۶
- ۱۲-الف-انواع خشونت مبتنی بر جنسیت ۱۴۷
- ۱۴- پاتریارکالیزم (مردسالاری) - نقطه مقابل دید گاه تساوی و تعادل جنسیتی ۱۴۷

## یادداشت ناشر

زن، شریعت و جنسیت که توسط موسسه سلام ترتیب و ویراستاری گردیده، بازتاب دیدگاه تحقیقی و کاربرد های عملی آموزشی زن، شریعت و جنسیت در افغانستان است. این کتاب دارای سه فصل و یک دستنامه آموزشی درباره ی جنسیت میباشد.

البته آشکار است که تمام اندیشه ها و نظریات مطرح شده در این کتاب به نویسندگان هر بخش و ویراستاران آن تعلق دارد

بنیاد فریدریش ایبرت با در نظر داشت نکات زیرین به نشر این کتاب می پردازد:

۱. این کتاب یکی از معدود آثار تحقیقی و علمی در مورد زن، شریعت و جنسیت در یک مجموعه میباشد.

۲. این کتاب با ارایه ارقام دقیق در مشارکت، بیان گر میزان حضور زنان افغانستان در جامعه و دسترسی آنها به آموزش و پرورش، صحت، سیاست و نهاد های مدنی بوده و میتواند به عنوان ماخذ برای سازمان های دیگر و شهروندان افغانستان قرار گیرد.

۳. با پیش زمینه بررسی شریعت و جنسیت، یک دست نامه آموزشی در این خصوص شامل این کتاب گردیده است که مواد آموزشی کارگاه های آموزشی مسایل زنان، شریعت و جنسیت بنیاد فریدریش ایبرت را تشکیل خواهد داد.

بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان امیدوار است که با نشر این کتاب گامی کوچک در راستای تبیین حقوق زنان و مساوات جنسیتی در افغانستان برداشته و آگاهی بیشتر را برای شهروندان افغانستان از طریق چاپ و نشر این کتاب وسیله گردد.

بنیاد فریدریش ایبرت - دفتر افغانستان

خزان ۱۳۸۸

### بسمه تعالی

بحث زنان، توسعه و فعالیتهای اجتماعی زنان امروزه یکی از بحث انگیزترین مسائل جاری در جامعه بدوی افغانستان محسوب می شود. و این مهم نه تنها در افغانستان که در سطح جهان توجه کارشناسان، سیاستمداران و دست اندرکاران مسائل جامعه شناختی را به خود جلب نموده است. آلن تورن جامعه شناس فرانسوی در کنفرانس بین المللی جامعه شناسی سال ۲۰۰۲ تاکید می کند که قرن بیست و یکم، قرن زنان است و جامعه شناسان برای شناخت این تحول باید بیاندیشند.

اما در این میان ما کی هستیم؟ و چه سهمی در دنیای متمدن امروز برای خود و جامعه اسلامی خود قائلیم؟ جامعه ما در آغاز قرن بیست و یکم تا چه اندازه ای آمادگی مواجهه با این پدیده را دارد؟ پدیده ای که به دلیل شرایط خاص تاریخی، فرهنگی و دینی کشور ما، ویژگی های خاص خود را داراست. سؤال این است که مراکز دینی - اسلامی ما، مراکز علمی - تحقیقی ما، سیاستمداران ما، دانشگاهیان ما، جامعه شناسان ما و همه آن کسانی که در حوزات علوم انسانی قدم می زنند و قلم می زنند. امروز چه کرده اند؟ و در آینده چه خواهند کرد؟ آیا طلاب و روحانیون علوم دینی، اساتید دانشگاهها و جامعه شناسان ما تمایلی به درک پدیده ای که در جهان در حال وقوع است دارند یا خیر؟ بگذریم از این سؤال که آیا کشور جنگ زده و زیر خط فقر ما آیا چنین دانشمندانی را در خود دارد یا خیر؟ و اگر دارد آیا این بزرگواران خود را به ابزارهای علمی جدید و امروزی برای پژوهش در حوزه ی مسائل زنان مجهز ساخته اند یا خیر؟

آنچه مسلم است رسالت اندیشمندان ما امروزه بسیار سنگین تر از دهه های گذشته است. جنبشهای اصلاح طلبانه و مساوات خواهانه زنان نه دهه ها که صدها را پیموده و امروز به شکلی حرکتی فراگیر و جهان شمول درآمده است. این جنبش ها نه تنها بسیاری از داده های سنتی، فرهنگی ما را به چالش خوانده که سوالاتی را مطرح می سازد که جواب دادن به آنها مطالعات عمیق، تحقیقی و عالمانه ای را می طلبد.

سلام با درک این مهم کوشیده است تا از طریق برگزاری کارگاههای آموزشی، کنفرانسهای علمی - تحقیقی و سایر راه کارها موجود قدمی در این راستا بردارد. گر چه آن گونه که می خواستیم موفق نبودیم و همواره با مشکلات عدیده ای مواجهه هستیم اما دل به این خوش می داریم که آنچه را که می توانیم و از دستمان بر می آید را در جهت خدمت به جامعه مان فرو گذار نکرده ایم.

کتاب دست داشته شما حاصل تلاش تعدادی از فعالان جامعه مدنی - به خصوص در حوزه ی مسائل زنان - می باشد. جای خوش وقتی است که شاهد آنیم که بزرگانی چون جناب دکتر سید نورالدین علوی استاد دانشگاه کابل و انجینر صاحب سید ضیاء مبلغ جعفری - کارشناس مسائل

زنان در دنیای اسلام در این خصوص سهم گرفته اند. و سلام چقدر مسرور است از اینکه خود را همراه و هم گام این بزرگان در راستای فعالیت های اجتماعی می بیند.

در بخش نخست این کتاب ما در بحثی تحت عنوان « حقوق زن، جنبشها و دست آوردها » کوشش نموده ایم تا با نگاهی عمیق و تحقیقی به مسائل زنان در سطح کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و به خصوص در اجتماع افغانی بپردازیم. مسائل و مشکلات موجود در سطح جامعه را در این ارتباط به نقد و تحلیل نشسته به دنبال راه حل های معقول و ممکن در این خصوص باشیم. تهیه و تنظیم این بحث را جناب استاد علوی به انجام رسانیده اند. جا دارد که در این جا از زحمات ایشان قدر دانی نماییم و برایشان آرزوی موفقیت بیش از پیش را داشته باشیم.

بحث های بعدی که در این کتاب مطرح است بحث « شریعت و جنسیت » و بحث « خشونت علیه زنان » است. زحمت تهیه و تنظیم این بخش ها را جناب انجینر صاحب مبلغ بر عهده داشتند. ایشان در تهیه و تنظیم این اسناد همچون همیشه نگاهی ژرف، دقیق، علمی و اسلامی داشته اند.

بحث بعدی مطرح در این کتاب بحث تساوی جنسیتی یا موضوع جندر میباشد که تهیه و تنظیم آن توسط این حقیر صورت گرفته است. لازم به ذکر است که موضوعات مطرح در این کتاب در طی سالهای گذشته در کارگاهها آموزشی متعددی که توسط موسسه سلام به اجرا در آمده است مورد استفاده قرار گرفته است و این مسئله خود به باروری این موضوعات تدریسی کمک شایانی نموده است چه هر کارگاه آموزشی که برگزار گردیده محکی بوده در جهت آزمودن این دست نوشته ها و گامی بوده در جهت رفع معایب و کاستی های این موضوعات تدریسی.

در پایان جای آن دارد که از تمامی بزرگواری که در این مهم ما را یاری کرده اند نهایت قدر دانی و تشکر را داشته باشیم. از جناب علوی صاحب و انجینر مبلغ که حاصل زحمات خویش را این گونه صادقانه در اختیار موسسه سلام گذاشتند.

و از موسسه محترم اف، ای، اس، از خانم تینا. جناب اسماعیل حمیدی، داکتر صاحب بهرام رحمان و داکتر صاحب نادر و سایر کارمندان این مرکز، که با دید مثبت به پیشنهاد چاپ این منول های تدریسی به شکل یک کتاب و در یک مجموعه کامل نگریستند و امکانات مالی این مهم را فراهم ساختند. از همه آنانی که به نحوی از انحاء با ما همکار بوده اند. از همه متشکرم و امید آن دارم که امتداد چنین فعالیت ها گامی باشد در جهت ترقی جامعه اسلامی مان .

سید علی ضیاء

مسئول موسسه سلام

۲۰ ث ۱۳۸۸ ور

## الف: حقوق زن، جنبشها و دست آوردها

کلیات:

ضرورت بررسی موضوع و مسئله شناسی وضعیت زنان:

حقوق زن در اسلام از موضوعات بسیار مهمی است که بررسی علمی آن در افغانستان از جهات بسیاری ضرورت می یابد:

۱- این موضوع به ویژه در کشور ما از پشتوانه تحقیقاتی مطلوبی برخوردار نمی باشد. در اغلب مطالعات جامعه شناختی موقعیت زنان نادیده انگاشته شده است.

۲- موضوع زن نه تنها در جامعه ما، بلکه عموماً در جوامع شرقی و غربی از جنجال برانگیزترین موضوعات می باشد. در مورد زن پرسش های جدی وجود دارد که باید به آن ها پاسخ داده شود.

۳- برخی نظریه پردازان بر این باورند که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و لذا حرکت به سوی اهداف توسعه انسانی بدون در نظر داشت و تعریف نقش و موقعیت زنان در جامعه امکان پذیر نخواهد بود.

۴- برخی از علمای علوم اجتماعی معتقدند زنان در جامعه، قربانی نظام سلطه مرد سالارند. چنین برداشتی باید براساس بنیادهای فلسفی و انسان شناختی و در عین حال مطالعات و مشاهدات تاریخی و جامعه شناسانه مورد ارزیابی قرار گیرد.

۵- تعدادی از روشنفکران جامعه اسلامی بر این نکته تأکید می ورزند که میان پیام های اصیل دینی و واقعیت های تاریخی، شکاف های عمیقی وجود دارد. جایگاه زنان در سیره پیغمبر اسلام، قرآن کریم، و به طور کلی در ایدئولوژی دینی ما با آن چه در جامعه ما برقرار است، ناسازگار می باشد. از گذشته های بسیار دور تاکنون، موارد بی شماری از انواع ستمگریها به زنان در کشور ما رُخ می دهد. لت و کوب زنان توسط مردان، تجاوز جنسی (حتی به دختران صغیر)، ازدواجهای اجباری، عقد در دوران کودکی، بد دادن، بدل دادن، معامله دختران با مواشی، تعدد زوجات، ازدواج تحمیلی بیوه زنان با مردی از فامیل شوهر، جلوگیری از ادامه تحصیل دختران و زنان، جلوگیری از کار و فعالیتهای بیرون از خانه، مشارکت در امور فرهنگی و محلی و... از جمله مواردی هستند که حتی روزانه در جای جای کشور ما به وقوع می پیوندد. آنچه به تداوم این

ستمگرها کمک می کند عدم حاکمیت قانون ملی و برتری قوانین سنتی به جای آن است. واضح است که فیصله های محلی به زیان زنان و دختران و به قسمت قربانی شدن حقوق انسانی آنها می انجامد.

وضعیت زنان اکنون به یک گفتمان جدی در محافل فکری- سیاسی و علمی ما بدل شده و ضرورت انجام تحقیقات علمی در این مورد را اجتناب ناپذیر ساخته است.

از منظر جامعه شناختی، وضعیت زنان در افغانستان را می توان به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح ساخت. در این جا لازم است با ارائه تعریفی از مسئله اجتماعی نشان دهیم که چرا در مورد زنان چنین ادعایی داریم؟

از نظر جامعه شناسان، مسئله اجتماعی حاصل ناکارآمدی و کارکردهای منفی نهاد ها و سازمان های عمومی جامعه است. این تعریف بسیار کلی است و در عین حال مورد پذیرش اغلب نظریه پردازان می باشد. ما می توانیم چنین تعریفی را هم از منظر تضاد گرایی و هم از منظر کارکردگرایی قابل پذیرش بدانیم. با ارائه این تعریف خصوصیت انتقاد گرایی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

مسائل اجتماعی به وضعیت ها و پدیده های اشاره دارند که موانعی بر سر راه توسعه مطلوب جامعه ایجاد می کنند و وجود آن ها از این حیث نگران کننده به حساب می آید (ستوده ۱۳۸۵: ۳). وضعیت فرودست و نازل زنان در جامعه و تضییع حقوق آن ها را می توان مانع جدی در مسیر حرکت به سوی آینده انسانی تر و مطلوب تر تلقی کرد. محمد عبده شاگرد سید جمال الدین افغانی و مفسر قرآن کریم، معتقد بود تا زمانی که زنان در جوامع اسلامی نتوانند دوشادوش مردانشان در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نقش آزاد و فعال ایفا نمایند، ترقی مسلمین امکان پذیر نخواهد بود.

ماهیت مسائل اجتماعی به گونه ای است که:

۱- آن را نمی توان یک پدیده فردی به حساب آورد. مسائل اجتماعی عمومی هستند و با

کل پیکره جامعه در ارتباط می باشند.

وضعیت زنان در جامعه، تنها بازگو کننده مسائل زنان نمی باشد. چنین وضعیتی تنها در

کلیت ساختار اجتماعی که عاملان آن را مردان و زنان تشکیل می دهند، قابل ارزیابی است.

۲- مسائل اجتماعی از بُعد تاریخی بودن برخوردارند. وضعیت فعلی تداوم وضعیت های

گذشته می باشد. آگوست کنت بنیانگذار جامعه شناسی رسمی در غرب می گوید: «این مردگانند که

بیشتر بر ما حکومت می کنند». شرایط فعلی جامعه ما و موقعیت زنان ریشه در تاریخ گذشته ما دارد و درک چنین موقعیتی جز بر اساس یک دیدگاه تاریخی میسر نخواهد بود.

۳- مسائل اجتماعی از خصوصیت واقعی بودن برخوردارند. به این معنا، شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه از آن ها متأثر و در عین حال بر آن ها تأثیر گذارند. جایگاه زنان در جامعه ما انعکاس دهنده ذهنیت های حاکم بر جامعه و محصول نحوه عملکرد نیروهای غالب بر آن می باشد. تمامی جلوه های زندگی اجتماعی ما در پیوندی مستقیم با موقعیت زنان به سر می برند و از آن متأثرند.

۴- مسائل اجتماعی متغیر و نسبی هستند. نسبی و متغیر از این جهت که از دوره ای به دوره ای و از شرایطی به شرایط دیگر نوعیت، عوامل و پیامدهای آن ها تغییر می یابند. گاه پدیده ای در شرایط تاریخی خاص و در یک جامعه به عنوان یک مسأله تلقی می شود، اما در دوره دیگر و جامعه دیگر چنین نیست. در جامعه جاهلی عرب، زنده به گور کردن دختران یک مسأله تلقی نمی شد، اما پس از ظهور اسلام و در شرایط فعلی یک فاجعه انسانی قلمداد می شود. بسیاری از موضوعات مانند حق رأی، حق شرکت در مناصب سیاسی و ... در گذشته جزء حقوق انسانی زنان به حساب نمی آمد، اما امروزه عدم رعایت آن ها به مثابه زیر پا نهادن بخش مهمی از حقوق اساسی بشر و خلاف ارزشهای انسانی و دموکراتیک ارزیابی می شود.

۵- مسائل اجتماعی قابل کنترل می باشند. نظریه های ترکیبی و دستاوردهای علمی و تحقیقاتی جدید، بر این نکته تأکید می ورزند که تعیین کنندگی نیروهای اجتماعی، مطلق نمی باشد. انسان ها یا گروه های انسانی در عین حال که تحت تأثیر نیروهای ساختاری موجود در تاریخ و جامعه قرار دارند، می توانند با شناخت علمی از آن ها نسبت به اصلاح و تغییرشان اقدام نمایند. تضاد گرایان اغلب به تغییرات ساختاری می اندیشند. به این معنا که اساساً کل ساختار موجود را مورد انتقاد قرار می دهند و آن را دارای تضاد منافع اساسی تعریف می کنند. بنابراین حل مسائل موجود جز با تغییرات ساختاری یعنی تغییر درکل نظام موجود (بواسطه وقوع انقلاب) امکان پذیر نیست. اما بسیاری از نظریه پردازان از جمله کارکردگرایان به منظور خروج از بحران ها و مسائل موجود به اصلاح می اندیشند.

از نظر این دسته از جامعه شناسان جامعه با وارد آوردن اصلاحات تدریجی در نقاط بحران زا و دارای مسئله، می تواند ترمیم شود و روند تکامل طبیعی و تدریجی خود را طی نماید. در هر دو حالت، نهایتاً مسائل اجتماعی قابل کنترل می باشند. از نظر ما تغییر در وضعیت زنان و پُر کردن

فاصله موجود میان حقوق اساسی تعریف شده در متون دینی و قوانین رسمی کشور با شرایط موجود، نیازمند اصلاحات تدریجی در جامعه می باشد. مهم، تقویت این باور است که مسائل اجتماعی از جمله وضعیت زنان قابل حل می باشند.

۶- مسائل اجتماعی، چند بُعدی و بین رشته ای هستند. پدیده های اجتماعی در کلیتی قابل مطالعه هستند که معرف شبکه ای از علل و عوامل در هم تنیده و دارای ارتباطات متقابل می باشند. ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی ما هرگز نمی توانند بدون در نظر داشت تقابل چند سویه آن ها با سایر ابعاد، مورد مطالعه قرار گیرند. از نظر جامعه شناسان جامعه یک پدیده دیالکتیکی است و این دیالکتیک نیز چند جانبه است. وضعیت زنان در جامعه پدیده ای است در عین حال سیاسی، اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی و متأثر از داریهای تاریخی ما؛ اما واقعیت این است که در تحقیقات اجتماعی نمی توان تمامی ابعاد موضوع را به طور همه جانبه مورد مطالعه قرار داد. معمولاً محققان یا مراکز تحقیقاتی، بسته به پرسشهایی که با آن مواجهند بُعد یا ابعاد خاصی از مسئله را مورد بررسی قرار می دهند. واضح است که برای دستیابی به یک شناخت جامعتر در نظر داشت مجموعه این مطالعات ضرورت می یابد. در این تحقیق توجه ما بیشتر بر بُعد فرهنگی - اجتماعی بوده است؛ زیرا، ما چهار محور فعالیت های اجتماعی، تعلیم و تربیه، ازدواج، فیصله های محلی را مورد مطالعه قرار داده ایم.

نکته مهم دیگری که باید در این قسمت به آن اشاره شود این است که در مطالعه مسائل اجتماعی توجه به مؤلفه های عینی و ذهنی آن ضرورت دارد. مؤلفه های عینی به وضعیت های عینی و ملموس موجود در جامعه اشاره دارد. خشونت های فیزیکی و روانی علیه زنان، آمار بسیار اندک آنان در فعالیت های اجتماعی و آموزش، ازدواج اجباری و ... مثال هایی از مؤلفه های عینی این مسئله اجتماعی هستند. اما مؤلفه های ذهنی به تفسیرها و باورهای مردم در مورد پدیده ها اشاره دارد. چنانچه بخش مهم و قابل توجهی از مردم باور داشته باشند که وجود فلان پدیده کیفیت زندگی افراد و گروه ها را پایین آورده و مانع دستیابی مردم به هدف های مطلوبشان می باشد، می توان از مسئله بودن آن سخن گفت.

در همین راستا وضوح یا عدم وضوح مسائل اجتماعی نیز باید مورد بحث قرار گیرد. وقتی اکثریت اعضای جامعه وجود پدیده ای را به عنوان مسئله اجتماعی تلقی می کنند، می توان گفت از وضوح لازم برخوردار است؛ اما گاه عده ای محدود از نخبگان جامعه که معمولاً از دیدگاه انتقادی

برخوردارند، وجود برخی پدیده‌ها را به عنوان مسائل اجتماعی و تاریخی یاد می‌کنند. در حالی که مسئله بودن آن‌ها وارد آگاهی توده‌ها و عموم مردم نشده است. طوری که اشاره کردم از نظر پیامبر اسلام و صحابه کرام، فسادهای اخلاقی موجود در جامعه جاهلی عرب، بت پرستی، زنده به گور کردن دختران و ... مسائل اجتماعی بودند که باید برای نابودی آن‌ها جهاد می‌شد. اما از دیدگاه مردم این پدیده‌ها به عنوان مسئله شناخته نمی‌شدند.

کاری که پیامبر اسلام برای حل این مسائل انجام داد، بالا بردن آگاهی‌های حقوقی و انسانی جامعه عرب بود. نظریه پردازان توسعه معتقدند. وجود یک مسئله صرفاً نمی‌تواند به حل آن کمک کنند، بلکه آن چه مهم است آگاهی از وجود یک مسئله و احساس آن است. این آگاهی و احساس است که به اراده تغییر و تحول وضعیت بدل می‌شود. در این بررسی‌ها در پی آن بوده ایم تا به این نکته پی ببریم که تا چه حد مردم از مسئله بودن موقعیت زنان آگاهند و مؤلفه‌های عینی آن از مؤلفه‌های ذهنی و ارزش‌های مورد قبول مردم فاصله دارد.

قبل از معرفی پرسشهای اساسی این تحقیق لازم است تمایز میان مسئله اجتماعی و انحراف نیز روشن گردد.

انحراف اجتماعی به رفتارها و کنش‌های اطلاق می‌گردد که در تعارض با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه قرار داشته باشند. انحراف اجتماعی می‌تواند جنبه فردی و یا گروهی داشته باشد. انحراف اجتماعی در همه دوره‌ها و در همه جوامع قابل مشاهده است، یعنی حدودی از انحرافات اجتماعی وجود دارند اما وقتی تهدیدی برای جامعه و توسعه مطلوب آن به حساب می‌آیند که از حد آماری معینی بگذرند و در بین نخبگان، برنامه ریزان یا اقشار مختلف مردم حساسیت و نگرانی ایجاد نمایند. انحراف‌های اجتماعی وقتی تهدیدی در مسیر آینده مطلوب جامعه باشد، به مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین هر انحرافی مسئله اجتماعی نیست. از طرفی گاه مسائل اجتماعی بسیار حاد و بغرنجی نیز در جامعه وجود دارد که انحراف اجتماعی به حساب نمی‌آیند. شیوع برخی بیماری‌ها، تحمیل جنگ از خارج، حوادث طبیعی که ساختار متعادل جامعه را دچار فروپاشی می‌سازند و ... مسائل اجتماعی مهمی هستند که انحراف تلقی نمی‌شوند.

پرسشهای اساسی این تحقیق:

- ۱- بر اساس باورهای دینی، حقوق زنان در عرصه تعلیم و تربیه چگونه است؟
- ۲- بر اساس باورهای دینی، جایگاه حقوقی زنان در عرصه زندگی اجتماعی چیست؟

- ۳- بر اساس باورهای دینی، حقوق زنان در عرصه ازدواج چگونه ارزیابی شده است؟
- ۴- واقعیات موجود در حوزه های تعلیم و تربیه، زندگی اجتماعی و ازدواج با باورها و ارزش های حقوقی دین اسلام در مورد زنان تا چه حد فاصله دارد؟
- ۵- آیا فیصله ها محلی بیشتر برای اساس قوانین سنتی صورت می گیرد و یا قانون ملی؟

#### هدف های اساسی این تحقیق :

- ۱- هدف بنیادین و اساسی ما از انجام این نوع تحقیقات، دستیابی به شناخت علمی از وضعیت زنان در جامعه و پیدا کردن راه کارهای مناسب برای حرکت در مسیر توسعه همه جانبه و انسانی کشور ما است.
- ۲- دستیابی به شناخت علمی از فاصله موجود میان واقعیت های جامعه و ارزشهای دین اسلامی در حوزه جامعه شناسی حقوق زن.

#### دستاورد های تحقیق:

- ۱- انتشار یک گزارش علمی در قالب یک مونوگراف تحصیلی که شامل مسئله شناسی موضوع، مبانی نظری، تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده در این تحقیق، نتیجه گیری و پیشنهادات می باشد.

#### مفاهیم اساسی در این تحقیق:

این مفاهیم عبارتند از: مسئله اجتماعی، انحراف اجتماعی؛ تعلیم و تربیه، زندگی اجتماعی ازدواج، فمینیسم و اسلام که هر یک از این مفاهیم در متن تعریف شده اند.

#### روش تحقیق:

روش تحقیق ما اساساً کتابخانه ای یا اسنادی بوده است، اما برای تحلیل وضعیت افغانستان به گزارش ها و شواهد تحقیقاتی قابل اعتماد استناد گردیده است. در فصل بعد نکات مهم روش تحقیق به طور مفصل توضیح داده شده است.

## فصل دوم

### روش تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق دستیابی به شناختی علمی در مورد حقوق زن در اسلام و افغانستان بوده است. بنابراین مناسب با ماهیت موضوع، جهت مطالعه آن، از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

مراحل انجام این تحقیق را نظر به منطق و عملیات مربوط به هر مرحله، به اختصار توضیح

می دهیم:

### طرح پرسش آغازین:

بر اساس باورهای دینی وضعیت حقوقی زنان در عرصه های تعلیم و تربیه، ازدواج و زندگی اجتماعی چگونه ارزیابی می شود و تا چه حد میان اصول اسلام و واقعیت های موجود در جامعه اختلاف وجود دارد؟

### مطالعات اکتشافی:

در آغاز کار در مورد ابعاد بررسی موضوع، روش تحقیق، انتخاب منابع تحقیقاتی و زمان بندی اجرای مراحل تحقیق، با عده ای از صاحب نظران و مسوولین ذیربط و استاد راهنما گفتگو نموده و اطلاعات مفیدی را جمع آوری نمودم. در این مرحله، آثار و منابع مطالعاتی مربوطه را به سرعت مرور نموده و به خلاصه برداری آن ها مبادرت ورزیدم.

### طرح نظری مسئله تحقیق:

الف. مرور نگرش های گوناگون: در این مرحله منابع مهم مرتبط با موضوع تحقیق به دقت مورد مطالعه قرار گرفتند و نکات برجسته آن ها در فصل مبانی نظری تحقیق بازگو گردیده اند. منابعی که در شکل دهی مبانی نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند، موارد زیر را در بر می گیرند:

(۱) منابع جامعه شناسی در زمینه مسائل اجتماعی.

(۲) آثار مربوط به جامعه شناسی زنان.

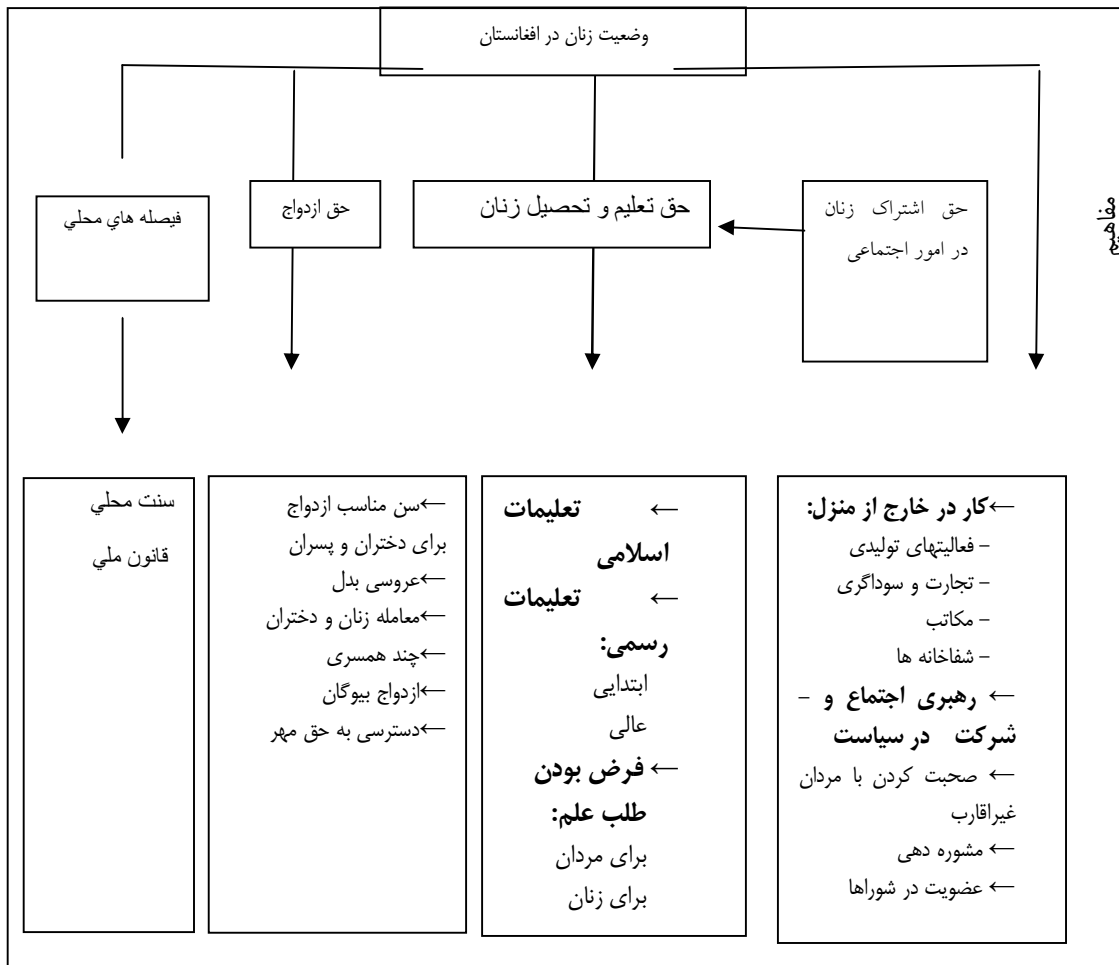
- ۳) منابع مربوط به جایگاه حقوق زنان در ادیان.
  - ۴) منابع مربوط به حقوق زن در اسلام.
  - ۵) منابع مربوط به تحقیقات مختلف انجام گرفته در مورد زنان در افغانستان .
- تمامی این منابع در متن تحقیق و در فهرست منابع معرفی شده اند.
- ب. پس از تنظیم مبانی نظری، چارچوب نظری مسئله تحقیق را که نمایان گر موضع تحلیل گران و محققان این بررسی می باشد انتخاب نمودیم.

## ساختن مدل تحلیلی:

با معرفی چارچوب نظری  
تحقیق، مدل تحلیلی مان را نیز  
روشن ساختیم.  
نمودار زیر به شکل خلاصه  
مدل تحلیل ما را نمایش می  
دهد.

ابعاد و شاخص ها

منبع:



پرسشنامه های ما با توجه به ابعاد و شاخص های مذکور طراحی شده است.

### مشاهده یا جمع آوری اطلاعات:

از آنجائیکه این تحقیق اساساً کتابخانه ای بوده است، جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعه آثار مکتوب و تحقیقات انجام شده صورت پذیرفته است.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات :

در این مرحله مهمترین منابع مربوط به وضعیت حقوقی زنان در جامعه مورد مطالعه قرار گرفتند و نکات مهم مربوط به موضوع استخراج گردیدند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات به موارد زیر توجه گردیده است : الف. جایگاه زن در تاریخ ب. نظریه های فمینیستی ج. حقوق زن در اسلام با توجه به ابعاد ازدواج و خانواده، د. وضعیت زنان در افغانستان.

تجزیه و تحلیل اطلاعات را تحت عنوان مبانی نظری در فصلی جداگانه انجام داده ام. چون این تحقیق اساساً کتابخانه ای بوده است، تحلیل موضوعات شامل بررسی مبانی نظری بوده است. واضح است که از گزارشهای مربوط به وضعیت زنان در افغانستان نیز بهره برده ام.

### نتیجه گیری و پیشنهادات :

پس از تحلیل نظریات موجود در مورد حقوق زنان، به نتیجه گیری پرداخته ام. اما نکته بسیار مهم در نتیجه گیری این است که تلاش شده است ابعاد نظری موضوع بر اساس یک تحقیق ساحوی بزرگی که در سال گذشته در افغانستان انجام گرفته است، با واقعیتهای موجود در کشور ما مورد مقایسه و تطبیق قرار گیرد.

## فصل سوم

### مبانی نظری تحقیق:

در این فصل بر آنیم تا با نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در تاریخ، به طرح برخی دیدگاه‌ها در غرب و قلمرو اسلام بپردازیم و زمینه ورود به مطالعه جایگاه زنان در افغانستان را به طور شفاف‌تری فراهم سازیم. مبانی نظری تحقیق را در چهار محور زیر خلاصه می‌کنیم:

۱- مقدمه ای بر وضعیت حقوقی زن در تاریخ

۲- کلیاتی درباره حقوق زن در اسلام با تطبیق بر وضعیت افغانستان

برخی از صاحب نظران بر این باورند که ستم جنسی بزرگترین و فجیع‌ترین نوع ستم در تاریخ بشر بوده است. با گذر از دوران توحش که تقریباً ۹۹ درصد از زمان حیات بشر را در بر می‌گیرد و زندگی گروه‌های انسانی شکل اشتراکی داشته است، در تمامی دوره‌های تاریخی، زمان به اشکال مختلف تحت سلطه مردان و مورد ستم قرار داشته‌اند.

تعریف از «زن» و جایگاه او مبتنی بر بنیادهای هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دوره‌ها و قلمروهای مختلف بوده است. در بسیاری از فلسفه‌ها و نظام‌های حقوقی، زن موجودی ضعیف‌تر، ناقص‌العقلتر و اساساً از لحاظ فلسفه خلقت، در اختیار مردان تعریف شده است. در یونان باستان زنان چونان بردگان و اسیران، شهروند به حساب نمی‌آمدند و از حق رأی برخوردار نبودند. در قانون حمورابی و در قانون آشوری، زن مایملک مرد و در اسارت اوست. در آئین تائو جنبه برتر، فعال و زاینده هستی «بین» گفته می‌شود که یکی از معانی آن «نرینه» می‌باشد و جنبه غیر فعال، ظلمت و تاریکی، یعنی یانگ «به زنانه تعبیر می‌شود. در چین، در هند، در میان یهودیان و سایر قلمروها در هنگام قحطی و خشکسالی این دخترانند که قربانی می‌شوند یا مورد معامله قرار می‌گیرند.

از حدود دوازده هزار سال قبل. در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها، هر چند با نظام‌های حقوقی متفاوت، همواره زنان از جایگاه نازلتری نسبت به مردان برخوردار بوده‌اند.

در غرب، به ویژه از رنسانس و ظهور عصر روشنگری، در فلسفه‌های جدیدانسان محور، رفته رفته تعاریف جدید از انسان و در نتیجه حقوق اساسی انسان ارائه گردید و در این رستاخیز بزرگ فکری از زن و جایگاه حقوق او نیز تعریف‌های جدید ارائه گردید. در غرب به ویژه از قرن ۱۹ به

بعد با ظهور جنبش های طرفداری از حقوق زن مواجهیم و در قرن ۲۰ تدریجاً حقوق زن در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به رسمیت شناخته شد. سازمان ملل متحد نیز با تصویب اعلامیه ها و کنوانسیون های جدید، حق زنان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی را مانند مردان را محترم دانست و در میان کشورهای اسلامی نیز اعلامیه حقوق بشر اسلامی، به حقوق اجتماعی - سیاسی زنان تأکید می ورزد. مطالعه تاریخ تمدن ها نشان می دهد که دین اسلام فراتر از هر فرهنگ و تمدن دیگر، جایگاه انسانی زنان را محترم دانسته و او را از تمامی کرامت های نوع انسان برخوردار دانسته است.

از آن جا که تحقیق حاضر به ارزیابی دیدگاه های مردم در مورد حقوق زن از نظر اسلام می پردازد، ضمن طرح برخی موضوعات در رابطه با جایگاه حقوقی زنان از نظر اسلام به گزارش ها و شواهد مربوطه موجود در افغانستان اشاراتی خواهیم داشت.

#### مبانی نظری تحقیق:

در این فصل بر آنیم تا با نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در تاریخ، به طرح برخی دیدگاه ها در غرب و قلمرو اسلام پردازیم و زمینه ورود به مطالعه جایگاه زنان در افغانستان را به طور شفاف تری فراهم سازیم. مبانی نظری تحقیق را در چهار مجوز زیر خلاصه می کنیم:

۳- نگاهی اجمالی به وضعیت حقوقی زن در تاریخ؛

۴- جنبشهای طرفداری از حقوق زنان؛

۵- کلیاتی درباره حقوق زن در اسلام؛

۶- جایگاه زن در نظام حقوقی افغانستان.

## نگاهی اجمالی به وضعیت حقوقی زن در تاریخ:

جامعه شناسان و مردم شناسان دوره های کلان حیات بشری را شامل سه مرحله می

دانند:

- ۱- دوره توحش که تقریباً ۹۹ درصد از حیات انسان ها را تا عصر فعلی در بر می گیرد.
- ۲- دوره بربریت که بنابر برخی متون از حدود ۸ تا ۱۰ هزار سال قبل و بر اساس برخی متون جدیدتر علمی از حدود ۱۲ هزار سال قبل با پیدایش کشاورزی و دامداری آغاز گردیده است.
- ۳- دوران تمدن ها که از حدود ۵ هزار سال قبل قابل مطالعه است.

در دوران اول حیات بشر، انسان ها به صورت نظام اشتراکی زندگی می کردند و انواع نابرابری های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... وجود نداشته است. تنها تقسیمات موجود، تقسیمات سنی و جنسی بوده است. مردان به شکار و جنگ می پرداختند و زنان به گردآوری سبزیجات و دانه ها و میوه ها، حفاظت از اطفال و... مشغول بودند. در این دوران تمایزات حقوقی مردسالاری مادر تباری برقرار بوده است. از رواج ها در این دوره گروهی بوده است. هیچ مردی به زن خاصی و هیچ زنی مرد خاصی تعلق نداشته و گروه های خانواده گی در قلمروهای کوچک به زندگی اشتراکی سرگرم بودند. تنها مادر بود که اولادش را تشخیص می داد و تعلق طفل نیز به مادر هویدا بود. از این جهت نظام مادر تباری برقرار بوده است. عده ای از پژوهشگران بر این باورند که زنان آغازگر توسعه جوامع اولیه بوده اند. آن ها با هم معاشرت و گفتگو می کردند و گسترش تکنیک ها، ابزارسازی، صنایع دستی، بافندگی، سفالگری، چرم سازی و خانه سازی توسط زنان به وجود آمده است. پیدایش برخی علوم و تجربیات سستی، مانند گیاه شناسی و درمان گیاهی نیز به دلیل موقعیت خاص زنان به آنان نسبت داده می شود.

با پیدایش کشاورزی و دامداری انواع نابرابری ها در زندگی اجتماعی انسان ها به

وجود آمد.

مالکیت حقوقی زمین های کشاورزی و دامداری آغازگر این نابرابری ها بود. سران سیاسی مانند رئیس قبیله و اطرافیان، جنگجویان زندگی سکونت گاهی و رانده شدن زنان به درون خانه ها، مشاغل جدیدی که به مردان اختصاص می یافتند و ... به وجود آمدن و با

تغییر در ساختار خانواده ها از حالت طایفه ای ( با ازدواج های گروهی ) به خانواده های گسترده به واسطه مردانه، رفته رفته نظام های حقوقی جدید به وجود آمدند که در آن ها زنان در موقعیت نازلتری نسبت به مردان قرار می گرفتند.

با تداوم این سلطه در عصر تمدن های سنتی نیز شاهدیم. برخی جامعه شناسان مانند بارنز و بکر آغاز تمدن های سنتی را از ۵ هزار سال قبل و برخی مانند آنتونی گیدنز از ۸ هزار سال قبل می دانند. در عصر تمدن های سنتی، امپراطوری های بزرگ با سلسله مراتب اقتدار سیاسی و سپاهیان، شهر ها با انواع تقسیمات شغلی، بازرگانی و تجارت به وجود آمدند و در تمامی موارد نظام سلطه در دست مردان قرار داشته است. در مورد موقعیت حقوقی زنان و باورهای رایج در این زمینه به ذکر چند مثال از این دوران اکتفا می کنیم.

به منظور روشنتر شدن نظام سلطه مردانه در عصر بربریت به عنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در مبادلات تهاتری یا پایاپای ( چون هنوز پول به وجود نیامده بود و کالا در برابر کالا یا حیوان در برابر حیوان مبادله می شد ) زنان با مثلاً گله گاو مبادله می شدند.

۲- در کنار سایر محرومیت های زنان، در هنگام خشکسالیها و کم خوراکی، نوزادان دختر یا دختران را به قتل می رساندند. این امر در قلمروهای مختلف از جمله در هند و چین رایج بوده است.

۳- در باور مردمان اولیه، زن موجودی مرموز و فاقد روح و خرد بوده است. بهشت و دوزخ مردان با بهشت و دوزخ زنان اساساً متفاوت پنداشته می شده است.

به این ترتیب می توان ادعا کرد که موقعیت ها و نقش های زنانه و مردانه، محصول تاریخی و محصول نظام های اجتماعی دست پرورده انسان ها هستند که در آن قدرت تعیین کنندگی مردان بوده است. نظام های حقوقی نابرابر: به منظور حفظ سلطه مردانه به وجود آمده اند.

- ۱- قانون حمورابی ( در هزاره سوم ق.م ): حمورابی نام آورترین پادشاه سلسله حمورابیها، ششمین پادشاه این دودمان بود. زنان می گوید « در زمان سلطنت حمورابی » بابل رونق بسیار یافت. نخستین مجمع القوانين معروف به مجمع القوانی حمورابی، به وسیله خدای خورشید « هماش » به او ابلاغ گردید. این مجمع القوانین شامل ۲۸۳ ماده بود. نظام خانوادگی که او به وجود آورده بود عبارت بود از یک نوع نظام تک شوهری که ضمناً زن به داشتن روابط آزاد و غیر شخصی نیز مجاز بود. زن، چه به صورت همسر عقدی، چه غیر عقدی و چه برده، حتماً می بایست بچه دار می شد. اگر همسر عقدی نازا بوده، احتمالاً طلاقش می دادند و جهیزه اش را به او بر می گرداندند. و علاوه بر آن خسارت قابل توجهی نیز به او پرداخت می گردید. در صورت نازایی زن و عدم تمایل شوهر به طلاق او، زن می بایست برای شوهرش برده ای را تدارک می دید که بتواند فرزندان به دنیا آورد. همسر شرعی دارای حق قانونی بود می توانست طرف قرار داد باشد. در صورت بیوگی و یا رفتن شوهر، زن اختیارات پدر فرزندان را دست می گرفت و می توانست با مرد منتخب خود ازدواج کند. در نظام قانونی فحشا رسمیت داشت. حرמהایی شامل دو جنس ( مرد و زن ) وابسته به معبد بوده و فاحشه ها ( که در حرم می زیستند - م ) جنبه قدیسی داشتند و از پدران خود جهیزه دریافت می کردند. طلاق با توافق طرفین و یا به لحاظ اعمال خشونت از سوی شوهر به اجرا در می آمد حق مالکیت میان زن و شوهر مشترک بود خانواده یک واحد حقوقی به شمار می رفت.
- ۲- در قانون آشوری ( ۷۰۰ سال قبل از میلاد ) شوهر مالک زن به حساب می آمده است و فروختن زن یا گرو گذاشتن او در موارد خاص امری معمول بوده است.
- ۳- زن در تورات: زن چه در صورت مادر، چه همسر، در کتب مقدس مورد تمجید و تحسین بسیار قرار گرفته است. در غزل های سلیمان و نیز امثال سلیمان نبی، مولف ارتباط میان خداوند و قوم اسرائیل را به عشق میان یک زن و مرد قیاس کرده است. شیوخی مانند ابراهیم، اسحاق و یعقوب همانقدر مورد احترام بودند که بی بی هایی چون سارا، ربکا، راشل و لعیاء.

کانون خانواده در حکم نیایش گاه بوده زن مدیره آن بود. زن پاسدار سنتی بوده به فرزندان منتقل می ساخت و این یکی از علل تحریم ازدواج با بیگانه به شمار می رفت، کتاب ملاکی نبی (آیات ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶).

در نخستین فصل های «ردپای نظام مادر سالاری به چشم می خورد. در «سفر پیدایش» دختران لوط نوزادان خود را نامگذاری می کنند (سفر پیدایش، ۱۹:۳۷). باید دانست که خیمه یا مسکن خانوادگی به زنان تعلق داشت (سفر پیدایش ۳۱:۳۳) و قرابت گاهی از طریق مادر منتقل می شد، مثلاً داوود نوه یک مو آبی خارجی بود. رنان در تاریخ قوم اسرائیل می گوید:

«زنانی بودند خودگردان و ملک اموالشان که با انتخاب شوهرانشان تمامی اعمال یک مرد را انجام می دادند، از جمله پیشگویی و شاعری».

ازدواج دارای سه هدف است: بقا (تداوم نسل بشر) به وسیله زاد و ولد، جلوگیری از تنهایی، - زیرا تنهایی مطلوب نیست، - و ایجاد خوشبختی زوجین.

در کتاب ملاکی (۲) آمده است که زن و مرد به وسیله پیمانی که خداوند شاهد آن است به هم می پیوندند (ملاکی فصل ۲:۱۴).

مجازات زناى مرد یا زن مرگ بود و تک همسری قاعده کلی محسوب می شد. در نوعی ازدواج مرد در ازای خدمت یا پولی که هنگام برگزاری مراسم نامزدی به عنوان مهریه به خانواده همسر آتی اش می داد زنش را می خرید. به منظور متعهد ساختن همیشگی طرفین به یکدیگر و پیوند دائمی آنان، مراسم ذکر شده می بایست پیش از ازدواج انجام می شد. خدمت یا پول تعیین شده به عنوان مهریه در مقابل جهیزیه اش بود که خانواده عروس طی مراسم ازدواج به داماد می داد.

زن پس از مشاوره می بایست موافقت خود را با ازدواجی که از قبل برنامه ریزی شده بود اعلام می داشت، (ربکا در کتاب سفر پیدایش ۲۴: ۴۵).

زن شوهر دار وابسته به شوهر و تحت امر او بود (سفر پیدایش فصل بیستم). زن می توانست در دادگاه اقامه دعوا کند. شوهر اداره منزل را به همسرش وا می گذاشت و برای امرار معاش خانواده اش به کار خارج از خانه می پرداخت. زن مجاز به اشتغال بود و می توانست قاضی باشد و یا در جبهه جنگ بجنگد.

زندگی خانوادگی نیز تابع قوانین سفت و سخت مملکتی بود. این وظیفه در ماده پنجم ده فرمان گنجانده شده است. در غزل های سلیمان عشق اصیل میان زن و مرد بدین سان توصیف شده:

محبت مانند مرگ قدرتمند است

و شعله اش همچون شغل های پر قدرت آتش با بی رحمی می سوزاند و نابود می کند.

آب های بسیار نمی توانند شعله محبت را خاموش کنند.

همان گونه که ملاحظه شد، تورات در تمامی زمینه ها به زن حقوق متعددی تفویض کرده است. قوم یهود ساکن آسیای صغیر تحت این قوانین اداره می شد. در آن سوی قاره آسیا، تمدن چین که تابع قوانین متفاوتی بود، زن را تحت سیطره مرد قرار می داد. اما نکته قابل ذکر این است که معمولاً میان جایگاه حقوقی زنان در متون دینی مذهبی و آن چه در واقعیت حاوی بوده است اختلافات چشمگیری وجود داشته است. در میان یهودیان در صورت وجود فقر، دختران پیش از بلوغ فروخته می شدند. آنان بدون رضایت به شوهر داده می شدند و از داشتن دختر کراهت وجود داشته است.

۴- مکتب تائو ( اصول اندیشه لائو سه به مکتب تائو شهرت دارد ) اصل مردانه بین را از اصل زنانه یانگ متمایزی می سازد و همه چیزهای جهان میان این دو تقسیم شده است و این تقسیم بندی، تعیین کننده آهنگ حرکت کائنات است.

از اتحاد و اصل زمینه و اصل مادینه بین و یانگ ، تائو به وجود می آید که جهشی کیهانی ( و یا جهشی حیاتی ) و نیل به آن از طریق جلسه متحقق می گردد. آئین تائو نوعی جهان بینی جنسیتی را نشان می دهد و این آئین فلسفی توجیه گر نظام ستی حاکم بر چین در هزاره سوم قبل از میلاد بوده است. تغییر فصلها برای کشاورزی مهم بود. نیمه اول سال، موسم مردان و فعالیت و آفتاب موسم " بین " بوده است. بین به معنای رودخانه، روشنایی، خورشید و مرد می باشد: نیمه دوم سال، موسم بیکاری مردان و فعالیت زنان در ( آسیاب کردن و دوختن و کارهای خانگی و ...). موسم زنان تیرگی و انفعال بوده است؛ موسم یانگ: " یانگ " به معنی زمستان، ظلمت و زن می باشد.

تاریخ نشانگر آن است که زن (در چین) در حضور پدر و یا همسرش حق سخن نداشته، مگر با اجازه ایشان. اگر به او اجازه سخن گفتن می دادند، در حالی که چشم به پایین می دوخته با حجب سخن می گفته است.

دختران جوان چینی، متعلق به طبقه مرفه به نشانه تشخیص اشرافیت مجبور بود که از آغاز جوانی پاهایش را در قالب های مخصوصی که مانع از رشد پا بود قرار دهد. این قالب چنان پا را می فشرد که انگشتان به صورت گلوله ای گوشتی در می آمدند. چند همسری مجاز بود و مراسم ازدواج بدون تشریفات و فقط با اجازه پدر انجام می شد. زن زناکار را می سوزاندند. هنگام مرگ شوهر همسران مجبور نبودند که روی قبر خودکشی کنند، اما اگر به چنین کاری دست می زدند مردم با کف زدن های خودشان شهادت و وفاداری آنان را می ستودند. در هندوستان این خودکشی را «سوتی» می نامیدند.

در چین کهن طی هزاران سال مردان تحت سلطه قوانین مذهبی و سنتی بودند ولی زنان علاوه بر تحمل فشارهای اجتماعی مجبور بودند که به اعمال قدرت از سوی همسرانشان نیز تن در دهند.

۵- در یونان باستان (که دوران تمدن آن از زمان هومر در ۹۰۰ سال قبل از میلاد تا فتح یونان به واسطه روم به مدت هفت قرن بود). زن از حقوق شهروندی برخوردار نبود لذا در دولت - شهرهای آن زمان نقش کمی داشت. افلاطون با آن که زنان را دارای استعداد های مشابه با مردان می داند، اما نهایتاً آنان را ضعیفتر از مردان معرفی می کند. افلاطون می گوید: «خدا را شکر می کنم که یونانی زاییده شدم نه غیر یونانی، آزاد بدنیا آمدم نه برده، مرد آفریده شدم نه زن» (جمهوریت، ص ۱۷۱).

ارسطو در مورد این که زن دارای فضیلت هایی مانند احتیاط، عدالت، شهادت و یا اعتدال باشد آشکارا اظهار تردید نموده این خصوصیات از نظر او «مردانه» بودند و لذا جایگاه زن را در درون خانه و محروم زندگی اجتماعی تعریف نمودند.

۶- در مسیحیت به پارسایی و پرهیزکاری اهمیت بالایی داده شده است «در میان کاتولیکها عفت وسیله ای برای نیل به پارسایی و تقدس بود و باکره بودن، به ویژه در میان راهبه های کلیسا بر ازدواج ترجیح داشت. اغلب چنان بوده است که در خانواده شوهر حکم رئیس را داشته است. قانون سنتی قدیمی نرماندی حدود سال ۱۲۵۰ پس از میلاد وضعیت زن را این گونه شرح می دهد: «زن در بسیاری موارد و تقریباً برای هر چیزی

می باید مطیع شوهر باشد». توماس آکوئیناس فیلسوف بزرگ قرون وسطی معتقد بود زن به علت ضعف در طبیعت اعم از عقل و بدن تابع مرد است. او طبق قانون طبیعت محکوم است اما یک غلام نیست. در برخی متون مربوط به مسیحیت آمده است که مرد آغاز و انجام زن است. مرد شبیه خداوند آفریده شده و زن آلت شیطان است و هوای مجسم.

۷- بعد از اصلاحات دینی و ظهور آیین پروتستان، معنویت گرایی جدید مذهبی به وجود آمده و از حقوق انسان تعاریف جدید ارائه گردید. همراه با رنسانس امید بزرگی برای وصول به آزادی در دل ها جوانه زد. این حس که آزادی تبدیل به ضرورت شده در ذهن مردم شگفته شده، و این اندیشه به وجود آمد که این گشاده نظری نهایتاً به تأمین مساوات حقوقی بیشتری میان زنان و مردان منتهی گردد.

قرن ۱۷، ۱۸ با ظهور فلسفه های انسان محور و تأکید بر خود انسانی ارائه تفسیرهای جدیدی از مفاهیم انسان، حقوق انسانی، آزادی، عدالت، مساوات و ... چرخش بسیار جدی در حیات فکری روحی مغرب زمین و واقعیت های زندگی بود. انقلاب بزرگ فرانسه یکی از نشانه های حس چرخشی بود. زنان فرانسه در رویدادهای انقلاب ۱۷۸۹ نقش فعالی ایفا نمودند.

ماده یازدهم مصوبه شب ۴ اوت ۱۷۸۹ چنین می گوید  
تمامی شهروندان، بدون در نظر گرفتن خاستگاه طبقاتی شان، جنسیتشان را اعم از زن و مرد، می توانند در هر شغلی اعم از مشاغل کلیسایی، اداری و نظامی پذیرفته شوند و کلیه حرفه ها مشمول این قانون است ( بن تعدوق، ۱۳۸۴: ۵۷ )

قرن ۱۸ قرن روشنگری در غرب است. دستاوردهای علمی جدید و فلسفه های انسان محور و حقوق انسان پرششهای جدی و جدیدی را در مورد زنان نیز ایجاد نمود. موج های فمینیستی در غرب محصول خودآگاهی تاریخی شکل گرفته در غرب می باشد.



## فمینیسم چیست؟

در یک تلقی بسیار کلی، فمینیسم به جنبشهای طرفداران از حقوق زنان اطلاق می‌گردد. در مورد فمینیسم نیز مانند هر مفهوم دیگری در حوزه های علوم توافق عامی وجود ندارد. بهتر است بپذیریم که یک فمینیسم نداریم بلکه فمینیسم ها داریم و این مفهوم متعلق به حوزه خاصی از علوم اجتماعی مانند جامعه شناسی، سیاست یا اقتصاد نیست بلکه کار اجتماع بین رشته ای است. خصلت مشترک بین انواع فمینیسم : بررسی و رفع موقعیت فرو دست زنان و تبعیض علیه آنان می باشد.

وقتی از امواج فمینیستی سخن می‌گوییم به این معنا است که موضوع دفاع از حقوق زنان به یک موضوع جدی و فراگیر در حوزه های اندیشه و سیاست بدل شده و در ادبیات یک دوره شاهد ظهور گفتمان های وسیع و قابل توجه درباره آن هستیم.

موج اول فمینیسم را در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ شاهدیم خصوصیت بارز موج اول تلاش جهت کسب حق رأی برای زنان و متعاقباً بهبود وضع اجتماعی سیاسی آنان بوده است. ۱۹۰۳ در فنلاند ۱۹۱۸ در انگلستان و در ۱۹۲۰ در آمریکا به زنان حق رأی داده شد. از متفکران برجسته موج اول می‌توانیم وستون کرافت با اثر «استیفای حقوق زنان» و جان استیورت میل نویسنده اثر «انقیاد زنان- ۱۸۶۹» را نام ببریم.

موج دوم در دهه ی ۶۰ و ۷۰ قرن بیست خود را نمایش می‌دهد. از چهره های قابل ذکر این دوره سیمون روبوار است که به برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه ها اعتقاد دارد. دوبوار دیدگاه هایش را در اثری به نام جنس دوم منعکس ساخته است. او یک متفکر اگزیستانسیالیست است و بر این باور است که ریشه تبعیض در نقش هایی است که زنان می‌پذیرند. هر موجود با شعوری بسته به نوع پاسخ و واکنشی که به عوامل و محرکات بیرونی می‌دهد. هویت خویش را تعیین می‌بخشد. در صورت تغییر در پاسخ ها، هویت ما نیز تغییر خواهد کرد. بر اساس باور اگزیستانسیالیستی وجود مقدم بر ماهیت است. ما در جریان زندگی مان هویت خویش را می‌آفرینیم. دوبوار می‌گوید زنان با پذیرش نقش های انفعالی از قبیل مادری و همسری زمینه تسلط کردن بر خود را فراهم می‌کنند. آن ها باید با نظام مرد سالار مبارزه کنند و به خودباوری برسند. هیچ کس زن به دنیا نمی‌آید بلکه زن می‌شود. لازم است میان جنس (Sex) و جنسیت (Gender) تمایز قابل شویم. جنس به تفاوت های کروموزومی و فیزیکی اشاره دارد در حالی

که جنسیت مفهومی تاریخی و اجتماعی است و ما را متوجه شأن و منزلت و نقشهایی می سازد که از طرف جامعه به زنان و مردان واگذار می شود.

در موج اول بیشتر اندیشه های لیبرالی و در موج دوم بیشتر گرایشات رادیکالی و مارکسیستی رشد کرده است.

موج سوم از دهه ۸۰ قرن بیست آغاز و ادامه یافته است. در این مرحله جهان بینی مردانه و جهان بینی زنانه و شکل گیری تحقیقات با نگاه زمان مورد توجه قرار می گردد سه پرسش فمینیستی مهم عبارتند از:

۱- درباره زنان چه می دانیم؟ (پرسشی توصیفی)

۲- چرا وضعیت زنان این گونه است؟ (پرسش تبیینی)

۳- چگونه می توان وضعیت زنان را بهبود بخشید؟

در پاسخ به این پرسش ها نظریه های فمینیستی متنوعی به وجود آمده است. به طور خلاصه می توانیم از گرایش های فمینیسم لیبرال، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم مارکسیستی و فلسفه رادیکال نام ببریم.

تمامی این گرایش ها به این نکته تأکید می ورزند که میان زنان و مردان تفاوت وجود دارد؛ این تفاوت ها نابرابرانه اند و این نابرابریها ستمگرانه می باشند.

فمینیستهای لیبرال به حقوق برابر شهروندی میان زنان و مردان باور دارند. از نظر آنان هر زن و مردی به عنوان افراد انسانی و آزاد باید بتوانند استعدادهای خویش را در جامعه شکوفا سازند و این شکوفایی امکان پذیر نیست مگر با برابری حقوقی زنان و مردان. این عده از فمینیست ها معتقدند در جوامع مرد سالار زنان را وادار به کار بی اجر و مزد خانگی شده اند در حالی که پاداش های اصلی مانند قدرت، ثروت، منزلت به حوزه عمومی اختصاص یافته و در اختیار مردان می باشد. آنان به اصلاح قوانین و ایجاد فرصت ها و امکانات برابر برای مردان و زنان و برقراری اصول لیبرالیسم در جامعه باور دارند.

از نظر فمینیست ها مارکسیست، با پیدایش مالکیت خصوص و نظام طبقاتی به زنان تحت سلطه مردان در آمدند. در نظام سرمایه داری، هر چند تضاد منافع میان زنان و مردان طبقه حاکم کمتر از تضاد منافع میان زنان طبقه محکوم می باشد، اما هم در طبقه حاکم و هم در طبقه محکوم زنان تحت انقیاد و سلطه مردان قرار دارند. به قول روزا لوگزامبورگ زنان طبقه حاکم انگل انگلند و زنان طبقه محکوم برده برده.

فمینیست های مارکیست معتقدند، زنان بخش مهمی از نیروی کار جامعه اند. در حالی که به آنان مزدی تعلق نمی گیرد و چنین وضعیتی به نفع طبقه حاکم سرمایه دار است. از طرف دیگر در بازار کار نیز زنان قادر به رقابت با مردان نمی باشند و سطح دستمزد ها و موقعیت های شغلی شان نسبت به مردان نازلتر است. رهایی از چنین وضعی میسر نیست مگر با وقوع انقلاب

### فمینیست های رادیکال:

فمینیستهای رادیکال به تغییرات بسیاری در جامعه می اندیشند و معتقدند عمیق ترین و اساسی ترین ساختار ستمگری در بین انواع ستمگری های نژادی، قومی، جنسی و سنی ستمگری جنس است. این نوع ستمگری محصول نظام مقتدر مرد سالار از نظر این دسته از فمینیستها زن و مرد فقط مقوله های جنسی نیستند بلکه مقوله های سیاسی و اقتصادی اند. فرودستی زنان از روابط شخصی تا تمامی حوزه های زندگی ما را در بر می گیرد و تغییر چنین وضعیتی مقدمه رفع سلطه مردان بر زنان می باشد. در این راستا وظیفه نظریه، شناخت نظام جنس و جنسیت است و وظیفه سیاست، از میان برداشتن نابرابری های ستمگرایانه جنس، علوم مختلف بشری، وضعیت زنان را مورد اغفال قرار داده است. در حالی که تجربیات زنان و آمال و ارزش های مطلوب آن ها نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد. جهان امروز ما باید به بازسازی ذهن زنان و نقد پدرسالاری توجه نماید تا زنان خود را موجودات فرودست نپندارند برای حق هویتی تازه تلاش نمایند.

فمینیسم سوسیالیستی را بیشتر باید ترکیبی از نظریه های فمینیستی مارکسیستی و رادیکالی به حساب آورد. حمله آن ها به مرد سالاری سرمایه داری است. هر فردی هم به یک طبقه و هم به یک جنسیت تعلق دارد؛ اما مردسالاری مقدم بر سرمایه داری است و این مرد سالاری در سرمایه داری شکل خاصی به خود می گیرد.

هدف فمینیستهای سوسیالیست تحقق نظامی است که در آن نه تضاد طبقاتی برقرار باشد و نه سلطه مردان بر زنان در نظام مطلوب آنان منافع عمومی تضمین کننده سعادت فردی است و منافع عمومی نه فقط منافع طبقه حاکم یا مردان و حتی نه فقط منافع پرولتاریا و زنان، بلکه منافع عموم مردم است.

یکی از دستاوردهای علمی و تحقیقاتی فمینیست تکیه بر تئوری تقاطع چشم اندازها است. دیالکتیک فمینیستی بر این نکته تأکید می ورزند که تاکنون جامعه شناسی از سطوح خرد، متوسط و کلان از چشم انداز مردان به جامعه ایده اند. مهم آن است که برای فهم دقیقتر جامعه

باید به چشم انداز تمامی نیروهای اجتماعی عمده توجه گردد، جامعه را نباید فقط از چشم انداز زنان یا مردان و طبقه سرمایه دار یا کارگر نگریت بلکه باید همه این چشم اندازها را در ارتباط متقابل با هم مورد ارزیابی قرار دارد. فهم دقیقتر ما از جامعه محصول گفت‌وگو بین گرایش‌های مختلف موجود در جامعه است. واقعیت این است که گروه‌های انسانی اعضای جامعه در نقش‌ها و موقعیت‌های متفاوت تجربه‌های متفاوت و گرایش‌های متفاوت می‌یابند و نباید این تفاوت‌ها را نادیده انگاشت.

### حقوق زن در نظام بین الملل:

موضوع حقوق زن در دو سده اخیر ( قرن‌ها ۱۹ و ۲۰ ) به یک گفتمان بسیار جدی در عرصه‌های فلسفه جامعه‌شناسی، سیاست و اقتصاد تبدیل شده است و در قیاس با دوره‌های قبل، تدریجاً شاهد ظهور تغییراتی در میزان و نوع ایفای نقش‌های اجتماعی زنان در جامعه نیز هستیم. ذکر برخی مثال‌ها در مورد گسترش فعالیت‌های دفاع از حقوق زنان برای خواننده اثر مفید خواهد بود.

در دوره قبل از جنگ جهانی اول، شورای بین الملل زنان ( ICW ) با اهداف کسب حقوق اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زنان به وجود آمد که در اغلب کشورهای اروپایی و آمریکا بخش‌های محلی آن فعالیت داشتند. در ۱۹۰۴ دومین سازمان بین الملل زنان ( IWA ) در آمریکا تأسیس شد که بیشتر درصد کسب حق رأی برای زنان بود در کشورهای مختلف اروپایی از این گونه سازمان‌ها رفته رفته در حال شکل‌گیری بود.

در فاصله بین دو جنگ جهانی، زنان ۲۱ کشور حق رأی بدست آوردند. این کشورها عبارتند از: اتریش، آفریقای شرقی، بریتانیا، کانادا، کریمه، چکسواکی، دانمارک، استونی، آلمان، انگلستان، مجارستان، ایسلند، لتونی یا لیتوانی، لوگزامبورگ، هلند، استان، رودزیا، روسیه، سوئد، اوکراین، ایالت متحده). در این فاصله سازمان‌هایی مانند ICW و IWA جهت جلوگیری از جنگ و دفاع از حقوق زنان مبارزه می‌کردند. کمیته مرکب از دو سازمان فوق‌الذکر، اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح آزادی، انجمن جهانی زنان جوان مسیحی، اتحادیه جهانی زنان برای وحدت بین‌المللی و ... تشکیلات فمینیستی بودند که به منظور دستیابی به حقوق بیشتری برای زنان فعالیت داشتند. در روسیه نیز از نقش بسیار مهم زنان در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و در ایتالیا که ۳۵ هزار زن جزو

---

نهضت مقاومت و هفتار هزار زن جزو گروه های دفاع و داوطلب آزادی بودند و نیز در انقلاب بزرگ فرانسه، از تأثیرات گسترده حرکت های پیشروانه زنان باید یاد کرد.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم علاوه بر نکاتی که در بحث از موجهای فمینیستی یاد کردیم، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). کنوانسیون رفع کلیه انواع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) از جمله مصوباتی هستند که با استقبال چشمگیری در سطح جهان روبرو شده اند. هر دو مورد به تساوی کامل حقوق زنان و مردان در کلیه حوزه های زندگی تأکید ورزیده و به تصویب کشورهای عضو سازمان ملل متحد (از جمله کشورهای اسلامی) رسانیده اند.

### اشاره ای گذرا به حقوق زن در اسلام

با تحلیل تاریخی بسیار مختصری که ارائه نمودیم شاهد این واقعیت هستیم که نظام استبدادی مرد سالار رفته رفته در حال عقب نشینی است و موضوع حقوق زنان در نظام جهانی به یک گفتمان جدی در عرصه های سیاست و اندیشه بدل شده است. در جهان اسلام نیز این موضوع همچنان در کانون بحثهای بسیار جدی متفکران مسلمان قرار دارد. از نظر ما، اسلام در آغاز ظهور خویش اذهان اندیشمندان و عموم مردم را متوجه حقوق زنان ساخته و به ادعای اغلب تمدن شناسان، مورخین، فلاسفه و جامعه شناسان، بزرگترین دستاوردهای حقوقی برای آنان را به ارمغان آورده است.

نباید بر این باور باشیم که اسلام صرفاً با شرایط جامعه عرب مواجه بوده است؛ دقیقتر و منصفانه تر این است که ارزش های حقوقی اسلام، کل بشریت و کل انسان ها را مخاطب قرار می دهد. در زمان ظهور اسلام در قلمروهای مختلف، زنان در موقعیت بسیار نازلی نسبت به مردان به سر می بردند. در قسمتهای گذشته اشاره های به این موضوع داشتیم. در عربستان نیز در میان برخی قبایل عرب از جمله بنی تمیم حتی زنده به گور کردن دختران رایج بوده است. واضح است که در چنین وضعیتی شأن و منزلت انسانی زن تا چه حد باید پایین باشد.

بر اساس یک تحلیل جامعه شناختی، اسلام با یک تاریخ و فرهنگ منجمد مردسالار مواجه بوده است که طی قرن ها و حتی هزاران سال ذهنیت مردان و زنان در جامعه را شکل داده است. در نظام های شرک آلود گذشته و بر اساس باورهای تاریخی ریشه دار زنان موجوداتی ضعیف، ترسو، مطیع مرد، کم استعداد و ارضاء کننده نیازهای مردان معرفی شده اند. این ذهنیت تاریخی که از طرف نظام مردسالار دائماً تقویت هم می شود، در واقعیت های زندگی هم نمایان می گردد.

بسیاری از ارزشهای دینی را نیز در خود هضم می کند و از پیام های دینی تفسیرهای مردسالارانه ارائه می دهد. در تاریخ جوامع اسلامی، ارزش های دینی پویا، در فرهنگ کهنه گرای سستی آن چنان فرصت نفوذ در اذهان و شخصیت ها را نداشته است. به عبارت دقیقتر ساختارهای اجتماعی - سیاسی موجود اجازه نهادینه ساختن دستاوردهای نوین دینی در جامعه را نداده است و حتی آن ها را به انحراف کشانده است. نه تنها اسلام بلکه بسیاری از ادیان بزرگ دیگر نظر به عملکرد ها و واقعیت های تاریخی. در طول زمان از سرچشمه های اصیل خویش فاصله گرفته اند. برخی از عقیده های انحرافی در بین مسلمانان از این قرارند:

زن باید از شوهرش اطاعت کند؛ مرد حق دارد زن را تنبیه بدنی کنند، زن وسیله بازی است، زن باید خانه داری کند و از مال و دارایی شوهر نگهداری کند. غیرت برای مردان است؛ زن چون نمی تواند مدتی از ماه را نماز بخواند ایمانش کم است. زن ناقص العقل است. جهاد زن خانه داری و بچه داری است زن باید در بیرون رفتن از خانه از شوهرش اجازه بگیرد و ... اما مراجعه دقیقتر به آیات قرآنی و سنت رسول اکرم (ص) چنین برداشتهایی را اساساً مورد انکار قرار می دهد. از آیات قرآنی برابری مرد و زن در اصل و ریشه یا در درجه خلقت، برابری در استعدادها و لیاقتها و برابری در سیستم ارزشی قابل استنباط است.

هو الذی انشاء کم من نفس واحده : او کسی است که همگی شما زنان و مردان را از نفس واحدی آفریده یا « هو الذی خلقکم من نفس واحده جعل منها زواجا لیسکن الیها. او کسی است که همگی شما ( انسان ها را ) از نفس واحدی آفرید ... و جفتش را از آن به وجود آورد تا در کنارش آرامش بیابد.

در آیات دیگری هم موضوع خلقت و هم برابری در نوعیت انسانی مورد تأکید قرار گرفته است : اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْكَرِيمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ... بخوان به نام پروردگارت که انسان را از خون بسته آفرید. بخوان که پروردگارت گرامی تر است، پروردگاری که، به قلم به انسان علم آموخت.

در این آیات، مخاطب، نوع انسان است (اعم از زن و مرد) که هر دو از «علق» آفریده شده اند. و برای هر دو دستور خواندن و فراگیری و آگاهی نازل شده است.

در برخی آیات ناس یعنی عموم مردم مورد خطاب قرار می گیرد و پیامی به آن ها نازل می گردد: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکریمکم عندالله اتقیکم. ای مردم همانا ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و به صورت ملیت ها و قبایلی قرار

دادیم تا همدیگر را بشناسید؛ برآستی که گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است (رهنورد، بی تا: ۶۴-۶۹).

در این آیه «ناس» اعم از زن و مرد است و همه زنان و مردان از هر قوم و قبیله مسئول هستند تا در یک رابطه متقابل و مسالمت آمیز همدیگر را بشناسند و در این تنوع قومی - نژادی و ملی جز آن که مناسبات انسانی و اخلاقی احترام آمیز میان شان برقرار گردد و در امور نیک به یاری هم بشتابند هیچ مزیت و نابرابری ناعادلانه وجود ندارد؛ آن چه مهم است تقواست. در بسیاری از تحلیل های جامعه شناختی از انواع مختلف عوامل نابرابری های اجتماعی در قالب مفاهیم طبقه و قشر سخن گفته شده است. آن چه اقسام مختلف اجتماعی یا طبقات متفاوت را به وجود می آورد، عوامل اقتصادی، سیاسی، نژادی و باورهای مذهبی است. در اسلام انواع نابرابری های شرک آلود مذموم شناخته می شود. استضعاف یکی از جامعه شناختی ترین و انسان شناسانه ترین مفاهیمی است که در قرآن به کار رفته است. این مفهوم به تمامی انواع به ضعف و ذلت کشاندن انسان ها اشاره دارد. ضعف فکری، سیاسی، نژادی، فرهنگی اقتصادی، جنسی و ... آیین توحیدی اسلام آمده است تا تمامی اشکال به ضعف کشاندن انسان را از بین ببرد.

قرآن به کسانی که تحت تأثیر نظام های قدرت شرک آلود دچار ضعف شده اند نوید می دهد روزی وارثان زمین خواهند شد. در واقع اسلام به تمامی انسان هایی که تحت ستم تاریخ استبدادی و مردسالار قرار داشته اند؛ نوید آزادی و برابری حقوقی می دهد. به آنان وعده می دهد که روزی فرا خواهد رسید که همه مستضعفین (اعم از زن و مرد) می توانند به کسب علم و دانش بپردازند، فقر را نابود سازند، نا برابریهای نژادی و قومی را از میان بردارند. ستم جنسی مرد بر زن را ریشه کن سازند، در اداره جامعه نقش داشته باشند. و سرنوشت خویش را با تکیه بر ارزش هایی که حرمت نوع انسان را مورد توجه قرار می دهد، رقم بزنند. «ونرید امن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» و ما اراده کرده ایم تا منت گذاریم بر کسانی که در زمین مورد استضعاف قرار گرفته اند تا آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

موضوع را می توانیم به صورت کلی هم مطرح کنیم: اسلام مکتبی است با جهان بینی و ایدئولوژی توحیدی. روح توحیدی چنان که جوهر هستی را تشکیل می دهد. در همه موجودات از جمله در وجود ما انسان ها و در احساس، فکر و عمل ما نیز باید جاری باشد. این است که وقتی در امر هدایت، خداوند نوع انسان را مخاطب قرار می دهد هیچ نوع تبعیض و تمایزی را میان زن و مرد نیز نمی داند.

تنها عامل برتری انسانی بر انسان دیگر و گروهی بر گروه دیگر تقوی و نیکوکاری است و به میزانی که افراد و گروه های انسانی بر اساس اصل توحید در جهاد و تلاشند؛ به کسب منزلت ها و نقش های اجتماعی نیز نائل می شوند. به این ترتیب مناسبات نا عادلانه و ستمگرایانه در جامعه نمی تواند عامل شکل گیری انواع نابرابری ها گردد.

یکی از جلوه های زیبای روح اسلام در حج قابل مطالعه است. آن جا که هیچ نوع تبعیض و تمایز نه میان اقوام و ملت ها، نه میان انواع نژاد ها، نه میان انواع منصبها و موقعیتهای و نه در میان زن و مرد نمی توان قایل شد و تأکید بر یگانگی، وحدانیت، عدالت و برابری و به طور کلی تأکید بر توحید (هم در حال باطنی و هم در رفتار ظاهری)، اساس این نمایش زیبا را تشکیل می دهد.

انواع فریضه ها و عبادات در اسلام متوجه مردان و زنانند: نماز، روزه، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، فراگیری علم و .... فلسفه عبادت و غایت آن وصال به معبود حقیقی است و آن کمال انسانی است جهاد در جلوه های متفاوت آن هم بر مردان و هم بر زنان فرض است. جهاد بزرگ جهاد با نفس است، نفس برتری جو، نفس سلطه طلب و نفس بد فرمانی که می تواند در رابطه مردان و زنان خود را نمایان سازد و جهاد در شکل جنگ و مبارزه علیه دشمنان باز هم مختص مردان نمی باشد. نسیبه، دختر کعب در جنگ احد شرکت کرده بود و خود عملاً شمشیر برداشت و به یاری پیغمبر خدا جنگید و از حریم اسلام و مسلمین دفاع کرد. گاهی با شمشیر و زمانی با تیر کمان. و در همین پیکار عظیم بود که دوازده زخم بر شانه و بدنش وارد آمد. او که در میدان، همراه شوهر و دو پسرش می جنگید مردانی از مشرکین را هلاک کرده است. دست نسیبه در جنگ حدیقه الموت در برابر کفار قطع شده است.

دختری به نام اسماء در جنگ اسلام و روم شرکت داشت و مبارزه کرد و ۹ نفر از سربازان لشکر روم را به خاک انداخت (جلال زاده، بی تا: ۲۰-۲۱).

خوله، دختر ازور، در جنگ با رومیان آن چنان شهامتی از خود نشان داد که خالد بن ولید را در حیرت فرو برده بود. او در جنگ های مصر و شام نیز شرکت داشت.

به همین ترتیب می توانیم از ام سلمه، معروف به خنجر زن جنگ ها، در جنگ احد و حنین، از ام زیاد اشجعیه و ۵ زن دیگر در جنگ خیبر و ... نیز نام ببریم.

رفیده زنی است که به دستور خود پیغمبر و در مسجد خود پیغمبر که معبد اسلام است؛ یک خیمه رسمی زده و در آنجا برای مداوا و بستری ساختن بیماران و مجرومین مسوول می شود. (شریعتی، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

پیامبر اکرم در برابر شفاعت آسامه بن زید می گوید فلان زن را ببخشید او خطا کرده می فرماید:

«اگر فاطمه هم در این مورد می بود دستش را قطع می کردم» و به خود فاطمه هم در برابر همه مردم می گوید: «فاطمه، تو خودت کاری کن، من به عنوان پدر تو فردا برای تو هیچ کاری نمی توانم بکنم (همان، ص ۲۳۱). پیامبر با این برخوردش به مسوول بودن زنان در برابر جامعه و سرنوشت خودشان تأکید می ورزد.

در جنگ صفین یکی از بزرگترین عوامل تأیید و تشویق روحیه مجاهدانی که زیر پرچم علی (ع) می جنگند، زنان هستند که با شعر و نثر و خطبه ها و سخنرانیهای مهیج مجاهدان را به جهاد تشویق می کنند، این نقش زن است. (همان: ص ۲۳۵).

المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوه و یوتون الزکوه و یطیعون الله و رسوله ... (توبه آیه ۷۱).

در این آیه از مردان و زنان مومن، برخی اولیاء برخی می شوند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند نماز به پا می دارند و زکات می پردازند... امر به معروف و نهی از منکر به رسالت اجتماعی ما مربوط است. این دستور به روابط اجتماعی ما در جامعه اشاره دارد. در روابط اجتماعی و در حوزه زندگی اجتماعی ما چه کسانی از شایستگی امر به معروف و نهی از منکر برخوردار است؟ واقعاً کسانی که از تقوای بالاتر، علم و شناخت بالاتر، آینده نگرى مهمتر و فهم عمیق تری از وضعیت نیک و بد جامعه برخوردار باشند. از این آیه به خوبی استنباط می شود که زن نمی تواند در نقش خانه نشینی و شوهر داری چنین نقشی را ایفا نماید.

## واقعیت‌هایی در مورد فعالیت‌های اجتماعی زنان در افغانستان:

طوری که آمار و ارقام بدست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد. اکثریت اعضای جامعه ما اعم از زنان و مردان فعالیت‌های اجتماعی زنان را مغایر با اسلام نمی‌دانند، هر چند اختلاف نظرهایی میان جوانان و بزرگ سالان، زنان و مردان و شهری‌ها و دهاتی‌ها در این مورد وجود دارد. اما مراجعه به گزارش‌های تحقیقاتی و برخی نشرات سازمان‌های مهم کشور گویای وجود فاصله بسیار میان دیدگاه‌ها و واقعیت‌ها است.

جهت روشن شدن این موضوع به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

در گزارشی تحت عنوان استقلال اقتصادی زنان در افغانستان که توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در ۱۳۸۵ و در ولایت‌های هرات، میدان، کابل، بلخ، جوزجان، پروان، بدخشان، کندهار و ننگرهار انجام پذیرفته است، آمده است.

از میان مأمورین رسمی در سال ۱۳۸۲، ۷۵ درصد شامل مردان و ۲۵ درصد شامل زنان می‌باشد که گویای نابرابری در زمینه امکان اشتغال مردان و زنان در جامعه می‌باشد. در بین پرسونل خدماتی نیز ۲۳.۸۹ درصد مرد و ۷۷.۱۰ درصد زن گزارش شده است. علاوه بر مأمورین رسمی و پرسونل خدماتی، تفاوت چشمگیری میان درصد معلمین مرد (۷۳) در صد و معلمین زن (۲۷ درصد) در همین سال وجود داشته است. (سالنامه احصائیوی، ۱۳۸۲: ۲۸).

از نکات قابل توجه در این گزارش اشاره به برخی موانع اشتغال زنان در جامعه می‌باشد.

یکی از موانع عمده، مشکل دوران بارداری و مراقبت از کودکان می‌باشد. خانمی از جوزجان در این مورد گفته است: «در هنگام قالین بافی طفلم را ادویه خواب آور می‌دهم تا فکرم را مختل نسازد و نقش قالین خراب نشود. در این تحقیق موانع عمده فرهنگی و تاریخی کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در مورد آثار و پیامدهای وجود استقلال اقتصادی زنان نیز مورد زیر قابل ذکر می‌باشد.

- زنانی که فاقد استقلال اقتصادی می‌باشند کمتر از آنانی که استقلال اقتصادی دارند می‌توانند نظراتشان را آزادانه بیان کنند و درصد کمتری از آن‌ها می‌توانند در ازدواج‌شان تصمیم‌گیری نمایند.

- از بین موانع عمده اشتغال زنان در بیرون از خانه بیشتر به مانع خانوادگی اشاره شده است و در مواردی مانند تجارت بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان نظر منفی داشته‌اند.

در گزارش تحقیقاتی « مشارکت سیاسی زنان در افغانستان » که توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در ۱۳۸۴ انجام شده است و جامعه آماری آن اعضای فعال در ادارات دولتی، مؤسسات غیر دولتی و مؤسسات تحصیلی بوده است  
برخی موانع عمده سهم گیری زنان در فعالیت های سیاسی؛ عنعنه، تعلیم و تربیه، زندگی در دهات و ... بر شمرده شده است.

بر اساس شواهد موجود می توان قضاوت کرد که با وجود موانع بسیار عمده تاریخی هم در بُعد فرهنگی و هم در بُعد سیاسی، برخی حرکت ها و جریانات مهمی در مسیر دفاع از حقوق و آزادی زنان در جامعه ما وجود داشته است. اما با وجود این تحریکات موج های دفاع از حقوق زنان هنوز گسترش قابل توجهی نداشته و زنان همچنان قربانیان بزرگ جامعه سنتی و مردسالار می باشند.

بر اساس ماده ۳۵ قانون اساسی ۱۳۸۲، زنان همانند مردان می توانند تشکیل حزب داده و فعالیت سیاسی نمایند اما در عمل چنان که شاهدیم، این نوع فعالیت های زنان در مقایسه با مردان بسیار ناچیز می باشد.

در گزارش منتشره توسط وزارت امور زنان ( آگوست ۲۰۰۷ ) میلادی برخی نکات قابل ذکر عبارتند از:

۱- رشد زنان در افغانستان در مقایسه با کشورهای بنگلادش، هندوستان، نپال، پاکستان و سریلانکا از کمترین میزان برخوردار می باشد.  
در سریلانکا این میزان ۷۳۸٪ در هندوستان ۵۷۲٪ در بنگلادش ۴۹۹٪ در نپال ۴۸۴٪ و در افغانستان ۳۰۰٪ می باشد. (قابل ذکر است این میزان ها بر مبنای «نسبت به هزار» ارائه شده است)

۲- طوری که در جدول زیر مشاهده می شود به استثنای وزارت امور زنان، در سایر وزارت خانه ها و ادارات، اختلاف فاحشی میان تعداد مأمورین رسمی مرد و زن به چشم می خورد. این اختلاف هر چند نسبت به دوره های تاریخی گذشته کشور ما وضعیت بهتری را نشان می دهد، اما همچنان پرده از این واقعیت تلخ بر می دارد که زنان از جایگاه نازلتری نسبت به مردان برخوردارند و میان دیدگاه ها اعتقادات و واقعیات فاصله عمیقی وجود دارد.

جدول ۳-۱ نشان دهنده مامورین رسمی حکومت در وزارت ها و ریاست ها بدون پولیس و پرسونل نظامی کارمندان قراردادی به تفکیک جنس در سال ۲۰۰۵۶ میلادی می باشد.

رتبه	وزارت ها و ریاست ها	اناث		ذکور	
		تعداد	%	تعداد	%
۱	وزارت امور زنان	۷۸۲	۹۹,۲	۶	۰,۸
۲	وزارت کار و امور اجتماعی	۲۶۳۷	۴۳,۴	۳۴۴۲	۵۶,۶
۳	وزارت معارف	۵۸۲۹۸	۳۷,۳	۹۸۲۰۱	۶۲,۷
۴	وزارت صحت عامه	۱۶۸۰	۲۲,۷	۵۷۲۹	۷۷,۳
۵	جمعیت هلال احمر افغانی	۱۷۰	۱۹,۹	۶۸۴	۸۰,۱
۶	بانک های دولتی	۵۵۵	۱۹,۵	۲۲۹۱	۸۰,۵
۷	وزارت تحصیلات عالی	۵۶۵	۱۸,۶	۲۴۶۷	۸۱,۴
۸	وزارت اطلاعات فرهنگ و توریسم	۳۴۹	۱۷,۶	۱۶۳۱	۸۲,۴
۹	آکادمی علوم	۴۵	۱۶,۵	۲۲۸	۸۳,۵
۱۰	وزارت اقتصاد	۲۵۰	۱۴,۴	۱۴۹۲	۸۵,۶
۱۱	وزارت معادن و صنایع	۱۸۹	۱۴,۲	۱۱۴۶	۸۵,۸
۱۲	وزارت مخابرات	۲۹۱	۱۳,۸	۱۸۱۶	۸۶,۲
۱۳	وزارت شهر سازی و مسکن	۲۸۷	۱۳,۶	۱۸۱۹	۸۶,۴
۱۴	وزارت دفاع	۵۲	۱۳	۳۴۷	۸۷,۰
۱۵	وزارت ترانسپورت	۴۵۵	۱۲,۶	۳۱۵۳	۸۷,۴
۱۶	وزارت تودت مهاجرین	۷۹	۱۱,۷	۵۹۹	۸۸,۳
۱۷	وزارت تجارت	۲۶۶	۱۰,۶	۲۲۴۵	۸۹,۴
۱۸	وزارت مالیه	۱۹۶	۱۰	۱۷۶۹	۹۰,۰
۱۹	ریاست جمهوری و کارتو گرافی	۵۲	۹,۸	۴۸۱	۹۰,۲
۲۰	شاروالی کابل	۱۰۶	۹,۸	۹۸۱	۹۰,۲
۲۱	وزارت احیا و انکشاف دهات	۱۲۵	۸,۷	۱۳۱۶	۹۱,۳

۹۱,۹	۳۲۵۶	۸,۱	۲۸۷	وزارت انرژی آب	۲۲
۹۲,۰	۹۱۸	۸	۸۰	وزارت فوائد عامه	۲۳
۹۲,۱	۲۴۷۱	۷,۹	۲۱۱	اداره لوی حارنوالی	۲۴
۹۳,۳	۳۳۵	۶,۷	۲۴	ریاست اداره امور	۲۵
۹۳,۷	۱۰۹۹	۶,۳	۷۴	وزارت حج و اوقاف	۲۶
۹۳,۹	۱۲۷۹	۶,۱	۸۳	وزارت عدلیه	۲۷
۹۳,۹	۱۰۷	۶,۱	۷	وزارت کنترل و مبارزه با مواد مخدر	۲۸
۹۴,۱	۱۷۵	۵,۹	۱۱	ریاست المپیک ملی	۲۹
۹۴,۸	۷۳۴	۵,۲	۴۰	وزارت امور خارجه	۳۰
۹۵,۶	۷۶۰	۴,۴	۳۵	وزارت سرحدات	۳۱
۹۵,۶	۱۱۷۵	۴,۴	۵۴	وزارت امور داخله	۳۲
۹۵,۶	۳۲۱۳	۴,۴	۱۴۹	ستره محکمه	۳۳
۹۶,۴	۳۹۸۶	۳,۶	۱۵۰	وزارت زراعت، مالداري و مواد غذایی	۳۴
۶۸,۸	۱۵۱۳۵۱	۳۱,۲	۶۸۶۸۴		

یادداشت: ارقام وزارت شهدا و معلولین شامل ارقام وزارت کار و امور اجتماعی بوده و ارقام وزارت امور جوانان شامل ارقام وزارت اطلاعات، فرهنگ، توریسم و امور جوانان است.  
منابع: اداره احصائیه مرکزی، سالنامه احصائیه سال ۲۰۰۶ میلادی

• وضعیت برای زنانی که می خواهند منجیث کارگران و پرسونل خدماتی وظیفه بدست بیاورند خرابتر است. در سال ۲۰۰۵ میلادی از جمله همه کارگران تنها ۱۰,۳ درصد اناث بودند. میزان کارگران اناث در ۳۲ وزارت خانه از جمله ۳۴ وزارت خانه، ریاست ها و ادارات دولتی کمتر از ۳۰ درصد بود. این به معنای آن است که جهت افزایش هر چه زودتر میزان کارگران اناث به حداقل ۳۰ درصد و بالاتر از آن (در

وزارت خانه ها، ریاست ها و ادارات دولتی) باید سعی و تلاش های بیشتر صورت گیرد.

۳. بر اساس گزارش کمیسیون خدمات ملکی در کابل میان تعدا زنان و مردانی که در موقف تصمیم گیری در وزارت خانه ها و ادارات قرار دارند نیز تفاوت زیادی به چشم می خورد. در اکثر وزارتخانه ها و ادارات هیچ زنی در جایگاه تصمیم گیری وجود ندارد.

جدول ۲-۳ میزان اناث و ذکور در سطح تصمیم گیری (رتبه دوم، رتبه اول و فوق رتبه) طی سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی در افغانستان

ذکور		اناث		وزارتخانه ها . ادارات دولت
فیصد	تعداد	فیصد	تعداد	
۹,۱	۲	۹۰,۹	۲۰	وزارت امور زنان
۵۰,۰	۵	۵۰,۰	۵	بوردها مستقل تعیینات
۸۵,۷	۲۴	۱۴,۳	۴	کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی
۸۵,۹	۵۵	۱۴,۱	۹	وزارت معارف
۹۲,۰	۲۳	۸,۰	۲	سکرتیریت پارلمان
۹۲,۶	۲۵	۷,۴	۲	وزارت عودت مهاجرین
۹۵,۲	۹۹	۴,۸	۵	وزارت عدلیه
۹۶,۷	۲۹	۳,۳	۱	وزارت صحت عامه
۹۶,۹	۳۱	۳,۱	۱	ریاست عمومی اداره امور و سکرتیریت شورای وزیران
۹۷,۱	۳۴	۲,۹	۱	وزارت داخله
۹۸,۷	۷۷	۱,۳	۱	وزارت زراعت، مالداري و مواد غذایی
۱۰۰,۰	۱	۰,۰	۰	دفتر معاون رئیس جمهور
۱۰۰,۰	۶	۰,۰	۰	وزارت شهر سازی و مسکن
۱۰۰,۰	۲۵	۰,۰	۰	وزارت مالیه

۱۰۰,۰	۷	۰,۰	۰	وزارت سرحدات و قبائل
۱۰۰,۰	۱۳	۰,۰	۰	وزارت تحصیلات عالی
۱۰۰,۰	۱۲	۰,۰	۰	وزارت احیا و انکشاف دهات
۱۰۰,۰	۲	۰,۰	۰	کمیته ملی المپیک
۱۰۰,۰	۲۵	۰,۰	۰	اداره حفاظت از محیط زیست
۱۰۰,۰	۴	۰,۰	۰	اداره کنترل و تفتیش
۱۰۰,۰	۳	۰,۰	۰	ریاست مبارزه با حوادث
۱۰۰,۰	۱۴	۰,۰	۰	وزارت مخابرات
۱۰۰,۰	۱	۰,۰	۰	شاروالی کابل
۹۱,۰	۵۱۷	۹,۰	۵۱	مجموع

منبع : گزارش کمیسیون خدمات ملکی، کابل، افغانستان

زنان و مردانی که اعضای مجلس نمایندگان اند:

• افغانستان دارای یک پارلمان دو مجلسه می باشد: ( مجلس نمایندگان ) ولسی جرگه یا شورای مردم، دارای ۲۴۹ عضو بوده که اعضای آن به طور مستقیم برای یک دوره پنج ساله انتخاب می گردد. بر اساس قانون اساسی که در سال ۲۰۰۴ میلادی تصویب گردید ۶۸ کرسی در ولسی جرگه برای زنان تخصیص داده شده است. مشرانو جرگه دارای ۱۰۲ عضو بوده که ۳۴ عضو از سوی شوراهای ولسوالی ها برای یک دوره سه ساله تعیین می گردند. ۳۴ عضو دیگر توسط شوراهای ولایتی (یک عضو از هر ولایت) برای یک دوره چهار ساله و ۳۴ عضو باقیمانده از سوی رئیس جمهور کشور برای پنج سال انتصاب می گردند. قانون اساسی ۵۰ درصد ( ۳۴ عضو ) منتخب در مشرانو جرگه از سوی رئیس جمهور را به زنان تخصیص می دهد.

• در سال ۲۰۰۷، زنان مجموعاً ۶۸ کرسی ( ۲۷,۳ درصد ) از مجموع کرسی های ولسی جرگه در پارلمان کشور را کسب کرده اند. ( جدول زیر ) با آن که این یک دست آورد عالی است ولی با آن هم این رقم پائینتر از ۳۰ درصد حداقل سطح قبول شده

جهانی می باشد. هدف دراز مدت حضور ۵۹ درصد زنان در مشرانو جرگه و ولسی جرگه پارلمان می باشد.

در شورای ولایتی مجموعاً ۴۲۰ کرسی وجود دارد که از جمله ۱۲۴ کرسی آن قانوناً به زنان تخصیص داده شده است. با آن که در سال ۲۰۰۵ میلادی زنان برنده ۱۲۱ کرسی بوده اند اما برای اشغال سه کرسی باقیمانده دیگر زنان، حتی از طریق رقابت نامزد وجود نداشت.

جدول ۳-۳ نشان دهنده میزان موجودیت زنان عضو در پارلمان در سال ۲۰۰۷ می باشد.

مجموع تعداد کرسی ها	زنان		پارلمان ملی
	فیصد	تعداد	
۲۴۹	۲۷,۳	۶۸	ولس جرگه
۱۰۲	۲۲,۵	۵۳	مشرانو جرگه

منابع: پارلمان، کابل، افغانستان، سال ۲۰۰۷ میلادی

زنان و مردان نامزد در انتخابات ملی سال ۲۰۰۵ میلادی:

- میزان زنان که در انتخابات ملی پارلمان و شورای ولایتی منعیث کاندیدان نامزد بودند، نشان دهنده حمایت زنان در راستای سیاست است. در سال ۲۰۰۵ میلادی ۱۱,۷ درصد نامزدان ولسی جرگه پارلمان زنان بودند؛ میزان کاندیدان زن در شورای ولایتی ۷,۵ درصد بود. (جدول ۳,۸) این رقم نشان می دهد که زنان در سطح ملی و ولایتی در حوزه سیاست نسبت به مردان عقب مانده تر اند.

- جدول ۳-۴ میزان زنان و مردان نامزد در انتخابات ملی سال ۲۰۰۵

میلادی

مردان		زنان		جرگه ها و شوراها
فیصد	تعداد	فیصد	تعداد	
۸۸,۳	۲۳۸۷	۱۱,۷	۳۱۷	ولسی جرگه
۹۲,۵	۲۵۹۰	۷,۵	۲۱۱	شورای ولایتی

## زنان در کابینه و پُستهای سیاسی:

- کابینه فعلی کشور شامل ۲۵ وزیر بوده که تنها یک زن (۴ درصد) آن زن می باشد. که این نشان دهنده ی عقب گرایی نسبت به کابینه گذشته (که دارای سه تن یا ۱۱ درصد وزرای زن بود) می باشد.
  - در سال ۲۰۰۷ میلادی افغانستان به تعداد ۱۷ تن سفیر در خارج از کشور دارد که از آن جمله ۱۵ ( ۸۸ درصد ) آنان مردان بوده و ۲ تن ( ۱۲ درصد ) آنان زنان می باشند.
- در مقایسه شرایط جامعه مان با دست آورد های اسلام بویژه در بُعد سیاسی باز هم می توانیم به نکات دیگری از سدر اسلام اشاره کنیم.
- در ارتباط با ایفای نقش های سیاسی زنان در اسلام مسئله بیعت زنان با پیغمبر اکرم که مسلماً باید بیعتی از روی ایمان و آگاهی باشد بر همگان هویدا است. حضور زنان در جنگ و در صحنه های مبارزاتی دیگر موضوعی است که در تاریخ اسلام قابل کتمان نمی باشد. مثال دیگر سمیه است، کنیزی سیاهپوست که در اسلام به عنوان اولین زن شهید شناخته شده است. او زیر شکنجه مشرکین در پاسخ دعوت به برگشتن از عقیده اش جواب می داد:
- « تفو بر شما مردم. شما مردم نادان و احمق، همین شما که حاضرید انسانیت، شخصیت و همه چیز خودتان را برای خشنودی دیگران فراموش کنید و آدمکهای چون خودتان را بپرستید».
- او وقتی با شوهر و پسرش شکنجه می شدند به شوهرش می گفت ای همسرم این جا نیز میدان جهاد است و باید مقاومت کرد(جلال زاده، بی تا: ۲۲).
- زینب قهرمان کربلا در انتقال پیام نبرد عاشورا نقش اساسی داشته است. به گفته برخی نظریه پردازان هر انقلابی دو چهره دارد: خون و پیام و اگر پیام بعد از خون وارد آگاهی تاریخی ما نگردد، خون بی ثمر خواهد ماند زینب پس از نبرد عاشورا چنین نقشی را ایفا نموده است. عملکرد او نمونه ای است از نقش و جایگاه سیاسی و رهبری زن در جامعه.
- مثال های فراوان دیگری هم از نقش های مهم زنان در صحنه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تاریخ وجود دارد: از خدیجه کبرا و حضرت فاطمه گرفته تا زنان مبارز الجزایری، فلسطینی، ایرانی و افغانستانی. در دوره های اخیر شرکت در مناصب سیاسی مانند قضاوت، وزارت، نمایندگی شوراها و ... از طرف بسیاری از علما در شرایط واحد در جوامع مورد تأیید قرار گرفته است.

بهبتر است به برخی گزارشات و شاهد دیگر در مورد نقش زنان در مسائل توسعه و انکشاف اجتماعی و فعالیتهای اقتصادی آنان در شرایط فعلی جامعه تان اشاره ها می داشته باشیم.  
 زنان در شوراهای انکشافی اجتماعی:

- شوراهای انکشافی اجتماعی از سوی برنامه همبستگی ملی وزارت احیاء و انکشاف دهات ایجاد گردیده اند. این شوراها مصروف کارهای انکشافی اجتماعی، بشمول انکشاف ساختمان سرکهای محلات که بالای زندگی مردان، زنان و اطفال تأثیرات فراوان دارد.
- برنامه همبستگی ملی یکی از جمله تلاشهای بزرگ دولت در راستای رسیدگی به محلات روستایی سراسر افغانستان است تا به منظور رفع ضرورت های آنان از اقدامات مشترک استفاده نماید. شوراهای انکشافی اجتماعی منتخب به سطح قریه جات که زنان نیز در آن از نقش ارزنده برخوردارند، در راستای اولویت های انکشافی، انکشاف پیشنهادات مبنی بر سرمایه گذاری و استفاده از کمک های مالی انکشافی و یا کمکهای مالی بلاعوض و همچنان استفاده از کارگران محلی به توافق نظر دست یافته اند. وظیفه شوراهای انکشافی اجتماعی مشوره با مقامات محلی دولتی است.
- تعداد شوراهای انکشافی اجتماعی به تفکیک ولایات و تعداد اعضای این شوراها به تفکیک جنس در (جدول زیر) نشان داده شده است. این جدول نشان می دهد که در ماه مارچ سال ۲۰۰۷ میلادی ۹،۳۹۴ شورای انکشافی اجتماعی در سراسر افغانستان وجود داشت. تعداد اعضای ذکور و اناث در این شوراها به ۲۱،۲۳۹ تن (۲۴ درصد) اناث و ۶۷،۲۱۲ تن ( ۷۶ درصد) ذکور میرسد.

جدول ۳-۵ تعداد شوراهای انکشاف اجتماعی به تفکیک ولایات و تعداد اعضا به تفکیک جنس در ماه مارچ سال ۲۰۰۷ میلادی در افغانستان.

اعضا				تعداد شوراهای انکشاف اجتماعی	ولایات	رتبه
ذکور		اناث				
فیصد	تعداد	فیصد	تعداد			
۵۴,۵	۱۷۵۱	۴۵,۵	۱۴۵۹	۲۳۹	هرات	۱
۵۹,۱	۱۵۱۲	۴۰,۹	۱۰۴۷	۲۴۰	سمنگان	۲
۶۱,۹	۹۱۲	۳۸,۱	۵۶۱	۱۳۵	کابل	۳
۶۲,۲	۱۱۱۳	۳۷,۸	۵۷۷	۱۹۲	دایکندی	۴
۶۴,۸	۱۷۷۷	۳۵,۲	۹۶۶	۲۴۹	بادغیس	۵
۶۶,۲	۲۳۳۴	۳۳,۸	۱۱۹۲	۳۳۴	بامیان	۶
۶۷,۶	۱۹۶۰	۳۲,۴	۹۳۸	۲۸۲	وردک	۷
۶۹,۱	۲۹۶۵	۳۰,۹	۱۳۲۷	۵۰۱	غزنی	۸
۶۹,۸	۲۰۹۴	۳۰,۲	۹۰۸	۲۹۰	بلخ	۹
۷۰,۵	۲۳۹۳	۲۹,۵	۹۹۹	۳۶۴	کاپسا	۱۰

۷۱,۱	۲۲۶۶	۲۸,۹	۹۲۲	۲۹۴	لوگر	۱۱
۷۲,۷	۱۵۳۹	۲۷,۳	۵۷۷	۱۷۹	فراه	۱۲
۷۲,۹	۲۰۴۰	۲۷,۱	۷۶۰	۲۷۵	سری پل	۱۳
۷۴,۰	۱۸۱۶	۲۶,۰	۶۳۹	۲۵۱	جوزجان	۱۴
۷۴,۲	۱۹۷۲	۲۵,۸	۶۸۴	۲۹۴	ننگرهار	۱۵
۷۴,۸	۲۶۵۴	۲۵,۲	۸۹۴	۴۴۸	پکتیا	۱۶
۷۵,۱	۱۸۸۵	۲۴,۹	۶۲۵	۳۱۵	تخار	۱۷
۷۵,۸	۲۵۵۱	۲۴,۲	۸۱۵	۳۱۵	کندهار	۱۸
۷۵,۸	۲۶۶۹	۲۴,۲	۸۵۰	۳۲۷	فاریاب	۱۹
۷۵,۹	۲۹۶۶	۲۴,۱	۹۴۳	۴۲۰	بامیان	۲۰
۸۱,۵	۱۹۷۱	۱۸,۵	۴۴۸	۳۰۶	خوست	۲۱
۸۱,۶	۲۱۰۱	۱۸,۴	۴۷۵	۳۱۴	پکتیکا	۲۲
۸۱,۹	۲۱۲۰	۱۸,۱	۴۷۰	۲۲۵	پروان	۲۳
۸۲,۰	۲۳۲۳	۱۸,۰	۵۱۱	۳۵۰	بدخشان	۲۴

۸۲,۳	۲۵۷۹	۱۷,۷	۵۵۳	۳۵۳	لوگر	۲۵
۸۸,۳	۳۰۷۴	۱۱,۷	۴۰۶	۳۳۶	غور	۲۶
۸۸,۸	۱۴۷۵	۱۱,۲	۱۸۶	۲۱۵	کنړ	۲۷
۹۰,۳	۱۱۰۶	۹,۷	۱۱۹	۱۶۲	نیمروز	۲۸
۹۰,۷	۱۱۵۱	۹,۳	۱۱۸	۱۷۳	نورستان	۲۹
۹۲,۵	۱۲۴۶	۷,۵	۱۰۱	۱۰۳	پنجشیر	۳۰
۹۷,۰	۱۲۷۶	۳,۰	۳۹	۱۲۲	زابل	۳۱
۹۹,۲	۲۲۲۰	۰,۸	۱۹	۳۲۸	کندهار	۳۲
۹۹,۶	۳۰۲۵	۰,۴	۱۱	۳۸۲	هلمند	۳۳
۱۰۰,۰	۳۷۶	۰,۰	۰	۵۱	ارزگان	۳۴
۷۶,۰	۶۷۲۱۲	۲۴,۰	۲۱۲۳۹	۹۳۹۴	مجموع	

نوت : رتبه به تفکیک فیصدی اعضای اناث

منابع : برنامه همبستگی ملی، وزارت احیاء و انکشاف دهات، کابل، ماه می سال ۲۰۰۷ میلادی

• میزان زنان عضو در شوراهای محلی در ۵ ولایت کشور در حدود ۳۰ الی ۴۶ درصد می باشد، در حالی که در هفت ولایت دیگر این میزان کمتر از ۱۹ درصد است. در واقع حضور زنان در همه شوراهای انکشاف محلی باید ۵۰ درصد باشد. اقدامات در زمینه رشد جندر یا جنسیت تا حال در افغانستان بدلیل عدم موجودیت ارقام عملی نگردیده است.

#### زنان در زراعت و کارهای اقتصادی غیر رسمی:

- زنان در مناطق روستایی افغانستان بیشترین وقت کاری شان را در کارهای مربوط خانواده چون آشپزی، پاکي و صفایی، مواظبت از اطفال و غیره و کارهای سودمند از لحاظ اقتصادی چون زراعت، باغبانی، تربیه مواشی، جمع آوری هیزم، قالین بافی، گلدوزی، خیاطی و غیره.
- زنان فقیر نسبت به زنان طبقه متوسط و ثروتمند بیشتر در مزارع کار می کنند. همچنان زنان در مناطق شرقی، مرکزی، شمالی و مناطق غربی کشور که از نژاد پشتون ها نمی باشند نسبت به زنان مناطق پشتون در جنوب کشور به دلایل اجتماعی - فرهنگی در مزارع و زمین های زراعتی کار می کنند. خصوصاً در ولایت نورستان که در شمال شرقی واقع است ۹۰ درصد مجموع زمان کاری در زراعت را در مقایسه با مردان ( ۱۰ درصد) زنان همکاری می نمایند.
- در مناطق شرقی، مرکزی، شمالی و غربی کشور زنان بیشتر در کارهای خفیف زراعتی چون پلانگذاری، علف چینی، مواظبت مزارع از مواشی، فصل برداری و طی مراحل نمودن مواد غذایی. یک تعداد در قسمت های مختلف کشور بشمول مناطق جنوبی، شوهران و اقارب ذکورشان را در زمینه زراعت، فصل برداری و طی مراحل نمودن خشخاش همکاری می نمایند.
- زنان همچنین مصروف باغبانی ( میوه جات، باغبانی، خربوزه وغیره ) و تولید نسل و نگهداشت مواشی ( تغذیه گاوها، گوسفندان، مرغ ها و غیره ) می باشند. آنان در زمینه اقتصاد غیر رسمی مربوط به خانواده چون مهره دوزی، قالین بافی، خیاطی و غیره کار می کنند و از آن طریق در زمینه عواید خانوادگی همکاری می نمایند.

- اکثریت زنانی که مصروف زراعت، باغبانی، نگهداشت مواشی و اقتصاد غیر رسمی به شمول تجارت های خورد و کوچک اند از سواد، تعلیم و تربیه و مهارت های کمتری برخوردار اند. به همین لحاظ میزان تولیدات آنان نیز پائین تر است. این زنان ضرورت دارند تا برای شان معلومات، آگاهی های مسلکی، قرضه ها با سود کمتر و دسترسی به مارکیت و بهای مناسب برای تولیدات شان فراهم گردد.

### زنان تجارت پیشه:

- طبق ارزیابی نیازمندی های آموزشی مرکز خصوصی تأسیسات بین المللی در سال ۲۰۰۴ میلادی ۹۴,۴ درصد تجارت در افغانستان توسط مردها پیشبرد می شد.

انواع تجارت به شمول واردات و صادرات ( ۴۲,۲ درصد)، بازرگانی ( ۱۶,۴ درصد)، ساختمانی ( ۱۳,۷ درصد)، زراعت ( ۲,۳ درصد)، مسلکی ( ۱,۳ درصد) و غیره ( ۶,۲ درصد)، اغلب متعلق به مردان می باشد. [۱] علاوه می نماید که اشتراک کم زنان (در تجارت در افغانستان حدود ۵ درصد است) و این وضعیت متأثر از سنن حاکم بر این کشور است. و شاید به حق ملکیت زمین و عدم توانایی به گرو گذاشتن آن جهت سرمایه گذاری بیشتر به خاطر توسعه دادن تجارت شان نیز ارتباط داشته است.

- سهم زنان بر علاوه بر زراعت در کاری که برای آنان پول پرداخته می شوند: ارقام کافی در مورد اشتراک زنان علاوه بر سکتور زراعتی در کارهایی که در بدل آن مزد بدست می آورند در حال حاضر در افغانستان موجود نیست. در سال ۱۹۹۰ میلادی اشتراک زنان بر علاوه سکتور زراعت در کارهایی که به آنان مزد پرداخته می شود فقط ۱۷,۸ درصد بود. (بانک انکشافی آسیایی سال ۲۰۰۶ میلادی)
- تیم ارزیابی از خطرات و آسیب پذیری ملی طی سال ۲۰۰۵ میلادی دریافت که ۴ درصد خانواده ها در افغانستان در کارهایی که در بدل آن پول پرداخته می شود سهم می گیرند. از آن جمله ۸۹ درصد آنان مردان و تنها ۳ درصد آنان زنان و ۴ درصد آنان را اطفال تشکیل می داد.

### اختلاف در مزد:

- مزد زنان به صورت چشمگیر نسبت به مردان پائین تر است. طبق گزارش وزارت امور زنان و به نقل از ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۳ میلادی نسبت مزد زنان به مردان ۵۱ درصد در کشت و زراعت، ۶۱ درصد حاصل گیری و ۵۰ درصد در کارهای دیگر زراعتی می باشد. در حرفه های غیر زراعتی مزدی که برای زنان در بدل تولیدات صنایع دستی پرداخته می شود ۴۱ درصد عواید مردان است. و در بافندگی ۵۳ درصد می باشد.

این موارد نشان می دهد که بر خلاف هدایتها و سفارشات دین اسلام زنان جامعه ما همچنان مورد ظلم و ستم و محدودیتهای فراوان قرار دارند.

در بُعد تعلیم و تربیه علاوه بر آیاتی که در صفحات گذشته نقل کردیم. آیات و احادیث بسیار معتبر دیگری هم وجود دارد که در آن ها هیچ گونه تمایزی میان حقوق زن و مرد وجود ندارد. هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون ( زمر، آیه ۹ ) آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند مساویند؟

و در حدیث معتبری از پیامبر اکرم داریم که می گوید: طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه.

فراگیری علم بر تمامی مسلمین اعم از زن و مرد واجب است. در جنگ بدر پیامبر اسلام هر اسیر کفار را به شرط باسواد ساختن ده مسلمان وعده آزادی می دهد علم علاوه بر آن که معرفت ما از اجزای هستی را رشد می دهد و بر قدرت ایمان و سلوک ما می افزاید، قدرت غلبه و مواجهه با مسائل و مشکلات فیزیکی، روحی و اجتماعی را در دارندگان آن ایجاد می نماید. بنابراین زنان مسلمان نیز برای کسب چنین لیاقتهایی موظفند.

### حق تعلیم و تحصیل زنان در افغانستان:

با وجود تأکیدات بسیار جدی اسلام به فراگیری علم و دانش برای زنان و مردان، با وجود اینکه قلم سوگند خدا است و ارزش اصیل انسان به دانایی است. اما در جامعه ما واقعیات، از آرمانهای دینی ما بسیار فاصله دارد در ادامه بحث گوشه ای از این واقعیات را بر اساس گزارشات منتشره

توسط مراکز دولتی و تحقیقاتی ارائه می دهیم تا به وجود چنین فاصله ای تأکید بیشتری ورزیده باشیم

طبق آمار منتشره توسط وزارت صحت عامه در سال ۱۳۸۶ از مجموع ۳۲ ولایت کشور، در ۲۰ ولایت کمتر از ۱۰ درصد زنان دارای سواد می باشند. در برخی از ولایات میزان سواد در میان زنان حتی به ۲ درصد (بادغیس) و ۳ درصد (غور، پکتیا) نیز می رسد.

در ۱۰ ولایت کشور که عبارت اند از: پکتیا، نورستان، نیمروز، ننگرهار، لوگر، کندوز، کاپیسا، کندهار، بلخ و بدخشان، میزان سواد در میان زنان بین ۱۰ تا ۲۰ درصد می باشد و تنها در دو ولایت کابل و هرات به ترتیب با میزان سواد ۳۵ و ۵۰٫۲۷ درصد در میان زنان بالاتر از ۲۰ درصد می باشد.

بر اساس همین آمار فیصدهای خالص دختران شامل مکاتب ابتدایی عبارتند از:

- ۱- در ۹ ولایت کشور ۱ تا ۲۰ فیصد دختران شامل مکاتب ابتدایی هستند.
- ۲- در ۱۳ ولایت کشور ۲۰ تا ۴۰ فیصد دختران شامل مکاتب ابتدایی هستند.
- ۳- در ۵ ولایت کشور از ۴۰ تا ۶۰ فیصد دختران شامل مکاتب ابتدایی هستند.
- ۴- در ۵ ولایت کشور از ۶۰ تا ۸۰ فیصد دختران شامل مکاتب ابتدایی هستند. این ولایات عبارتند از: کابل، هرات، بلخ، بغلان و بدخشان.

در گزارش کنفرانس تأثیر عنعنات بالای زنان افغان که توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در سال ۱۳۸۳ برگزار گردیده، آمده است: «بر اساس آمار گیرها در مجموع ۷۵ درصد مردم در افغانستان از سواد بی بهره اند ولی این رقم در بین زنان به ۹۲ درصد می رسد. در گزارش جدیدتری که از طریق وزارت امور زنان در سال ۱۳۸۶ منتشر گردیده است، ۱۰٫۱۴ درصد از زنان کشور ما با سواد معرفی شده است. این رقم پایین ترین میزان در منطقه را نشان می دهد. در این گزارش در زمینه تعلیم و تربیه به موارد دیگری هم اشاره شده است که عبارتند از:

- ۱- ۵۶ فیصد مردان و ۳۰ فیصد دختران تعلیمات ابتدایی را تکمیل می نمایند.
- ۲- در سال ۱۳۸۵ تعداد شاگردان مکاتب ۴٫۵ میلیون نفر بوده است که ۹٫۱ میلیون آن را دختران شکل می دادند.
- ۳- در مجموع وزارت معارف تا آخر سال ۱۳۸۵، ۸۲۹۸ باب مکتب داشته است که ۱۳۴۵ باب آن مربوط به قشر اناث ۳۵۲۹ باب مربوط به قشر ذکور و ۳۵۲۴ باب نیز مختلط بوده است.

- ۴- تعداد معلمان کشور ما در سال ۱۳۸۵ به ۱۳۷۰۰ نفر رسیده است که ۲۸ فی صد آن را معلمین قشر اناث تشکیل می داده است.
- ۵- در مکاتب ثانوی (لیسه ها) در قبال هر چهار مرد، یک معلم زن وجود دارد.
- ۶- از ایجاد اداره مؤقت الی ربع سوم سال ۱۳۸۵ مجموعاً در سراسر کشور و به تعداد ۱,۸۱۷,۳۶۶ نفر افراد بی سواد در کورس های سوادآموزی شرکت نموده اند که از مجموع آن ها به حدود ۹۴۷۰۰۰ تن از طبقه ذکور و به حدود ۸۶۹۶۴۵ تن آنان از میان زنان می باشد. در همین فاصله بیش از ۷۷۰۷۱۴ تن از سواد آموزان از کورس ها فارغ شده اند که از جمله ۴۰۰۳۹ تن سوادآموز مرد و بیش از ۳۷۹۳۱۵ تن سواد آموز زن می باشند.
- ۷- جدول زیر نشان دهنده سطح دانش مأمورین رسمی زنان و مردان در سال ۲۰۰۵ میلادی در افغانستان می باشد که بر اساس آمار منتشره اداره احصائیه مرکزی افغانستان، سالنامه احصائوی سال ۲۰۰۶ میلادی توسط وزارت اموز زنان در سال ۲۰۰۷ منتشر گردیده است.

جدول ۶-۳ سطح دانش مامورین رسمی اناث و ذکور در سال ۲۰۰۵ میلادی در افغانستان

هر دو جنس		ذکور		اناث		سطح دانش
فیصدی	تعداد	فیصدی	تعداد	فیصدی	تعداد	
۱۷,۵	۳۸۵۷۳	۱۶,۵	۲۴۹۳۴	۱۹,۹	۱۳۶۳۹	تحصیلات خصوصی
۷,۳	۱۶۰۰۰	۶,۸	۱۰۳۴۸	۸,۲	۵۶۵۲	مکتب ابتدایی
۰,۳	۷۲۸	۰,۴	۶۳۰	۰,۱	۹۸	مکتب تخنیکي
۹,۲	۲۰۲۳۳	۷,۸	۱۱۷۴۶	۱۲,۴	۸۴۸۷	مکتب مسلکی
۵۳	۱۱۶۶۸۸	۵۴,۸	۸۲۹۳۴	۴۹,۲	۳۳۷۵۲	لیسه
۲,۵	۵۵۴۰	۳,۲	۴۸۸۹	۰,۹	۶۵۱	فوق لیسه
۸,۵	۱۸۸۰۷	۸,۶	۱۲۹۸۱	۸,۵	۵۸۲۶	لسانس
۱,۴	۳۰۲۰	۱,۷	۲۵۰۷	۰,۷	۵۱۳	ماستر
۰,۱	۱۹۶	۰,۱	۱۸۷	۰	۹	دکتورا
۰,۱	۲۰۲	۰,۱	۱۹۵	۰	۷	گزارش داده نشده
۱۰۰	۲۱۹۹۸۵	۱۰۰	۱۵۱۳۵۱	۱۰۰	۶۸۶۳۴	مجموع

منابع: اداره احصائیه مرکزی افغانستان سالنامه احصائیوی سال ۲۰۰۶ میلادی.

طوری که در جدول مشاهده می شود علاوه بر این که میان تعداد زنان و مردان شاغل در ادارات دولتی تفاوت زیادی وجود دارد از لحاظ سطح سواد نیز نابرابری فاحشی قابل مشاهده است.

در گزارش مربوط به بررسی عوامل جرایم زنان، منتشره کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان رابطه مستقیمی بین سطح سواد و میزان ارتکاب جرایم نتیجه گیری شده است. در میان زنان مجرم ۳۸۳ درصد بی سواد و ۷,۱۶ درصد از سواد پایین برخوردار بوده اند. در همین راستا

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در گزارش سال ۱۳۸۵ خود تحت عنوان « نظری بر قضایای فرار از منزل» آورده است: در میان زنان فرار کرده از منزل ۲۷،۷۷ فیصد بی سواد و ۵۴،۴ فیصد کم سواد بوده اند و حدود ۱۸،۱۸ درصد نیز تا صنف دوازده تحصیل نموده اند. این گونه آمارها رابطه میان سطح سواد و ارتکاب به جرایم را نشان می دهد.

افغانستان دارای پائینترین سطح سواد در جهان است و در مقایسه با کشورهای همسایه اش از لحاظ سواد و دست یابی به معارف و بهبود وضعیت تعلیمی زنان که در عرصه های آموزشی نسبت به مردان پائین تر می باشد، عقب مانده تر است. چنانچه بخواهیم به هدف های توسعه مطلوب نزدیک تر شویم لازم است جهت رفع این کمبود برنامه ریزی های جدی نماییم. برای روشتر شدن حق تعلیم و تحصیل دختران و زنان در کشور به شواهد بیشتری اشاره می کنیم: بر اساس گزارشهای منتشره توسط وزارت امور زنان وضعیت آموزشی دختران و زنان جامعه ما از موقعیت بسیار نازلتری نسبت به پسران و مردان بر خوردار است. ذیلاً قسمتی از این گزارشها را نقل می کنیم:

الف. وضعیت آموزشی دختران و پسران در دوره ابتدایه مکاتب ( صنف اول الی صنف ششم):

- حکومت افغانستان همواره بالای اهمیت تعلیم و تربیه دختران و پسران تأکید می ورزد. در سال ۲۰۰۵ میلادی، تعداد شاگردان دوره ابتدایی ( صنف اول الی صنف ششم ) ۷۴۰۵۴۲۵ تن متعلم بود. از آن جمله فقط ۳۵،۹ درصد دختران بود. جدول زیر نشان دهنده آن است که میزان دختران از ۳۸،۷ درصد در صنف اول به ۲۵،۷ درصد در صنف ششم کاهش نموده است. این به معنای آن است که بقای دختران بعد از صنف دوم رو به کاهش است. لہذا، تعداد پائین دختران شامل در دوره ابتدایه و کاهش تدریجی آنان در صنوف بالاتر گویای این واقعیت است که آنان برای ادامه تحصیل درمقاطع بالاتر دچار مشکل می باشند.

جدول ۷-۳ تعداد دختران و پسران در دوره ابتدائیه مکاتب در افغانستان طی سال ۲۰۰۵

مجموع	پسران		دختران		صنف
	فیصد	تعداد	فیصد	تعداد	
۸۹۴۵۹۴	۶۱,۳	۵۴۸۲۵۶	۳۸,۷	۳۴۶۳۳۸	۱
۸۷۱۸۱۷۵	۶۱,۱	۵۳۲۷۷۴	۳۸,۹	۳۳۹۱۰۱	۲
۸۹۶۹۷۵	۶۲,۷	۵۶۲۷۹۷	۳۷,۳	۳۳۴۱۷۸	۳
۹۰۴۹۷۵	۶۴,۴	۵۸۲۸۱۷	۳۵,۶	۳۲۲۰۹۸	۴
۳۹۷۵۵۲	۷۱,۵	۲۸۴۴۰۹	۲۸,۵	۱۱۳۱۴۳	۵
۲۸۸۰۹۴	۷۴,۳	۲۱۴۱۴۷	۲۵,۷	۷۳۹۴۷	۶
۴۲۵۴۰۶۵	۶۴,۱	۲۷۲۵۲۶۰	۳۵,۹	۱۵۲۸۸۰۵	مجموع

منبع: ریاست پلان وزارت معارف، ماه می سال ۲۰۰۷ میلادی.

ب. تعداد دختران و پسران در دوره متوسطه (صنوف ۷ الی ۹) و لیسه (۱۰ الی ۱۲):

طی سال ۲۰۰۵ میلادی تعداد متعلمین که شامل دوره متوسطه و لیسه بودند به ۶۲۶,۵۶۹ تن متعلم میرسید. از آن جمله میزان دختران ۲۴,۱ درصد بود. میزان متعلمین اناث در صنوف بالاتر کاهش یافته است. از ۲۵,۰ درصد در صنف هفتم به ۲۰,۶ درصد در صنف دوازدهم کاهش یافته است.

جدول ۸-۳ تعداد دختران و پسران در دوره متوسطه و لیسه طی سال ۲۰۰۵ میلادی

مجموع	پسران		دختران		صنف
	فیصد	تعداد	فیصد	تعداد	
۲۰۴۲۳۷	۷۵,۰	۱۵۳۲۵۴	۲۵,۰	۵۰۹۸۳	-۷
۱۳۷۴۷۸	۷۶,۱	۱۰۴۵۶۳	۲۳,۹	۳۲۹۱۵	-۸
۱۱۰۸۶۴	۷۳,۷	۸۱۷۴۹	۲۶,۳	۲۹۱۱۵	-۹
۸۱۷۵۲	۷۶,۱	۶۲۲۵۰	۲۳,۹	۱۹۵۰۲	-۱۰
۵۴۴۶۷	۸۰,۲	۴۳۶۸۲	۱۹,۸	۱۰۷۸۵	-۱۱
۳۷۷۷۱	۷۹,۴	۳۰۰۰۶	۲۰,۶	۷۷۶۵	-۱۲
۶۲۶۵۶۹	۷۵,۹	۴۷۵۵۰۴	۲۴,۱	۱۵۱۰۶۵	مجموع

منبع: ریاست پلان وزارت معارف، ماه می سال ۲۰۰۷ میلادی

تعداد محصلین دانشکده های دانشگاه ها به تفکیک جنس و دانشگاه ها

- میزان محصلین دانشکده های دانشگاه ها با توجه به حق تساوی جنسیت، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در سال ۲۰۰۶ میلادی جمعاً ۴۱،۷۸۷ تن محصل در دانشکده های دانشگاه های افغانستان وجود داشت. از آن جمله فقط ۲۱،۵ درصد آنان محصلین اناث بودند. (جدول زیر).
- قابل تذکر است که در دانشگاههای ولایت پکتیا و خوست هیچ محصلی از قشر اناث وجود نداشت در حالی که میزان محصلین اناث در ولایت کندهار، پولیتخنیک کابل، دانشگاه البیرونی و دانشگاه ولایت بامیان بسیار ناچیز بود.

جدول ۹-۳ تعداد محصلین دانشگاه ها به تفکیک جنس و دانشگاه طی سال ۲۰۰۵ میلادی در افغانستان

مجموع	ذکور		اناث		دانشگاه ها	ترتیب بر اساس فیصدی اناث
	فیصدی	تعداد	فیصدی	تعداد		
۲۷۲	۵۰،۰	۱۳۶	۵۰،۰	۱۳۶	دانشگاه بدخشان	۱
۵۲۶	۵۴،۴	۲۸۶	۴۵،۶	۲۴۰	دانشگاه فاریاب	۲
۳۶۳۴	۶۲،۰	۲۲۵۴	۳۸،۰	۱۳۸۰	دانشگاه تعلیم و تربیه	۳
۱۱۰۹	۶۴،۰	۷۱۰	۳۶،۰	۳۹۹	دانشگاه جوزجان	۴
۵۵۱۶	۶۷،۴	۳۷۲۰	۳۲،۶	۱۷۹۶	دانشگاه بلخ	۵
۴۰۰۴	۶۸،۳	۲۷۳۴	۳۱،۷	۱۲۷۰	دانشگاه هرات	۶
۲۶۹۰	۷۴،۰	۱۹۹۰	۲۶،۰	۷۰۰	انستیتوت طب کابل	۷
۵۹۰	۷۵،۶	۴۴۶	۲۴،۴۵	۱۴۴	دانشگاه کندز	۸
۹۱۴۰	۷۸،۶	۷۱۸۶	۲۱،۴	۱۹۵۴	دانشگاه کابل	۹
۱۰۴۳	۸۴،۴	۸۸۰	۱۵،۶	۱۶۳	دانشگاه پروان	۱۰
۱۳۰۶	۸۵،۱	۱۱۱۱	۱۴،۹	۱۹۵	دانشگاه بغلان	۱۱
۹۱۷	۸۷،۱	۷۹۹	۱۲،۹	۱۱۸	دانشگاه تخار	۱۲
۴۷۰۰	۹۲،۴	۴۳۴۱	۷،۶	۳۵۹	دانشگاه ننگرهار	۱۳
۹۵۸	۹۶،۰	۹۲۰	۴،۰	۳۸	دانشگاه کندهار	۱۴
۲۲۵۳	۹۶،۸	۲۱۸۱	۳،۲	۷۲	دانشگاه پولیتخنیک کابل	۱۵
۱۱۸۲	۹۷،۵	۱۱۵۲	۲،۵	۳۰	دانشگاه البیرونی	۱۶
۳۶۸	۹۷،۸	۳۶۰	۲،۲	۸	دانشگاه بامیان	۱۷

۲۶۹	۱۰۰,۰	۲۶۹	۰,۰	۰	دانشگاه پکتیا	۱۸
۱۳۱۰	۱۰۰,۰	۱۳۱۰	۰,۰	۰	دانشگاه خوست	۱۹
۴۱۷۸۷	۷۸,۵	۳۲۷۸۵	۲۱,۵	۹۰۰۲	مجموع	

ج. تعداد محصلین دانشکده های دانشگاه ها که طی سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی در افغانستان فارغ گردیده اند:

- طی سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی به تعداد ۷۰۲۶ محصلین دانشکده ها و دانشگاه ها در افغانستان فارغ گردیده اند. از آن جمله ۱,۶۱۸ تن ( ۲۳ درصد ) محصلان اناث بودند. ( جدول زیر ) این به معنای آن است که از چهار تن محصلان ما که در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی فارغ گردیده اند یک تن آنان اناث است.

جدول ۱۰-۳ تعداد محصلان فارغ از دانشگاه ها در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی به تفکیک جنس و دانشگاه ها.

مجموع	ذکور		اناث		دانشگاه ها	به ترتیب فیصدی اناث
	فیصدی	تعداد	فیصدی	تعداد		
۵۷	۱۹,۳	۱۱	۸۰,۷	۴۶	دانشگاه بدخشان	۱
۵۳	۴۱,۵	۲۲	۵۸,۵	۳۱	دانشگاه فاریاب	۲
۷۴	۴۸,۶	۳۶	۵۱,۴	۳۸	دانشگاه کندز	۳
۶۱۴	۵۵,۲	۳۳۹	۴۴,۸	۲۷۵	دانشگاه تعلیم و تربیه	۴
۸۸۰	۶۵,۰	۵۷۲	۳۵,۰	۳۰۸	دانشگاه بلخ	۵
۱۵۹	۷۱,۷	۱۱۴	۲۸,۳	۴۵	دانشگاه بغلان	۶
۳۲	۷۱,۹	۲۳	۲۸,۱	۹	دانشگاه جوزجان	۷
۶۰۸	۷۲,۹	۴۴۳	۲۷,۱	۱۶۵	دانشگاه هرات	۸
۲۳۲	۷۸,۹	۱۸۳	۲۱,۱	۴۹	دانشگاه پروان	۹
۲۲۸۳	۸۰,۲	۱۸۳۲	۱۹,۸	۴۵۱	دانشگاه کابل	۱۰
۴۵۸	۸۳,۲	۳۸۱	۱۶,۸	۷۷	انستیتوت طب کابل	۱۱
۱۲۲	۸۴,۴	۱۰۳	۱۵,۶	۱۹	دانشگاه تخار	۱۲
۸۴۸	۸۹,۳	۷۵۷	۱۰,۷	۹۱	دانشگاه ننگرهار	۱۳
۲۷۹	۹۵,۳	۲۶۶	۴,۷	۱۳	دانشگاه پولیتخنیک کابل	۱۴
۱۶۲	۹۹,۴	۱۶۱	۰,۶	۱	دانشگاه البیرونی	۱۵
۹۰	۱۰۰,۰	۹۰	۰,۰	۰	دانشگاه کندهار	۱۶
۷۵	۱۰۰,۰	۷۵	۰,۰	۰	دانشگاه خوست	۱۷
۷۰۲۶	۷۷,۰	۵۴۰۸	۲۳,۰	۱۶۱۸		مجموع

منبع : مدیریت احصائیوی، ریاست پلان، وزارت تحصیلات عالی، ماه جون سال ۲۰۰۷ میلادی  
د. تعداد شاگردان ذکور و اناث در تعلیمات تخنیکی و مسلکی:

تعداد کمتری در افغانستان به مکاتب مسلکی و تخنیکی می روند. در سال ۲۰۰۵ میلادی جمعاً ۳۵۵۹ تن شاگرد در مکاتب تخنیکی وجود داشت. از جمله فقط ۱,۴ درصد آنان دختران بودند. طی همان سال تعداد مجموعی شاگردان در مکاتب مسلکی ۵۸۳۳ تن بود. از آن جمله فقط ۱۶,۲ درصد آنان شاگردان اناث بودند و لذا ضرورت است تا والدین را تشویق نمود که دختران شان را به مکاتب تخنیکی و مسلکی بفرستند و برای دختران که می خواهند برنامه های تحصیلی خارج از کشور فراهم گردد.

جدول ۱۱-۳ تعداد شاگردان مکاتب تخنیکی و مسلکی به تفکیک جنس در سال ۲۹۹۵ میلادی در افغانستان

مجموع	ذکور		اناث		انواع مکاتب
	فیصد	تعداد	فیصد	تعداد	
۳۵۵۹	۹۸,۶	۳۵۱۰	۱,۴	۴۹	تخنیکی
۵۸۳۳	۸۳,۸	۴۸۹۰	۱۶,۲	۹۴۳	مسلکی

منابع: اداره احصائیه مرکزی کابل، افغانستان سالنامه سال ۲۰۰۶ میلادی.

#### تعداد استادان دانشگاه به تفکیک جنس

- در سال ۲۰۰۶ میلادی استادان دانشگاه و دانشکده ها در افغانستان ۱۹۸۲ تن بود.
- از آن جمله تنها ۱۵,۳ درصد آنان اناث بودند. میزان استادان اناث در دانشگاه های ولایات پکتیا، تخار و خوست صفر بود. در حالی که این میزان در دانشگاه های ولایات بغلان، کندهار، ننگرهار، و البیرونی خیلی ها کم بود.

جدول ۱۲-۳ تعداد استادان دانشگاه ها در سال ۲۰۰۶ میلادی به تفکیک جنس در افغانستان

مجموع	ذکور		اناث		دانشگاه ها	براساس فیصدی اناث
	فیصد	تعداد	فیصد	تعداد		
۱۲	۴۱,۷	۵	۵۸,۳	۷	دانشگاه بدخشان	۱
۳۰	۶۶,۷	۲۰	۳۳,۳	۱۰	دانشگاه فاریاب	۲
۱۳	۶۹,۲	۹	۳۰,۸	۴	دانشگاه روان	۳
۴۹	۷۳,۵	۳۶	۲۶,۵	۱۳	دانشگاه جوزجان	۴
۱۴۴	۷۵,۰	۱۰۳	۲۵,۰	۳۶	دانشگاه تعلیم و تربیه	۵
۱۷	۷۶,۵	۱۳	۲۳,۵	۴	دانشگاه کندز	۶
۲۲۷	۷۸,۴	۱۷۸	۲۱,۶	۴۹	دانشگاه بلخ	۷
۴۹۰	۸۰,۶	۳۹۵	۱۹,۴	۹۵	دانشگاه کابل	۸
۱۵۷	۸۵,۴	۱۳۴	۱۴,۶	۲۳	دانشگاه هرات	۹
۳۶	۸۶,۱	۳۱	۱۳,۹	۵	دانشگاه بامیان	۱۰
۱۳۲	۸۶,۴	۱۱۴	۱۳,۶	۱۸	دانشگاه پولیتخنیک کابل	۱۱
۲۱۸	۸۹,۰	۱۹۴	۱۱,۰	۲۴	انستیتوت طب کابل	۱۲
۲۱	۹۰,۵	۱۹	۹,۵	۲	دانشگاه بغلان	۱۳
۵۸	۹۳,۱	۵۴	۶,۹	۴	دانشگاه کندهار	۱۴
۲۶۳	۹۷,۰	۲۵۵	۳,۰	۸	دانشگاه ننگرهار	۱۵
۴۵	۹۷,۸	۴۴	۲,۲	۱	دانشگاه البیرونی	۱۶
۹	۱۰۰,۰	۹	۰,۰	۰	دانشگاه پکتیا	۱۷
۲۴	۱۰۰,۰		۰,۰	۰	دانشگاه تخار	۱۸
۳۷	۱۰۰,۰	۳۷	۰,۰	۰	دانشگاه خوست	۱۹
۱۹۸۲	۸۴,۷	۱۶۷۹	۱۵,۳	۳۰۳	مجموع	

منبع: مدیریت احصائیه، ریاست پلان، وزارت تحصیلات عالی، ماه جون سال ۲۰۰۷ میلادی

یکی از موضوعات جنجال بر انگیز در جوامع اسلامی موضوع ازدواج است در ازدواج چند نکته قابل ذکر عبارتند از:

۱- تأکید اساسی اسلام بر کاهش تعدد زوجات است. در زمان ظهور اسلام تعدد زوجات امری معمولی بوده است و در اسلام این عملکرد آن چنان مذموم است که حتی انتخاب دو زوجه را در صورت عدم رعایت عدالت و تساوی حقوق آنان جایز نمی داند و گفته شده است که تقسیم یکسان محبت میان دو زن از طرف مرد ممکن نیست. بنابراین در شرایط بسیار خاصی تعدد زوجات جایز شمرده می شود.

از جمله در موردی که زنان مومنه پس از شهادت یا فوت شوهرانشان در جامعه بی پناه می مانند و مردان مجاهد به ازدواج با آن ها تن می دهند. چنین ازدواج های نه از سر دل بستگی، عشق یا شهوت بلکه ناشی از احساس وظیفه انسانی است و حکایتگر نشان و کرامت بالای اخلاقی و روحی یک خانواده مسلمان است اعم از زن و مرد و فرزندان.

۲- دختر و پسر بالغ در انتخاب همسر خویش آزاداند و هیچ اجباری در این مورد جایز نیست. دختری نزد پیغمبر آمد و گفت یا رسول الله: پدرم بدون اینکه نظر مرا جویا شود مرا به عقد پسر برادر خویش در آورده است. پیامبر (ص) فرمود حالا که پدرت چنین کرده تو هم مخالفت نکن و عمل پدرت را صحه گذاشته تأیید کن و با پسر عمویت ازدواج نما؛ دختر گفت یا رسول الله: من پسر عمویم را دوست ندارم. چگونه زن کسی شوم که دوست ندارم. پیامبر گفت: اگر چنین است اختیار با خودت هست که هر کسی را دوست داری شوهر کنی. دختر گفت: یا رسول الله من پسر عمویم را دوست دارم. اما چون پدرم بدون این که نظر مرا بپرسد این کار را کرده است من آمدم که این حرف را ( اختیار خودت هست ) از زبان شما بشنوم و به همه زنان اعلام کنم که پدران حق ندارند به هر کس که دل شان بخواهند دختران شان را شوهر بدهند بلکه باید رضایت و نظر آنان را در نظر بگیرند. ( سنن ابن ماجه : ۶۰۴ ). در این موضوع میان بزرگان اهل تشیع و اهل سنت اختلاف نظری وجود ندارد.

هم کسانی مانند امام جعفر صادق، امام ابوحنیفه و هم فقهای امروزی بر این نکته تأکید ورزیده اند که در ازدواج رضایت والدین شرط نیست، اما مشورت با آنان امری پسندیده است. آن چه مذموم است تحمیل اراده والدین است بر فرزندان .

۳- زنان را بر مردان و مردان را بر زنان حقی است. بنابراین دو بُعد حق و تکلیف در زندگی زن و شوهری باید مورد توجه قرار بگیرد. زن و مرد به نیکی و محبت در رفع نیاز های

همدیگر و فرزندان مشارکت دارند و محیط خانوادگی، کانون رشد و معنوی و اخلاقی تمام اعضای آن است.

۴- خشونت زن بر مرد و مرد بر زن جایز نیست. این موضوع مخصوص در سیره حضرت پیغمبر بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از زنان پیغمبر آن قدر آزارش می دادند که از شدت فشار روحی سر در گریبان در گوشه ای می خزیده است اما هرگز دیده نشده است که حتی یک سیلی بر صورت یکی از همسرانش زده باشد.

۵- زن پس از فوت همسرش دارای اختیار نمودن همسر جدید است و هیچ تحمیلی بر او جایز نیست.

۶- هیچ حکمی نه تنها در ازدواج بلکه در هر مورد دیگری نباید بر خلاف روح توحیدی اسلام باشد. احکام حقوقی اسلام در شکل و نحوه اجرای آن ابدی نمی باشد. آن چه همواره ثابت می ماند جهت عمل است که باید با روح توحیدی مکتب اسلام سازگار باشد.

اما احکامی مانند آن چه مربوط به نقش و وظیفه اقتصادی مرد و زن در خانواده است یا احکام مربوط به نحوه اجرای طلاق و ... متناسب با ظرفیت اخلاقی و فکری جامعه از دوره ای به دوره ای و از جامعه ای به جامعه دیگر می توانند تغییر یابند و البته لزوماً هم باید تغییر یابند.

### واقعیت هایی در مورد حق ازدواج زنان در افغانستان:

در گزارشهای تحقیقاتی که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در سالهای اخیر انجام شده است، برخی موارد قابل ذکر عبارتند از:

۱- از جمله عنعنات و رسوم ناپسند رایج در کشور در رابطه با زنان می توان به موارد بد گرفتن، ازدواج اجباری، طویانه، ازدواجهای متعدد با وجود مخالفت دختر، بدل، تفاوت سنی زیاد، فروختن دختر در مقابل قرض و قمار، ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر، محروم ساختن زنان از میراث، نامزدی در کودکی، تعدد زوجات، محرومیت از تعلیم و تربیه، تبادل زن با مواشی و... اشاره کرد. عوامل اصلی ادامه این رسوم ناپسند مردان، بزرگان و ریش سفیدان خانواده ها می باشد. این موضوعات در گزارش کنفرانس تأثیر عنعنات بالای زنان افغان که در ال ۱۳۸۳ توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال انجام شده است،

۲- در تحقیق دیگری که توسط کمیسیون مستقل بشر افغانستان در سال ۱۳۸۵ در حوزه جنوب غرب کشور صورت گرفته است، ۲۲ درصد از خانواده های قربانیان پدیده خودکشی، عامل اصلی خودکشی دخترانشان را ازدواج اجباری اظهار نموده اند.

۳- در گزارش « نظری بر قضایای فرار از منزل» که توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال انجام شده است، یکی از نکات عمده مور توجه این است که اکثریت کسانی که از منزلشان فرار کرده اند، یا در معرض ازدواج اجباری قرار داشته اند یا قربانی چنین پدیده ای شده اند. سایر عوامل موثرتر بر فرار زنان و دختران از منزل، خشونتهای خانوادگی، بی سوادی و مشکلات اقتصادی بوده است.

۴- در گزارش تحقیقاتی « تعدد زوجات در افغانستان» از عوامل بسیار عمده تعدد زوجات وجود رقابتهای قومی، عرف و تعامل، بیماری خانم و .. ذکر شده است. حدود ۸۰ درصد خانم ها با ازدواج مجدد شوهرشان در تشویش از آینده خود فرزندان، طلاق و خشونت قرار داشته اند و در صد اندکی نیز ازدواج مجدد را حق شوهر اظهار کرده اند. این تحقیق نیز در سال ۱۳۸۶، توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال انجام شده است.

در تحقیق حاضر یکی از مسائل مورد مطالعه ما فهم این موضوع است که اولاً درک مردم از دستورات دینی در مورد حقوق زن در عرصه های تعلیم و تربیه، ازدواج و زندگی اجتماعی چگونه است؟ و تا چه حد میان ارزش های دین اسلام و واقعیت های موجود در جامعه ما فاصله وجود دارد؟

ما به این سوالات در بخش توصیف داده و نتیجه گیری جواب خواهیم داد.

## فصل چهارم

### نتیجه گیری و پیشنهادات:

موضوع زن در سطح جهانی بخصوص در دو سده اخیر و در کشورما نیز در دهه های اخیر به موضوع بسیار جدی در محافل علمی تحقیقاتی و سیاسی بدل شده است. در رابطه با حقوق بشر و توسعه انسانی، اکنون پرسشهای مهمی در مورد زنان و جایگاه آنان در جامعه مطرح شده است. در کشور ما مطالعات جامعه شناختی در مورد زنان ضمن آنکه از بسیاری واقعتهای تلخ پرده برداشته اند، از لحاظ مبانی تئوریک، منطق روش شناسی و ... دارای نواقص و کمبودهای جدی می باشند.

جامعه ما با برخورداری از گرایشهای شدید دینی و از طرفی تعلقات ریشه دار سنتی و مرد سالاری و از جانبی نیز مواجهه با جوامع توسعه یافته غربی، به حوزه مطالعاتی مهمی در مورد زنان تبدیل شده است. شواهد تاریخی و تحقیقات انجام یافته قبلی نشان می دهند که زنان در جامعه ما از جایگاه حقوقی و انسانی بسیار نازلتری نسبت به مردان برخوردارند. بنظر می رسد میان ارزشها و باورهای دینی با آنچه در واقعیت می گذرد اختلاف زیادی وجود دارد. وضعیت زنان در افغانستان را می توان به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح ساخت. چنانکه گفتیم مسئله اجتماعی حال ناکارآمدی و کارکردهای منفی نهادها و سازمان های عمومی جامعه است و به طور کلی به پدیده هایی اطلاق می گردد که تغییرات و تحولات مطلوب جامعه در مسیر توسعه همه جانبه آن را مورد تهدید قرار می دهد. ما بر این باوریم که مسئله زنان از بُعد تاریخی برخوردار است و ریشه های آن را باید در مختصات و ویژگیهای تاریخی جامعه ما جستجو کرد. از طرفی این وضعیت را می توان به صورت چند بُعدی مورد بررسی قرار داد. موقعیت زنان نه تنها از بُعد فرهنگی بلکه از ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل بررسی است و تمامی این ابعاد در ارتباط و تأثیر گذاری متقابل نسبت مهم بسر می برند.

با توجه به منطق تکامل پذیری جوامع، وضعیت اسفبار زنان قابل تغییر و کنترل می باشد. پیش شرط هر نوع تغییر و تحول مثبت آگاهی علمی و دقیق در مورد پدیده های همه جامعه می باشد. آگاهی از عوامل و پیامدهای ستم بر زنان، نیروهای مختلف فعال در جامعه، بویژه توده مردم را در رفع آن یاری خواهد کرد.

در این تحقیق، در پی آن بوده ایم تا برداشتهای دینی در زمینه حقوق زن را مورد مطالعه قرار دهیم. انجام چنین پژوهشی علاوه بر نکاتی که تذکر دادیم از جهات دیگر نیز مهم بود. یکی آنکه جامعه ما بشدت خود را دارای هویت دینی می داند. بنابر این مهم است که فهم دینی مردم در زمینه مسائل مهم کشور از جمله موقعیت زنان با بهره از روشهای علمی مورد ارزیابی قرار گیرد. دوم آنکه در جامعه ما چنین موضوعاتی از پشتوانه تحقیقاتی ضعیفی برخوردار است. سوم آنکه از نظر متفکران بزرگ مسائل توسعه انسانی، توسعه جوامع بدون پرداختن به جایگاه حقوقی و انسانی زنان امکان پذیر نمی باشد. از نظر اسلام نیز رعایت حقوق و انجام تکالیف، مهمترین موضوعی است که در تمامی حوزه های زندگی اجتماعی اعم از خانواده و سایر گروه ها باید مورد توجه قرار گیرد.

هدف خاص این تحقیق، دستیابی به شناختی علمی در مورد حقوق زن در اسلام و افغانستان بوده است. کسب چنین شناختی زمینه حرکت ما بسوی صنعت های ایده آل تر را فراهم خواهد ساخت. برنامه ریزیهای توسعه چنانچه در سازگاری با ارزشهای دینی قرار گیرند، از امکان موفقیت بالایی برخوردارند. پرسشهای اساسی ما در این بررسی عبارت بوده اند از:

- ۱- از نظر اسلام، حقوق زنان در عرصه تعلیم و تربیه از چه جایگاهی برخوردار است؟
  - ۲- حقوق زنان در عرصه فعالیتهای اجتماعی از نظر اسلام چگونه ارزیابی می شود؟
  - ۳- بر اساس باورهای دینی، حقوق زنان در امر ازدواج از چه جایگاهی برخوردار است؟
  - ۴- تا چه حد میان جایگاه حقوقی زنان در اسلام و افغانستان فاصله وجود دارد؟
- یکی از فرضیه های اساسی پژوهش، این بوده است که میان باورهای دینی مردم از مورد حقوق زن و واقعیتهای موجود در جامعه تفاوت زیادی وجود دارد.

برای بررسی موضوع از روش کتابخانه ای استفاده کرده ایم. با توجه به پرسش اساسی و آغازی بر اساس طرح تحقیقاتی مرحله اکتشافی مطالعات را آغاز نمودم و باشناسایی مهمترین منابع و تحقیقات صورت گرفته در افغانستان، مطالعات تئوریک را به انجام رساندم. قدم بعدی طراحی یک مدل تحلیلی بود که بر اساس آن بتوانم به جمع آوری اطلاعات بپردازم. با انجام این کار، اطلاعات لازم را حول سه محور تعلیم و تربیه، فعالیت های اجتماعی و ازدواج جمع اوری نمودم. در مبانی نظری، به دو محور بیشتر توجه نموده ام:

- ۱- به اختصار جایگاه زن در اسلام را مورد بررسی قرار دادیم و
- ۲- بر اساس شواهد موجود به واقعیتهای جاری در کشورمان نیز اشاره کرده ام.

گفتیم که با ظهور اسلام موضوع زن به شکل عمیقتری وارد گفتمانهای دینی و روشنفکری شده است. در شرایطی که به دنیا آمدن دختران مایه ننگ خانواده ها و مردان عرب بود، مکتبی ظهور کرد که در اندک زمانی نقشهای مهم اجتماعی- سیاسی و حتی اقتصادی را به زنان مسلمان واگذار نمود. اسلام بویژه در دوران ظهور خود با یک تاریخ و فرهنگ منجمد مردسالار و استبدادی مواجه بوده است؛ تاریخ و فرهنگی که طی هزاران سال ذهنیت مردان و زنان را تحت سیطره نفوذ خود داشته است. بهمین دلیل ارزشهای دینی و اخلاقی پویا به سادگی در شخصیت افراد نهادینه نشده و حتی دین دستاویزی برای توجیه بسیاری از روابط غیر انسانی و سلطه جویانه مردان قرار گرفته است. از جمله عقاید انحرافی که در بین مسلمانان ترویج یافته و توجیه دینی می شوند از این قرارند: زن باید از شوهرش اطاعت کند؛ مرد حق دارد زن را تنبیه بدنی کند؛ باید خانه داری کند و از مال و دارایی شوهرش مراقبت نماید؛ غیرت برای مردان است؛ زن ناقص العقل است؛ جهاد زن خانه داری و بچه داری است و زن برای بیرون رفتن از خانه باید از شوهرش اجازه بگیرد. اما مراجعه به آیات قرآنی، سیره پیامبر و مناسک حج ما را به نتایج دیگری می رساند. بر اساس آیات قرآن کریم، مرد و زن در اصل و ریشه، در درجه خلقت، و لیاقت در یک مرتبه قرار دارند. پیامهای اساسی قرآن، خطاب به انسان یا عموم مردم (ناس) می باشد و در آنها هیچ تفاوتی میان مردا و زنان دید نمی شود.

یکی از انواع نابرابریهایی که در اسلام موجه دانسته شده است. دانستگی و تقوای انسانها می باشد. هیچ قومی بر قومی، هیچ ملتی بر ملتی، هیچ نژادی بر نژادی، هیچ مردی بر زنی مزیت و برتری ندارد مگر به تقوای الهی.

در آیات قرآنی «استضعاف» یکی از جامعه شناسانه ترین و انسان شناسانه ترین مفاهیم است که شامل هر نوع به ضعف کشاندن انسانها می باشد. استعباد، استکبار، استعمار، استثمار استعمار همه در این مفهوم قرآنی خلاصه می شوند. یکی از صورتهای به ضعف کشاندن انسان توسط انسانهای دیگر، ظلم و ستم و سلطه مردان بر زنان می باشد که با روح توحیدی اسلام مغایرت دارد. در مکتب اسلام جهانی بینی توحیدی یا روح توحیدی حاکم بر هستی، در هستی ما انسانها و جامعه نیز باید تجلی یابد. ایدئولوژی اسلام محصول جهان بینی توحیدی آن است و بنابر این در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوق نیز همین جهت و روح توحیدی باید حاکم باشد. بر این اساس هیچ تبعیض و تمایز نا عادلانه ای میان زنان و مردان قابل توجیه نمی باشد و زنان نیز می

توانند در جهت ایفای نقشهای مختلف در جامعه تلاش نمایند و منزلتهای متفاوتی را کسب نمایند) لیس للانسان الاماسعی).

برابری حقوقی و انسانی زن و مرد در نمایش مراسم حج نیز به روشنی قابل استنباط است. حج نمایش کلیت روح حاکم بر اسلام است. در این مراسم زنان در کنار مردان، سیاه در کنار سفید، عجم در کنار عرب و همه معتقدان به آیین توحیدی یکرنگ و هماهنگ رو به یک حقیقت دارند و برابری توحیدی نوع انسان را نمایش می دهند.

در انواع فریضه ها و عبادات که خودسازی و کمال انسان منظور است، مردان و زنان همه مسوولند. در انجام تکالیف اجتماعی و سیاسی مانند امر بمعروف و نهی از منکر جهاد (جهاد با نفس و جهاد علیه کفار)، رهبری و... مردان و زنان هر دو مخاطب قرار گرفته اند. از جمله فرایض بزرگ کسب علم و معرفت است که هم مردان و هم زنان را شامل می شود.

در صدر اسلام حضور فعال زنان در صحنه های سیاسی (بعنوان مثال، بیعت با پیامبر)، در جنگ، فعالیتهایی اجتماعی و... کاملاً هویدا است. واضح است که چنانچه زنان در کنج خانه ها و صرفاً به امور خانگی پردازند لیاقت حضور فعال در صحنه های مختلف زندگی اجتماعی را پیدا نمی کنند. حوزه رشد ذهنی و عملی زنان، جامعه است.

در یک تلقی کلی باید گفت، از نظر اسلام زنان و مردان در نوعیت انسانی شان با هم برابرند و از حقوق یکسانی نیز برخوردارند. حقوق زن در امر ازدواج و انتخاب شوهر، تعدد زوجات خشونت و.. نیز باید مطابق با روح توحیدی مکتب اسلام رعایت گردد.

نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهد که میان باورها و اعتقادات مردم در مورد حقوق زن با آنچه عملاً در جامعه ما وجود دارد، تفاوت بسیار فاحشی وجود دارد. این تفاوت گویای این واقعیت مهم و حیاتی است که ارزشها و باورهای دینی چنانکه باید در جامعه ما نهادینه نشده است. در عمل ارزشهای استبدادی و مردسالار است که بر رفتار و عملکرد گروه های مختلف حاکمیت دارد.

توصیف اطلاعات در فصل گذشته فرضیه اساسی تحقیق ما را به اثبات رسانیده و وجود فاصله زیاد میان ارزشهای دینی در باور مردم و واقعیات موجود در جامعه را آشکار ساخته است.

آمار بدست آمده از تحقیقات انجام شده در افغانستان به ویژه وزارت امور زنان و مجتمع جامعه مدنی ما را به این نتیجه می رساند که از نظر اکثریت مردم، اسلام و شریعت نه تنها با فراگیری تعلیمات اسلامی توسط دختران و زنان مخالفتی ندارد (تأیید ۹۸ در صد پاسخگویان)، بلکه با تحصیلات ابتدائیه و تحصیلات عالی در نظام آموزش رسمی نیز موافق است. البته وجود

برخی تفاوتها میان ولایات مختلف کشور، شهریها و دهاتیها و مردان و زنان را نباید از نظر دور داشت. در ننگرهار حدود ۲۰ درصد پاسخگویان براین باور بوده اند که اسلام به زنان یا دختران اجازه نمی دهد تا به فراگیری تعلیمات اسلامی بپردازند. نظرات منفی در مورد تحصیلات عالی نیز در برخی ولایات چشمگیر است؛ در ولایت ننگرهار حدود ۵۰ درصد، در قندهار ۴۵ درصد و در پکتیا حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان بر این باورند که اسلام با تحصیلات عالی زنان موافق نمی باشد. بافت سنتی و بیشتر مردسالار این ولایات نشان می دهد که ارزشهای انسان ساز دین اسلام هنوز چنانکه باید نتوانسته است در شخصیت مردم نهادینه شود.

نکته قابل توجه این است که مسیر تحولات اجتماعی افغانستان رو به توسعه مطلوب دارد و ساختار جامعه بسته و سنتی رفته رفته رو به اضمحلال و باز شدن دارد. زنان همانند مردان از تأکیدات دین اسلام در امر آموزش و فراگیری علم آگاهند و این یکی از مهمترین دستاوردهای این تحقیق به حساب می آید.

این تحقیق ما را به این نتیجه نیز می رساند که میان ارزش های حاکم بر زندگی روستایی و ارزش های حاکم بر زندگی شهرنشینان تفاوت هایی وجود دارد. به عنوان مثال در حالی که ۱۵ درصد از روستائیان معتقد بودند، اسلام با تحصیلات عالی زنان مخالف است. تنها ۳ درصد از شهری ها در این مورد نظر منفی ارائه داده اند. واضح است که شهری ها بیشتر از روستائیها با علم و دانش و رسانه ها سرو کار دارند و از قید و بند های سنت ها و تعصبات مردسالارانه آزاد ترند. جوامع شهری در تلقی جامعه شناختی بازتر و متمدن تر از جوامع روستایی به حساب می آیند، تفاوت در دیدگاه های شهری ها و روستائی ها در مورد تمامی سوالات ما تا حدی مشهود است. اما از آنجائیکه ارزش های سنتی در شهرهای کشور ما نیز تداوم و حیات دارند این تفاوت ها چندان هم زیاد نمی باشد.

پاسخ های مربوط به این پرسش که آیا دختران در محل زندگی شما برای آموختن علم به مکتب می روند یا نه؟ گویای این واقعیت است که در سنین پایین تقریباً در تمامی مناطق کشور دختران به مکتب می روند. اما در دوره های سنی بالاتر با موانع و محدودیت های جامعه سنتی مواجه می باشند.

یکی از دستورات موکد دین اسلام این است که طلب علم بر تمامی مردان و زنان فرض است. آمار بدست آمده نشان می دهد که عموم زنان و مردان کشور ما اعم از روستایی ها و شهری ها، جوانان و بزرگسالان از این دستور دینی آگاهی دارند و تنها در برخی ولایات مانند ننگرهار، دایکندی و بامیان بین ۱۰ تا ۲۰ درصد معتقد بوده اند که طلب علم بر زنان و مردان فرض نیست.

سایر مطالعات نیز نشان می دهند که این ولایت ها در مقایسه با سایر ولایت های کشور ما از توسعه مطلوب برخوردار نبوده اند و ارزش های سنتی و تعبیری مردسالار در آن جا قویتر از سایر مناطق کشور ما است. برنامه ریزی های توسعه و امکانات آموزشی در این ولایات نتوانسته است ذهنیت مردم را چنان که باید از ارزش های دینی ما آگاه سازد.

ادعای ما این بود که میان دیدگاه ها و واقعیات جاری در جامعه ما تفاوت چشمگیری وجود دارد. شواهد از این واقعیت پرده برداری می کنند. طبق آمار منتشره توسط وزارت امور زنان در سال ۱۳۸۶ بیش از ۸۵ درصد زنان کشور ما از نعمت سواد محرومند و از میان ۱۵ درصد با سواد نیز تعداد ناچیزی موفق به تحصیل در سطوح بالاتر از دوره ابتدائیه شده اند. در سال ۱۳۸۵ تعداد شاگردان مکاتب ۴. ۵ میلیون نفر بوده است و ۹. ۱ میلیون آن را دختران تشکیل می دادند.

اما چنان چه به تعداد و سطح دانش مأمورین رسمی زنان و مردان در ادارات و وزارتخانه کشور دقت نمائیم نه تنها به استثنای وزارت امور زنان، تعداد مأمورین زن بسیار پائین تر از مردان می باشد بلکه سطح سواد آن ها نیز به شکل فاحشی پائین تر از مردان قرار دارد.

این واقعیات ما را به این نتیجه می رساند که نیروهای اجتماعی و سیاسی فعال در کشور، هنوز نتوانسته اند زمینه های حضور فعال و پربار زنان در امر تعلیم و تربیه را به شایستگی فراهم آورند و با توجه به این که اکثریت قاطع مردم ما اسلام را موافق با امر تعلیم و تربیه می دانند و حتی فراگیری آن را فرض می دانند، اما در عمل این ارزش های مقید ساز سنتی است که زنان را همچنان در انزوا قرار داده است. نکته بسیار حساس و ظریف در جامعه شناسی تعلیم و تربیه این است که ارزش های توسعه و در این مورد خاص ارزش های دینی ما باید در جریان فرهنگ پذیری در وجود اعضای جامعه نهادینه گردند. در جامعه ما تعصبات مردسالارانه در عمل مانع از رشد و آگاهی زنان شده است و حقوق انسانی آنان در این مورد پایمال گشته است. واقعیت این است که در حوزه ذهنی و در اظهارات پاسخگویان با توجه به احترام و قداستی که دین اسلام در جامعه ما دارد امکان مخالفت علنی با احکام دینی وجود ندارد. به همین دلیل اکثریت پاسخگویان اهمیت تعلیم و تربیه از نظر اسلام را مورد تأکید قرار داده اند. اما واقعیت های موجود از گذشته و حال به وضوح نشان می دهد که هم از جانب رژیم های سیاسی و هم به دلیل وجود موانع سنتی بسیار قوی و ریشه دار در جامعه ما امکانات و فرصت های آموزشی لازم به زنان داده نشده است. در امر توسعه جامعه قدم اول ایجاد آگاهی و قدم اساسی دوم نهادینه ساختن عناصر آگاهی بخش و

ارزش های پویا در حوزه های رسمی و غیر رسمی زندگی اجتماعی ما و قدم سوم برنامه ریزی های دقیق و تخصیص منابع و سرمایه های لازم جهت رفع موانع موجود می باشد.

در بعد فعالیت های اجتماعی زنان موضع گیری ها تا حد قابل توجهی متفاوت از بعد تعلیم و تربیه می باشد. در زمینه تعلیم و تربیه آمار بسیار بالایی از پاسخگویان معتقد بودند که اسلام به زنان و دختران اجازه تعلیم و تربیه را می دهد و طلب علم بر زن و مرد فرض است. در زمینه فعالیت های اجتماعی هر چند درصد بیشتری از پاسخگویان معتقدند، در مجموع اسلام با فعالیت های اجتماعی زنان یا دختران موافق است، اما در برخی موارد درصد نظرات منفی جالب توجه است.

در این مورد که آیا اسلام زنان و دختران را اجازه می دهد که در خارج از منزل کار کنند هر چند در سطح کل ولایات ۴. ۹۰ درصد پاسخ مثبت داده اند. اما میان پاسخگویان روستایی و شهری نظر به تفاوت هایی که در ارزش ها و گرایش های حاکم بر هر دو حوزه وجود دارد، اختلاف اندکی قابل مشاهده است. در میان روستائی ها ۴. ۸۴ درصد و در میان شهری ها ۹۲ درصد در پاسخ به پرسش مورد نظر ما نظر مثبت داده اند.

در این مورد اختلاف نظر میان دو جنس مشهود نیست اما با توجه به متغیر سن، آمار نشان می دهد که در این مورد پاسخ های منفی در میان بزرگ سالان به ویژه در سنین بالاتر از ۵۶ سال بیشتر است. مطالعات جامعه شناختی نشان داده است که جوانان بیشتر از بزرگ سالان در جستجوی موفقیت، فراگیری و فعالیت می باشند. آن ها به توسعه شخصیت شان، توسعه جامعه، آزادی و فعالیت های تازه و ... اهمیت بیشتری می دهند و نظر به این که جامعه ما در مرحله گذار از ارزش های سنتی به ارزش های مدرن می باشد. تمایل جوانان بیشتر متوجه ارزش های مدرن و دموکراتیک می باشد. این در حالی است که بزرگ سالان تعلق شدیدتری به ارزش های سنتی و گذشته گرا دارند و مخالفت آن ها با آزادی فعالیت های اجتماعی زنان بیشتر است. دلیل این که چرا افراد مسن تر نظر منفی شان را به اسلام نسبت می دهند، نهادینه شدن ارزش های سنتی در شخصیت شان می باشد. این تعبیرها را می توانیم در بیان تفاوت های میان شهری ها و روستائی ها نیز به کارگیریم.

در مقایسه میان ولایات کشورمان نیز ولایت هایی که کمتر در معرض تغییرات و تحولات فرهنگی و اقتصادی قرار گرفته اند، با فعالیت های اجتماعی زنان بیشتر مخالفت ورزیده اند.

ولایت هایی که بافت سنتی و قبیله ای قویتر دارند، از شدت مخالفت بالاتری برخوردارند. از آن جایی که ارزش های دین اسلام ارزش های پیشرو، ساختار شکن و ضد استبدادی است،

واضح است که در تضاد با ارزش ها و گرایشهای جوامع جاهلی، قبیله گرا و تعصب آلود قرار می گیرند.

در ولایت سمنگان ۲۸ درصد، در ولایت قندهار ۲۴ درصد و در ولایت لغمان ۲۰٫۴ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که اسلام به دختران و زنان اجازه کار و فعالیت در خارج از منزل را نداده است. در ولایت های ننگرهار، دایکندی و بامیان، فراه و بادغیس بین ۱۰ تا ۲۰ درصد در این زمینه نظر منفی داده اند.

در پاسخ به این پرسش که آیا اسلام به دختران یا زنان اجازه می دهد تا رهبر اجتماع شوند شدت مخالفت ها و آمار پاسخهایی منفی بیشتر از موارد دیگر است. مسلم است که پذیرش رهبری اجتماع توسط زنان از جانب مردم ما به این معنا خواهد بود که ارزش های مربوط به تساوی حقوق زن و مرد و ایده های توسعه زای دین اسلام، ارزش ها و موانع سنتی مردسالار و استبدادی را در جامعه ما دچار ضعف و اضمحلال ساخته است، بهر حال واقعیتها چیز دیگری است.

در زمینه رهبری اجتماعی توسط زنان از میان پاسخگویان دهاتی حدود ۳۴ درصد و از میان شهری ها حدود ۱۲ درصد معتقدند اسلام زنان و دختران را اجازه رهبری در اجتماع نمی دهد و همان طور که ارزش های جوامع سنتی در میان روستائیان از قوام و قدرت بالاتری برخوردار است. در میان افراد مسن تر نیز در مقایسه با جوانان از ثبات بیشتری برخوردار می باشند. بنابراین در پاسخ به این پرسش آمار مخالفت ها در میان افراد مسن تر بیشتر است.

با توجه به متغیر جنس جالب این است که درصد موافقت زنان نسبت به مردان در این مورد بیشتر است. این تفاوت نشان می دهد که زنان خواهان حضور بیشتر در فعالیت های اجتماعی سیاسی هستند (۸۲ درصد) اما مردان (۷۴ درصد) در این مورد تمایل کمتری از خود نشان می دهند.

در ولایت لغمان ۷۸ درصد، در ننگرهار ۶۴ درصد در بامیان ۵۴ درصد بر این باورند که اسلام با رهبری اجتماع توسط زنان مخالف است.

درصد مخالفت ها در ولایات قندهار، فراه، پکتیا و دایکندی نیز بین ۲۸ تا ۳۵ درصد می باشد که در حد خود قابل توجه می باشد.

ما شرح مفصل داده های آماری را در این جا ضروری نمی دانیم؛ اما دقت در آمار بدست آمده و توصیف آن ها در فصل گذشته نشان می دهد که تقریباً در اغلب موارد، اختلافات دیدگاه ها میان شهری ها و روستایی ها، جوانان و بزرگ سالان، مردان و زنان ( که در تمامی موارد اختلاف، زنان بیشتر از مردان ارزش های اسلام را موافق با فعالیت های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی

دانسته اند)، تا حدی قابل توجه است و در ولایت های مشخصی که شامل ننگرهار، دایکندی، بامیان، لغمان، قندهار، پکتیا و فراه و برخی ولایات دیگر می باشد. آمار نظرات منفی در مقایسه با سایر ولایات بالاتر است.

در مواردی که ارزش های سنتی پاسخگویان در مغایرت بیشتر با موضوع مطرح شده قرار می گیرد، درصد مخالفت ها بالاتر می رود. به عنوان مثال در زمینه رهبری اجتماع و صحبت زنان و دختران با مردان غیر اقارب درانظار عمومی و سوداگری و تجارت، در صد مخالفتها در میان گروه های مقید به ارزشهای سنتی (روستائیان، بزرگسالان، مردان ولایتهای دارای بافت اجتماعی و فرهنگی قبیله ای و سنتی) بالاتر است. ۴۲,۷ در صد از پاسخگویان روستایی در مقابل ۲۱ درصد از پاسخگویان شهری بر این باورند که اسلام به زنان و دختران اجازه نداده است تا در انظار عمومی با مردان غیر اقاربشان صحبت نمایند. جالب توجه این است که بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان مرد در این مورد نظر منفی داده اند. در مقایسه میان گروه های سنی در گروه سنی بالاتر از ۵۶ ساله ها ۴۴,۴ درصد در پاسخ به این پرسش نظر منفی داده اند درحالیکه در سایر گروه های سنی ۶۰ تا ۷۵ درصد معتقدند اسلام به زنان یا دختران اجازه صحبت با مردان غیر اقاربشان در انظار عمومی داده است.

در مقایسه میان ولایات نیز باز هم در ولایتهای بامیان ۶۴,۳ درصد، لغمان ۵۶,۹ در صد، کندهار ۵۳,۲ در صد ننگرهار ۵۰,۷ در صد که از بافت قبیله ای و سنتی قویتری برخوردارند بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان در این مورد نظر منفی داشته اند.

در مورد سوداگری و تجارت از میان پاسخگویان دهاتی ۵۸,۳ درصد در مقابل ۴۱,۷ درصد در میان شهریها معتقدند که اسلام به زنان یا دختران اجازه نمی دهد تا سوداگری و تجارت نمایند. در مقایسه میان ولایات در ولایت پنجشیر ۹۶,۲ درصد که رقم بسیار بالایی است و در لوگر ۸۸,۲ درصد و در پروان ۷۰,۷ درصد با سوداگری و تجارت زنان از نظر اسلام مخالفند. در ولایتهای ننگرهار، کاپیسا، کندهار، بامیان و لغمان نیز بین ۴۵ تا ۵۰ درصد در این نظر منفی ارائه کرده اند. آمار بسیار بالای مخالفت در پنجشیر و لوگر می تواند ناشی از وجود عوامل خاص در این ولایات باشد که قضاوت در مورد آن از عهده این تحقیق خارج است.

در مورد میزان سهم گیری و مشارکت زنان در تصمیم گیریها و اظهار نظر ها یکی از پرسشها این بود که آیا زنان در محل شما تشویق می شوند که در باره موضوعات مهمی که محله با آن روبرو می شود ابراز نظر نمایند؟

در پاسخ به این پرسش درصد بسیار ناچیزی از پاسخگویان (۱ تا ۱۰ درصد) بر این باور بوده اند که زنان در محل آنها همیشه تشویق می شوند تا در باره موضوعات مهم اظهار نظر نمایند. درصد بالاتری از مردم معتقدند آنان گاهی اوقات به این امر تشویق می شوند و یا اصلاً تشویق نمی شوند. در مورد این سوال نیز اختلافاتی میان جوانان و بزرگسالان، شهریها و روستایهها، البته با تفاوت اندکتری نسبت به سایر سوالات، وجود دارد.

در مجموع در رابطه با پرسشهای مربوط به فعالیت های زنان در مکاتب، کار در خارج از منزل، اشتغال در تجارتهای کوچک و... درصد پاسخهای مثبت بالا است؛ اما آماری که نشان دهد زنان در مقایسه با مردان در چه وضعیتی قرار دارند بر اساس این تحقیق در دست نداریم. پاسخهای مثبت می تواند مربوط به آمار اندکی از زنان نیز باشد.

در هر صورت با وجود تفاوتی که میان دیدگاه های گروه های مختلف جامعه، وجود دارد. اما بازم اختلاف میان باورهای دینی مردم و واقعیت های موجود در جامعه بسیار بالا است. در سالنامه احصائیوی سال ۱۳۸۲ آمده است: از میان مأمورین رسمی در سال ۱۳۸۲، ۷۵ درصد به مردان و ۲۵ درصد به زنان تعلق داشته است. بر اساس این آمار سهم مردان سه برابر سهم زنان بوده است. در بین پرسونل خدماتی این اختلاف بسیار بالاتر است. یعنی حدود ۹۰ درصد از پرسونل خدماتی شامل مردان و ۱۰ درصد شامل زنان می باشد (مردان ۹ برابر زنان).

آمارهای منتشر شده از طرف وزارت امور زنان در سال ۱۳۸۶ نیز به وجود تفاوت های بسیار زیاد میان زنان و مردان فعال در عرصه های اقتصادی و سیاسی اشاره دارد. با اساس همین گزارش تعداد زنانی که در ادارات مختلف در سطوح بالاتر تصمیم گیری قرار دارند چندین برابر کمتر از مردان می باشد و در بسیاری از ادارات حتی یک زن نیز در این جایگاه وجود ندارد.

تحولات اجتماعی و فرهنگی آرام و تدریجی می باشند. در شرایط فعلی جایگاه حقوقی زنان در قانون اساسی کشور محترم دانسته شده و در قوانین مکتوب و اظهار نظرها محدودیتی خاص برای فعالیتهای اجتماعی زنان وجود ندارد؛ اما واقعیتها وجود ریشه های عمیق فرهنگ سلطه مردسالار و سنت های تعصب آور آلود را روشن می سازد. مبارزه با این ریشه ها مستلزم تحقیقات بیشتر در ابعاد موضوع و برنامه ریزیهای وسیع و دقیق در جهت ارتقاء آگاهیهای عمومی می باشد. در ارتباط با موضوع ازدواج برخی نتایج بدست آمده از این قرار اند که:

چنانکه مطالعات و تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته نشان می دهد، در کشورهایی مانند افغانستان انتظار می رود سن مطلوب ازدواج پایین تر از کشورهای توسعه یافته باشد. در کشورهای اروپایی سن متوسط ازدواج به ۳۰ تا ۳۵ سال برای مردان و ۲۵ تا

۳۰ سال برای دختران می‌رسد. در حالیکه در جامعه سنتی ما بالاترین درصد پاسخگویان سنین ۲۱ تا ۲۵ سالگی را برای ازدواج پسران و حدود ۵۷,۳ درصد از پاسخگویان نیز سنین ۱۷ تا ۲۰ سالگی را برای ازدواج دختران مناسب دانسته‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که سن ازدواج پسران و دختران در جامعه ما پایین است. یکی از عوامل مورد تأکید جامعه شناسان در این زمینه، پایین بودن سطح تحصیلات و دانش عمومی، عدم وجود فعالیتهای متمرکز تخصصی در جامعه و گرایشها و باورهای سنتی می‌باشد این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در جامعه ما به تأکیدات دینی از جمله توصیه‌های پیغمبر اسلام به امر ازدواج تکیه می‌شود.

در مورد سن مناسب ازدواج برای دختران و پسران میان مردان و زنان، شهری‌ها و روستایی‌ها اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. زنان سن ازدواج پسران را بالاتر از مردان در نظر می‌گیرند. ۴۸ درصد از پاسخگویان زن، گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال را برای ازدواج پسران مناسب تشخیص داده‌اند، در حالیکه ۴۵,۷ درصد از پاسخگویان مرد (درسد بالاتر) گروه سنی ۱۷ تا ۲۰ سال را ترجیح می‌دهند. بر اساس همین تحقیق سن مطلوب ازدواج در میان دهاتیها پایین‌تر از شهریها می‌باشد.

در سطح ولایات کشورمان نیز بیشترین در صدها متعلق به گروه‌های سنی ۱۷ تا ۲۰ و ۲۱ تا ۲۵ سالگی می‌باشد. اما سن مناسب ازدواج برای دختران در مقایسه با پسران پایین‌تر گزارش شده است. در صد بیشتر از پاسخگویان به گروه سنی ۱۷ تا ۲۰ سالی برای ازدواج دختران اشاره کرده‌اند.

در جامعه ما سن مورد انتظار و مطلوب ازدواج برای دختران بیشتر شامل گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال می‌باشد و البته در برخی ولایات مانند پکتیا با ۹۰ درصد، کندز با ۷۳ درصد، تخاربا ۴۸ درصد غزنی با ۱۰ درصد و بغلان با ۵۳ درصد سنین بالاتر از ۱۷ سال را برای ازدواج دختران مورد انتظار شان دانسته‌اند. اما ارزشهای جامعه روستایی و شهری در این مورد نیز به تفاوت دیدگاهها و عملکردها منجر شده است. سن مورد انتظار ازدواج برای دختران از نظر دهاتیها بیشتر به گروه سنی ۱۷-۱۵ سال و برای شهریها بالاتر از ۱۷ سال می‌باشد.

در مورد تعیین طویانه برای دختران توسط پدر دختر یا مسن‌ترین مرد از اقاربشان، اغلب بالاتر از ۹۰ درصد پاسخگویان هم در ولایات مختلف و هم میان مردان و زنان و شهریها و روستایها پاسخ مثبت داده شده است. این پدیده گویای حاکمیت ارزشهای سنتی در جامعه ما است.

در بیشتر مناطق کشور ما عروسی بدل (سربدل) در حد قابل توجهی رایج می باشد. در برخی ولایات مانند پکتیا ۹۷,۶ درصد، بغلان ۷۲,۵ در صد و ننگرهار ۷۹ درصد پاسخگویان معتقدند عروسی بدل در محل آنها بسیار زیاد رایج است.

بر اساس نتایج بدست آمده از همین تحقیق امار قابل توجهی از پاسخگویان معتقدند دختران و یا زنان در مناطق آنها در مقابل قرض و یا حل یک معضله اجتماعی معامله می شوند. نزدیک به ۴۶ درصد از مجموع پاسخگویان به وجود چنین پدیده ای اعتراف نموده اند.

وجود پدیده چند زنی در جامعه ما امری است معمولی و این پدیده بیشتر بر اساس حاکمیت ارزشهای مرد سالار، رقابتهای خانوادگی و قومی و بعضاً نیز وجود برخی مشکلات مانند نازایی، بیماری و اختلافات می باشد. در هر صورت در مقایسه با سایر کشورهای توسعه یافته، چند زنی در جامعه ما رواج بالاتری دارد و مطابق با توصیه های دین اسلام، انتظار می رود جوامع اسلامی به سوی گسترش تک همسری پیش بروند. از این لحاظ ارزشهای قبیله ای و سنتی در جامعه ما هنوز بر تأکیدات دینی ما ترجیح داده می شود.

وجود اختلاف میان باورهای دینی مردم با واقعیات جاری در ارتباط با وضعیت بیوه زنان نیز قابل توجه است. از مجموع کل پاسخگویان در سراسر ولایات حدود ۷۷ درصد معتقدند که از نظر اسلام، زنان بیوه بعد از فوت همسرانشان، خودشان باید تصمیم بگیرند که چه کنند. در حالیکه در عمل درصد قابل توجهی از زنان بیوه مجبورند که با مردی از فامیل شوهرشان ازدواج کنند.

مورد قابل توجه دیگر، عدم دسترسی دختران به گرفتن حق مهرشان می باشد. در مجموع ۷۳ درصد از پاسخگویان معتقدند زنان به حق مهرشان دسترسی ندارند.

تمامی پدیده های فوق (چند زنی، ازدواج بیوه زنان با مردی از فامیل شوهر، عدم دسترسی زنان به مهرشان و پایین بودن سن ازدواج) به این واقعیت تأکید می ورزند که ارزشهای دینی حقوق زن در اسلام با آنچه شواهد را به تک همسری فرا می خواند، به بیوه زنان اختیار می دهد تا خودشان آزادانه سرنوشت شان را تعیین کنند، زنان حق دسترسی به مهرشان را دارند.

در برخی تحقیقات بعمل آمده در سالهای اخیر، شاهد این واقعیتهای هستیم که یکی از عوامل عمده پدیده های مانند خودکشی زنان، فرار از منزل، بیماریهای روانی و... ازدواجهای اجباری و خشونتهای خانوادگی می باشد. درمورد تعدد زوجات، برخی مطالعات نشان می دهد که در حدود ۸۰ درصد موارد با زنان هیچ مشوره ای صورت نمی گیرد و حتی آنان از این نوع جریانات بی خبر می مانند.

تحقیق حاضر نشان می دهد که هر چند غالباً به زنان اجازه داده می شود تا در شوراها شرکت نمایند، اما غالباً نظرات آنها تأثیر قابل توجهی در مقابل مردان ندارد. مورد جالب توجه دیگر که در این تحقیق به آن دست یافته ایم این است که غالباً فیصله های محلی در برابر زنان بر اساس سنت محلی و نه قانون ملی صورت می گیرد. سنت های محلی نیز مبتنی بر احترام بر دیدگاههای ریش سفیدان و مردان می باشد و زنان در این فیصله ها از هیچ جایگاه و منزلتی برخوردار نمی باشند. شاید بتوان ادعا کرد که همین سنتهای محلی اغلب به دلیل فیصله هایی که بِنفع مردان می شود زمینه ساز ادامه انواع ستمگریها و خشونتها علیه زنان می باشند.

## پیشنهادات:

با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق برخی پیشنهادات مورد نظر ما عبارت اند از:

۱- در زمینه تعلیم و تربیت، اکثریت قریب به اتفاق مردم، معتقدند اسلام با فراگیری علم و دانش توسط زنان و دختران موافق است. ارزشهای دینی در میان مردم افغانستان از احترام و قداست بالایی برخوردار است، اما سایر مطالعات و گزارشات، از جمله گزارشهای مختصری که محصول مصاحبه با گروههای متمرکز بوده است و نیز آخرین انتشارات وزارت امور زنان، نشان می دهد که در عمل، آمار بسیار کمی از زنان به تحصیلات در سطوح بالاتر دست می یابند. جامعه سنتی، مرد سالار و استبدادگرای ما هنوز امکان فراهم ساختن فرصتهای آموزشی برای زنان را فراهم نساخته است. یکی از پیشنهادات عمده ما به مسئولین دولتی، نهادهای جامعه مدنی، علما و روشنفکران جامعه این است که ضمن در پیش گرفتن فعالیتهای آگاهی بخش، از یکطرف مردم را عملاً تشویق به فراگیری علم و دانش نمایند و از طرف دیگر درصدد تهیه امکانات لازم برای تعلیم و تربیه عمومی برآیند. اشاعه آگاهی از طریق مواد درسی در مکاتب و سطوح بالاتر تحصیلی، نشریات مختلف رسمی و غیررسمی، برنامه رادیو-تلویزیونی، تدویر کنفرانسها و سمینارهای علمی، استفاده از پوستره‌های تبلیغاتی، تبلیغات دینی از طریق علما و ... می تواند انگیزه مردم برای کسب علم و دانش را بالا ببرد و مهم آن است که ذهنیت مردان و بزرگسالان ما به عنوان موانع اصلی فراگیری دانش توسط زنان با این برنامه ها تغییر یابد.

۲- یکی از اقدامات بسیار ضروری دولت و محافل کمک رسانی داخلی و خارجی احداث کانون های فرهنگی - آموزشی، مکاتب، لیسه ها و مراکز آموزش عالی در نقاط مختلف کشور می باشد. گزارش ها نشان می دهند که بسیاری از مناطق کشورمان از این کمبود ها در رنجند و در اغلب موارد دوری راه، صعب العبور بودن راه ها و نبود امکانات حمل و نقل مانع از رفتن دختران به مکاتب می شود.

۳- راه اندازی پروژه های تعلیم سواد حیاتی نیز یکی از اقدامات مهم دولت و سایر نهاد ها مربوطه می باشد. این اقدام ضمن آن که نشان تأکید مسوولین و مردم به امر تعلیم و تربیه است و تدریجاً در نظام فرهنگی جامعه تغییرات مثبتی ایجاد خواهد کرد، به زنان و دخترانی که در گذشته از تحصیلات رسمی و غیر رسمی باز مانده اند، فرصت های تعلیمی به وجود خواهد آورد.

۴- برنامه ریزی های خاص تربیت و جذب زنان در مراکز اداری و آموزشی، یکی دیگر از نیاز های اساسی، به ویژه در مناطق محرومتر کشور ما است. نا برابری تعداد زنان و مردان در

وزارت خانه ها، ریاست ها و سایر مراکز از جمله در مکاتب ابتدائیه، لیسه و دانشگاه ها نشان از تحمیل محدودیت هایی است که در جامعه نسبت به زنان وجود دارد.

۵- مسائل اجتماعی بین رشته ای هستند، پائین بودن سطح سواد، خشونت علیه زنان، ازدواج های اجباری، بد دادن و بدل دادن، فیصله های محلی بر اساس سنت های مرد سالارانه، حضور ضعیف زنان در امور خارج از منزل، عدم مشارکت آنان در امورات محلی و ... همه به هم مربوطند. ضمن آن که باید به برنامه های تعلیم و تربیه عمومی ( اعم از دختران و پسران و مردان و زنان)، توجه جدی شود، لازم است در زمینه حاکمیت قانون ملی، برقراری امنیت، جلوگیری از بروز خشونت ها و ... اقدامات اساسی صورت پذیرد. غفلت از هر مورد تأثیرات منفی بر سایر موارد خواهد داشت. به عنوان مثال پایین بودن سن ازدواج با بالا رفتن سطح تحصیلات و نظام تعلیم و تربیه مرتبط است. نبود امنیت و وجود افرادی مسلحه غیر مسوول به انواع خشونت علیه زنان و دختران، از جمله ازدواج های اجباری، تجاوز جنسی و ... منجر می گردد و این پدیده باز هم به بی سوادی مردم مرتبط می باشد.

عدم حضور کافی زنان در شوراها و ناتوانی آنان در تصمیم گیری ها، بی رابطه با فرهنگ مردسالار، عدم آگاهی عمومی و ... نمی باشد. بنابراین برنامه ریزی های توسعه جامعه ما باید چند جانبه و با در نظر داشت جهات مختلف آن صورت گیرد.

۱- علاوه بر مورد تعلیم و تربیه در زمینه فعالیتهای اجتماعی-سیاسی زنان و موضوع ازدواج نیز نتایج بدست آمده نشان داد که جوانان جامعه ما از دید و آگاهی بازتری نسبت به مسائل حقوقی زنان برخوردارند. این دستاورد گویای این واقعیت است که زمینه های رشد شخصیت و تغییرات مثبت در میان جوانان بیشتر از بزرگسالان است. ذهن و شخصیت بزرگسالان بیشتر از جوانان متعلق به ارزشهای سنتی، گذشته گرا و مردسالار می باشد و امکان وارد آوردن تغییرات جدید در آن کمتر است. بنابراین لازم است همه مسئولین در حوزه های رسمی و غیررسمی به تنظیم برنامه های ارتقاء ظرفیت و آگاهی در میان جوانان و نوجوانان توجه جدی نمایند تا آرام آرام نسلهای آینده ما شکل گیری و تحقق جامعه ای را امکان پذیر سازند که در آن به ارزشهای حقوقی زنان و دختران احترام گذاشته می شود و زمینه های عملی فعالیت و شکوفایی استعدادهای آنها فراهم می گردد.

۲- تفاوت دیدگاهها میان روستائیان و شهریها نیز باید مورد توجه برنامه ریزان توسعه فرهنگی و سیاسی جامعه قرار گیرد. ارزشها و باورهای جامعه روستایی قیودات و محدودیتهای بیشتری را متوجه زنان ساخته است. بی سوادى زنان در روستاها بیشتر از شهرهاست، سن ازدواج در آنجا پایین تر است، به زنان کمتر اجازه داده می شود، جز در مشاغل سنتی، در سایر حوزه های زندگی اجتماعی، ادارات، موقعیتهای سیاسی، تجارت و .. نقش فعال داشته باشند. حضور زنان در شوراها نظر به پشتوانه دینی که دارد نیز عملاً با محدودیتهای زیادی در روستاها مواجه است. در تلقی مردمان روستایی ما، زنی شایسته است که سر و کاری با سایر گروهها و مردان غیر اقارب نداشته باشد و مردانی که به این امر توجه نداشته باشند «بی غیرت» تلقی می شوند. باید بپذیریم که میان اظهارات و پذیرش ذهنی ارزشهای دینی با آنچه واقعاً در شخصیت ما نهادینه شده است، تفاوت وجود دارد. جای بسی خوشحالی است که از نظر مردم ما (هم در شهرها و هم در روستاها) اسلام با فراگیری علم و فعالیتهای اجتماعی زنان مخالفتی ندارد. این امر ما را متوجه این نکته می سازد که بویژه در محلات و مناطق سنتی جامعه ما، برنامه های تبلیغاتی و اطلاع رسانی باید با تاکید و تکیه بر ارزشهای دینی ما صورت گیرد. تحولات تاریخی ناشی از ظهور اسلام نشان می دهد که هیچ ایدئولوژی به اندازه اسلام توان تغییر و مقابله با سنتهای جاهلی و محدودیت ساز جوامع بسته را نداشته است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که ریشه های عمیق سنت گرایی در زندگی شهری گروههای اجتماعی نیز همچنان با قوت چشمگیری (البته نه به قوت جوامع روستایی) به حیات خود ادامه می دهد. شهرهای افغانستان هنوز در حالت گذار از وضعیت سنتی به مدرن بسر می برند و لذا برنامه ریزیهای دقیق توسعه فرهنگی در شهرها نیز باید جدی گرفته شود.

۳- ولایتهای مختلف کشور ما نیز با توجه به خصوصیات فرهنگی، یکسان نیستند. در هر نوع برنامه ریزیهای توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، این تفاوتها باید مورد توجه قرار گیرد. در ولایتهایی مانند ننگرهار، لغمان، بامیان، دایکندی، فراه و ... برنامه ریزیهای تبلیغاتی و آگاهی بخش با تکیه بر ارزشهای دینی ما باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

یکی از پیشنهادات اساسی ما به کلیه مسئولین ذیربط، اعم از مقامات دولتی، وزارتخانه ها، نهادهای جامعه مدنی، علما و روشنفکران این است که در چارچوب برنامه ریزیهای هماهنگ شده طی دوره های مشخصی به طور همه جانبه اذهان مردم را در معرض بمباران تبلیغاتی گسترده

قرار بدهند تا اقشار مختلف مردم به خوبی و عمیقاً خود را در برابر این پیامدهای تبلیغاتی احساس کنند و امکانات این بمباردمان تبلیغاتی، رادیو-تلویزیون، مطبوعات، پوسترهای تبلیغاتی، کنفرانسها و سمینارهای علمی-تبلیغاتی، تغییرات مثبت در متون درسی، سخنرانیها، مناظر مذهبی و ... می باشد. در قدم بعد نکته مهم، تخصیص منابع مالی و برنامه ریزیهای مناسب در زمینه تعلیم و تربیه زنان و دختران می باشد. در واقع قدم اساسی اولیه، تغییر ذهنیت های قبیله‌ی مردسالار حاکم بر جامعه است و قدم اساسی دوم، برنامه ریزیهای عملی و تخصیص امکانات و منابع انسانی و مالی در این زمینه.

با در پیش گرفتن چنین برنامه هایی است که می توانیم شاهد بروز تغییرات مثبت در ادبیات شفاهی و کتبی کشورمان نیز باشیم. در ادبیات تاریخی ما هر چند در حوزه عرفان و یا متون مقدس از جمله قرآن کریم جایگاه و کرامت بزرگی برای زن در نظر گرفته شده است، اما در نقطه مقابل آن در ادبیات عمومی جامعه که نشان دهنده ذهنیت تاریخی حاکم بر آن می باشد، منزلت نازل زنان به روشنی قابل استنباط است. ابیاتی مانند:

زن و ازدها هر دو در خاک به  
جهان پاک از این هر دو نا پاک به  
ویا

زنان در آفرینش ناتمامند  
ازیرا خویش کام و زشت نامند

و یاد رحکایتی از امام غزالی آمده است:

حکیمی زنی خواست کوتاه؛ گفتند: چرا تمام بالا نخواستی، گفت: زن چیز بدی است و از بد هر چه کمتر بهتر. وگفت: به حقیقت هر چه بر مردان رسد از بلا و محنت از زنان بر او رسد. این گونه تعبیر ها مبتنی بر ذهنیت غالب تاریخ مردسالار و استبدادی مشرق زمین است و بر این باور خرافی استوار می باشد که زنان ناقص العقل، بد سرشت و فتنه جوی اند. در ادبیات تاریخی ما بویژه در دوره اخیر نگاه جنسیتی بر زن نیز نمایان است.

حلال اند خوبان سیمین بدن  
چه مادر چه خواهر، چه دختر، چه زن  
طوری که شاهدیم عملکرد مردان جامعه ما بر این باور ها استوار اند در ادبیات شفاهی مردان نیز این تعبیرها رایج است.

آفرینش ادبیات انتقادی علیه حاکمیت تاریخی مردسالار، در جهت تحقق آرمان های اصیل انسانی و منطبق با ایدئولوژی رهایی بخش دین اسلام، باید محور توجه فعالین جامعه مدنی، دولت و سایر نیروهای متفکر جامعه قرار گیرد.

ادبیات تمجید گرای ما بیشتر به سه نقش عمده مادر بودن، همسر بودن و معشوق بودن اشاره دارند. هر چند هر سه نقش از اهمیت بالا و قابل تأملی برخوردار است، اما حقوق انسانی زنان در عرصه های فرهنگ و ادبیات، سیاست، اجتماع و اقتصاد را باز تاب نمی دهد. ما بر آنیم تا در ادبیات شفاهی، کتبی و در عملکردها این حقوق را متجلی سازیم.

بزرگان بر این باور اند که ایمان را سه رکن است: اعتقاد قبلی، اقرار به زبان و عمل به اعضا. در جامعه ما دو رکن اول و سوم جنبه نهادی ندارد و تنها در کلام و ذهنیت است که از حقوق زن سخن می رود. امید بر آن است که با تحقق عملی حقوق زنان در جامعه، ایمان انسانی مان را در عشق به حقیقت ها به کمال شایسته آن نزدیکتر سازیم.

به امید آن روز

نورالدین علوی

## فهرست منابع

- ۱- آرزو، عبدالغفور، چگونگی هویت ملی افغانستان، تهران، عرفان، ۱۳۸۲.
- ۲- آبوت، پاملا جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی، ۱۳۸۰.
- ۳- اشرف، نعمت، ارزلا، تحلیل مقایسه ای قانون خانواده در چارچوب اسلام، کابل؛ بنیاد هنریش بل، مطبوعه میوند، ۱۳۸۵.
- ۴- اصغری، محمد جواد، شخصیت زن از دیدگاه اسلام، کابل، چاپخانه بهیر، ۱۳۸۲.
- ۵- انصاری، خواجه بشیر احمد، استبداد، بیماری بزرگ جامعه سیاسی ما، کابل: بنیاد نشراتی اصالت، ۱۳۸۰.
- ۶- اشرف نعمت، ارزلا، تحلیل مقایسه ای قانون خانواده در چارچوب اسلام، کابل: بنیاد هنریش بل، مطبوعه میوند، ۱۳۸۵.
- ۷- بارنز، هری المر، تاریخ اندیشه اجتماعی از جامعه ابتدایی تا جامعه جدید، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: همراه، ۱۳۷۱.
- ۸- بارنز، هری المر، تاریخ اندیشه اجتماعی از جامعه ابتدایی تا جامعه جدید، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۸۵.
- ۹- بختیاری، عزیزالله، بررسی عوامل جرایم زنان، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۱۳۸۵.
- ۱۰- پاملا آبوت و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی، ۱۳۸۰.
- ۱۱- جامعه مدنی، تحلیل از روز صلح در افغانستان، دور پنجم، شماره ششم، اسد ۱۳۸۶.
- ۱۲- جلال زاده. م، حضور زن در نهضتها، تهران: بعثت، بی تا.
- ۱۳- حبیب، گلالی، زن در مسیر رهایی، کابل: بنیاد فریدریش ایبرت، بی تا.
- ۱۴- حقوق زن در اسلام، تحقیق مشترک توسط بنیاد خرد، IFES و مجتمع جامعه مدنی.
- ۱۵- رحیمی، موسی، توضیح مختصر حقوق اساسی اتباع در قانونی اساسی افغانستان، ۱۳۸۲، کابل، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۸۶.
- ۱۶- دوران، ویل، مشرق زمین گهواره تمدن ها، جلد دوم، احمد آرام، ع. پاشای، حمید حسین آریان پور، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۱۷- دوران، ویل، لذات فلسفه،

- ۱۸- رسولی، یاسین، پاسخ سنت به سکولاریسم در افغانستان، تهران: عرفان، ۱۳۸۵.
- ۱۹- رهنورد، زهرا، طلوع زن مسلمان، تهران، نشر محبوبه، بی تا.
- ۲۰- رید، ئولین، انسان در عصر توحش، ترجمه محمد عنایت، تهران، انتشارات هاشمی، ۱۳۶۳.
- ۲۱- رید، ئولین و دیگران و دیگران، زنان در جامعه، ترجمه اصغر مهدی زادگان، تهران، نگاه، ۱۳۸۱.
- ۲۲- رید، ئولین و دیگران و دیگران، زنان در جامعه، ترجمه اصغر مهدی زادگان، تهران، نگاه، ۱۳۸۱.
- ۲۳- ریتزر، جورج، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۲.
- ۲۴- سن ازدواج از دیدگاه اسلام، پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان، برنامه حقوق زن در اسلام، کابل، ۱۳۸۶.
- ۲۵- ستوده، هدایت ...، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور، ۱۳۸۵.
- ۲۶- شارون، جوئل، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناختی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، ۱۳۸۰.
- ۲۷- شریعتی، علی، زن، تهران: چاپخش، ۱۳۸۲.
- ۲۸- شیخی، محمد تقی، مددکاری و جامعه شناسی مسائل اجتماعی، تهران: ققنوس، ۱۳۷۳.
- ۲۹- کاظم، سید عبدالله، زنان زیر فشار عنعنه و تجدد، کالیفرنیا، ۲۰۰۵.
- ۳۰- صدر، حسن، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷.
- ۳۱- فریدمن، جین، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهجر، تهران: آشیان، ۱۳۸۳.
- ۳۲- فریدن، مایکل، مبانی حقوق بشر، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- ۳۳- فصلنامه صدف، دور سوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۸۶، کابل، مرکز تعاون افغانستان.
- ۳۴- قائم مقامی، فرهنگ، آزادی یا اسارت زن، تهران: انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
- ۳۵- قانون رفع خشونت بر زنان، وزارت امور زنان، ۱۳۸۵.
- ۳۶- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تحقیقی درباره عوامل خودکشی زنان در حوزه جنوب غرب افغانستان، کابل، ۱۳۸۵.

- ۳۷- کنوانسیون رفع کلیه انواع تبعیض علیه زنان، کابل، صندوق انکشافی ملل متحد برای زنان، بی تا.
- ۳۸- گیدنز، آتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۳۹- گیدنز، آتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، ۱۳۸۴.
- ۴۰- گروه های زنان در جامعه مدنی افغانستان، کابل، موسسه بین المللی کاونتر پارت، ۲۰۰۶.
- ۴۱- محمد قطب، جامعه شناسی تاریخی زن، ترجمه محمد علی عابدی، تهران: البرز، بی تا.
- ۴۲- مرکز مطالعات فرهنگی-بین المللی، مدیریت مطالعات اسلامی، گزیده مقالات و متون درباره فمینیسم، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۸.
- ۴۳- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۵۷.
- ۴۴- میدیکا، موندیان، انحلال ازدواج در قوانین مربوطه افغانستان، کابل: ۲۰۰۵.
- ۴۵- میشل، آندره، جنبش اجتماعی زنان، مشهد: نیکا، ۱۳۷۷.
- ۴۶- میرمن، دور سوم، سال چهارم، شماره ۱۷، جدی، کابل: وزارت امور زنان، جدی ۱۳۸۵.
- ۴۷- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، عبد المعبود انصاری تهران: سمت، ۱۳۷۱.
- ۴۸- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، نظری بر قضایی فرار از منزل، کابل: ۱۳۸۵.
- ۴۹- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، گزارش کنفرانس تاثیر عنعنات بالای زنان افغان، کابل: ۱۳۸۳.
- ۵۰- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، گزارش تحقیقاتی مشارکت سیاسی زنان در افغانستان، کابل: ۱۱۳۸۴.
- ۵۱- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، استقلال اقتصادی زنان در افغانستان، کابل، ۱۳۸۵.
- ۵۲- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، تعدد زوجات در افغانستان، کابل، ۱۳۸۶. افغان.
- ۵۳- واقعیت، ارگان نشراتی نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، سال چهارم، شماره نوزدهم، اسد-سنبله، ۱۳۸۶.
- ۵۴- واترز، مالکوم، جامعه سنتی و جامعه مدرن، ترجمه منصور انصاری، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۱.
- ۵۵- وزارت امور زنان، زنان و مردان در افغانستان، کابل: ۲۰۰۷.
- ۵۶- وزارت صحت عامه، بهترین برآوردها، معلومات اساسی ولایتی، ۱۳۸۶.
- ۵۷- هتنه، بزورن، تئوری توسعه و سه جهان، احمد موثقی، تهران: نشر قوس، ۱۳۸۱.

## ب. شریعت و جنسیت

تکثر و برابری انسان ها در قرآن شریف  
تمایز بیولوژیکی و ظاهری از نظر قرآن مردود است

- یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدہ و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا اللہ الذی تسألون بہ الارحام ان اللہ کان علیکم رقیبا
- ای مردم بترسید از نافرمانی پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسألت و درخواست می کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید که همانا خداوند ناظر و مراقب اعمال شماست.
- يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
- ای مردم، ما شما را از یک و زن و مرد آفریدیم و سپس شما را در اجتماعات و قبیله ها قرار دادیم تا اینکه یکدیگر را بشناسید (و بر اساس احترام به حقوق یکدیگر با هم ارتباط داشته باشید). بدرستی که گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست. و خداوند بسیار دانا و خبیر است.

## «نکاتی قابل ذکر در ارتباط با آیات فوق»

برای فهمیدن نظر اسلام راجع به یک مسئله بهترین راه مراجعه کردن به قرآن و عمل پیامبر اسلام است قرآن و سنت دو دست آویز مهم از اصل دین برای همه مسلمانان است. اینها منابعی هستند که مورد قبول و تایید تمامی مسلمانان هستند. مسلمانان در هر مذهبی که باشند ناگزیر از قبول این دو منبع هستند. بنابراین طبیعی می باشد که محقق در ارتباط با مسائل تحقیقی خود آن هنگامی که راجع به دین و داده های دینی می اندیشد و تحقیق می نماید. به سراغ این منابع رفته، تلاش نماید که مسئله ی مورد تحقیق خود را از این منابع استخراج نماید. مسئله امروزی و مطرح در افغانستان مسئله زن است.

ما نیز همان طور که ذکر آن در بالا آمد برای یافتن نظر دین مبین اسلام به سراغ منابع دست اول خود یعنی قرآن و سنت حضرت(ص) رفتیم. تا جایی که در توان ما بود به تفاسیر مراجعه نموده، کوشش نمودیم که نظرات علمای محترم دین و مفسرین را خلاصه نموده آن را از زبان علمی و تخصص علوم قرآنی به زبان ساده و عام فهم تبدیل نموده به اقشار عادی جامعه، محصلین و دانشجویان و اقشار عمومی جامعه ارائه نماییم.

تحقیق حاضر در مورد زن صورت گرفته است. تا بدانیم که شریعت در مورد جنسیت چه نظری دارد. در رابطه با عدم تمایز بین زن و مرد آنچه از زبان قرآن می توان فهمید این است که:

الف- مخاطب آیه تنها مؤمنین نیست ( به لفظ ناس تعبیر شده یعنی تمام مردم )- ناس در لغت عرب یعنی عموم مردم و عموم مردم شامل مردان و زنان جامعه و همه آن کسانی است که از نظر شرعی به سن تکلیف رسیده باشند. همان گونه که در آیه مشهود است.

ب- اینکه تقوا را مربوط کلمه ی (رب) نموده اشاره به این که: در امورات تکلیفیه و تدابیر کارها و کمالات انسانی تبعیض نباشد.

ج- اینکه کلمه نفس آن گونه که از لغات استفاده می شود یعنی نفس شیء، عین الشیی

د- علاوه بر این کلمه واحده نیز بیان گر وحدت خلقت است، نفس انسان آن چه که به واسطه آن انسان را می توان انسان گفت یعنی مجموع روح و جسم در زندگی این جهانی نتیجه ی کارگاه خلقت است و فرقی و تمایزی بین انسان نیست نه از نظر روح و نه از نظر جسم. آنچه از آیات قرآنی بر می آید. خداوند آدم را از یک خمیر مایه و سرشت آفریده است که حوا نیز از همان خمیر مایه و از همان سرشت می باشد. ما هیچ سندی در دست نداریم که ثابت نماید که اساس آفرینش حوا - که اولین زن در عالم هستی است- با اساس آفرینش آدم- اولین انسان مذکر- فرق داشته باشد. و بعد از آفرینش جسمانی انسان خداوند می فرماید که بر آن روح دمیدیم. بنابراین خداوند آدم و حوا را از یک خمیر مایه آفریده و از یک روح بر آن دمیده شده است.

در آیه های دیگر قرآن نیز درباره ی یکسان بودن وحدت خلقت انسان ها تذکرها ی زیاد داده شده است. آیه ۶ سوره ی الزمر، آیه ی ۲۷ اعراف و ...

بنابراین تحلیل و بررسی مختصر نتیجه این که:

با هیچ معیار و موازین علمی و عقلی نمی توان نصفی از یک پیکر جامعه را از آن جدا نموده به آن رتبه ی پایین تر قائل شد که این استثنا به قول علما استثنا از نفس شی و بطلان علمی و منطقی دارد.

آنچه مسلم است این است که در آفرینش انسان امتیازی در بین نیست پس در شئونات زندگی نیز امتیاز، برابر با موازین علمی نخواهد بود. هر تبعیض به وجود آمده ناشی از رسوم مردمی است که پیروی دین اسلام اند و بسیاری از اعمال و رفتارشان را نسبت به دین میدهند ولو از اصل دین نباشد به نام دین وصل می نمایند.

### تکثر و برابری حقوق انسان ها در منظر قرآن شریف

- در خلقت (همه از یک سرشت واحد خلق شده اند).
  - یا ایهاالناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد
  - ای مردم از پروردگار تان که شما را از یک سرشت واحد آفرید، پروا کنید.
  - یا ایهاالناس انا خلقناکم من ذکر و ائثی .... ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم.
- برابری در کرامت انسانی
  - ولقد کرّمنا بنی آدم (بنی اسرائیل، ۷۰) و به تحقیق ما به بنی آدم کرامت اعطا کردیم و او را تکریم نمودیم.
- کرامت به چه معناست؟ آیا می توان کسی را از حقوقش بازداشت و او را تکریم کرد. مثلا کسی را به برده گی وادارند و یا فردی را محبوس نمایند و حقوق دینی او را محدود سازند و بگویند که تکریم شده است؟ آیا کرامت به معنای فراهم نمودن زمینه ی رشد و شکوفایی تمامی استعدادهای سازنده ی انسان نیست؟
  - وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ \* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر ۹۰۸) و هنگامی که از دختران زنده بگور شده پرسیده شود که به کدامین گناه کشته شده اند؟
  - از نظر قرآن کریم نقض کرامت به سه صورت متصور است:
  - عملی که عمدا باعث اثری مخرب بر زندگی فرد گردد.
  - برخورد شیء گونه با انسان
  - وضع محدودیت بر انسان به گونه ای که رشد استعدادها و پیشرفت او را محدود سازد.

در آیات فوق قرآن صحبت از کرامت انسان است که علما تفسیر نموده اند که کرامت یعنی اختصاص دادن و مورد عنایت خاص قراردادن و شرافت بخشیدن که خداوند از همه موجودات و مخلوقاتش

انسانرا به این کرامت بخشیدن انتخاب نموده و این کرامت هم به بخش معنویات اشاره دارد مانند عقل و اندیشه علم و تفکر و سایر صفات و اخلاقیات و هم به امکانات زندگی مادی که باز مقدمه کمالات انسانی میباشد اشاره دارد مانند: امکانات ارتزاقی، لباس، مسکن و انتخاب همسر که لزوماً مربوط می شود به نظم و تدبیر زندگی اجتماعی و متوسل شدن انسان به استخدام سایر موجودات طبیعت برای رسیدن به مقصود.

با این توضیح می توان چنین نتیجه گیری نمود که: خداوند به نوع بشر کرامت بخشیده، و نوع بشر هم شامل طبقه ذکور است و هم اناث. با جستجو در آیات و احادیث شریف محقق هرگز نمیتواند به سندی دست یابد که منظور شارع مقدس از نوع بشر فقط مردان بوده بلکه تاکید همیشه بر این بوده که خداوند انسان را از نفس واحده آفریده است و نفس واحده را به « یک خمیر مایه، یک سرشت واحد » ترجمه نموده اند.

با اختصاص تکریم به انسان و اشتراک زن و مرد در انسانیت هیچ راهی را نمی توان از متن دین به دست آورد که تفصیل ( برتری ) مردان را به این تکریم برساند، از کجا باید فهمید که مردان بیشتر از زنان مورد تکریم قرار گرفته اند یا با کدام مدرک دینی مردان میتوانند کرامتی را که خدا به انسان داده است را فقط مخصوص خود بدانند و زنانرا از این دایره بیرون کنند و یا بالعکس. هر روشی که این انسان را از این کرامت ها دور سازد از نظر اسلام مردود است آنچه در جوامع اتفاق می افتد این عدالت خداوندی نیست. و هیچگاه نمی توان رفتار یک جامعه و یا یک فرد را به دین نسبت داد واقعیت این است که یک فرد ساخته شده محیط زیست و شرایط اجتماعی و سنت های محیط خود میباشد. درست است که داده های دینی در راه به تعالی رساندن نوع بشر خیلی موثر است. اما هرگز نمیتوان نقش محیط و جامعه را در فرد نادیده گرفت. ما می دانیم که دستورات اسلام در جامعه اسلامی صد در صد تطبیق نمی شود و همچنین تمامی رفتار و اعمال مسلمانان را نمی توان به اسلام نسبت داد. خشونت در زندگی مخصوصاً با زنان در هیچ جای اسلام و قرآن دیده نمی شود و نه در رفتار پیامبر که خود آورنده اسلام دیده می شود.

قرآن: زن + مرد = اجتماع

- إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا

وَالذَّكَرَاتِ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَّغْفِرَةً وَّ اَجْرًا عَظِيْمًا (۳۵) مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است (۳۵) (۹ دفعه مرد و زن در یک آیه آمده است).

- هرگاه قرآن اجتماع را خطاب قرار می‌دهد، زن و مرد را ذکر می‌نماید. یکی از دلایل این امر، شرایط زمانی و مکانی نزول آیات بوده است. چرا که در آن زمان، اجتماع = مردان پنداشته می‌شده است.
- دلیل دوم، عدم رشد اجتماع، صرفاً با تکیه بر نیمی از پیکره اجتماع است.
- در اکثر آیات خطاب قرآن به اجتماع (مربک از زن و مرد است) به آیات بعد توجه کنید:

اینکه جامعه از زن و مرد تشکیل شده است شاید در بین بشریت منکر نداشته باشد. این یک عینیت اجتماعی است آنچه سزاوار دقت است اینکه کدام یک از این دو عنصر تشکیل دهنده جامعه، نقش مهم را در جامعه دارد و یا اینکه اصلاً چیزی به نام اهم و مهم در بین این دو معنا دارد؟ یا هردو مساوی اند؟ چون سخن در موضع گیری اسلام درباره زنان است پس در این زمینه نیز جا دارد تا از نظرات اسلام بهر مند گردیم، قرآن چه در این آیه و چه در سایر آیات هرگاه سخن از اجتماع و امورات اجتماعی در میان می‌آورد زن و مرد را مورد خطاب قرار می‌دهد. از اینجا مسلم میشود که امورات اجتماعی را هردو عنصر زن و مرد بهده دارد پس زن و مرد عناصر اصلی تشکلی دهنده جامعه هستند و همان گونه که در اصل تشکیل جامعه بطور مساوی نقش دارند در فعالیت های اجتماعی و امورات زندگی نیز نقش برابر دارند پس مسلم می‌گردد اینکه هر گونه تلاشی در جهت تخریب یکی از این دو بعد اجتماع تلاشی است در جهت تخریب کل جامعه. این گونه فعالیتها تحت هر توجیهی که باشد در واقع مانع رشد تکامل زندگی مادی و معنوی جامعه میباشد. از نظر اسلام که تمامی دستورات آن برای رشد و تکامل بخشیدن به انسانهاست هر روشی که مانع کمال انسان باشد تحت هر نام و عنوان مردود و محکوم است. بسیارند مسلمانان که اسلام را خوب شناخته اند و اسلام را از سنت های عقب گرای اجتماعی جدا نموده اند

این گونه افراد میتوانند نظردین خالص را بدست آورند اگر ملال آورنیاید از چندشعر علامه اقبال که در فکر تجدید بنای اسلامی بود درین ضمیمه استفاده کنیم

زندگی ای زنده دل دانی که چیست	عشق یک بین در تماشای دوئی است
مرد و زن وابسته یکدیگرند	کائنات شوق را صورت گرد
زن نگرهدارنده نارحیات	فطرت او لوح اسرار حیات
آتش ما را بجان خود زند	جوهر او خاک را آدم کند
در ضمیرش ممکنات زندگی	از تب تابش شبات زندگی
ارج ما ازارجمندی های او	ما همه از نقش بندی های او

### تساوی در مکافات و مجازات اخروی

- و من يعمل من الصالحات من ذکر او أنثی وهو مؤمن فاولیک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیرا. هر کس کارهای پسندیده انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن و مومن باشد به بهشت خواهد رفت و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.
  - و من يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره هر انسان که به اندازه ی ذره ای نیکی کند، پاداش می گیرد و کسی که به اندازه ی ذره ای بدی و شر کند، عقاب می بیند.
  - وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (قرآن کریم توبه - ۷۲)
- خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن های پاکیزه ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!

## حقوق متقابل انسان ها در قرآن

- الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (قرآن کریم، توبه - ۷۱)
- مردان و زنان مومن حمایت کننده گان یکدیگرند و تمام اعمال عبادی مانند امر به معروف و نهی از منکر و اقامه ی نماز و پرداخت زکات را به جای می آورند و از خداوند و رسولش اطاعت می کنند. آنها بیشک همان کسانی هستند که مورد رحمت خداوند واقع می شوند. و خداوند عزیز و داناست.
- ایها الناس ان لnsایکم علیکم حقا و لکم علیهن حقا فاتقواالله فی النساء و استوصوا بهن خیرا (حدیث نبوی)
- ای مردم بدرستیکه زنان شما بر شما حق دارند و شما نیز بر آنان حق دارید. در مورد رفتار با زنان تقوای الهی را پیشه کنید و با آنان به نیکویی رفتار نمایید.

این مبحث را به عنوان حقوق متقابل انسان ها در قرآن کریم آورده ایم. و سندی از این محکم تر که برای اثبات این تساوی و تقابل از زندگی حضرت رسول (ص) شاهد مثال بیاوریم. اسناد تاریخی صدر اسلام نشان می دهد که حضرت رسول (ص) که آورنده ی این دین است با آن همه عظمت و بزرگی خود در خانه همچون همه اعضای فامیل سهم می گرفت. و در درون خانه و در رویه با همسران و خردسالان چنان با عاطفه و مهربان بود که توصیف آن مشکل است. حتا گفته اند که همسران آن حضرت گاهی با خشم و تندی با ایشان برخورد می کردند. اما جواب ایشان همکاری و کمک در امور منزل به آنان بود.

رفتار پیغمبر اسلام (ص) چندان انسانی است که برای مسلمان امروز دایمی حقوق زن نیز قابل هضم نیست. به عنوان نمونه تعدادی از دختران مدینه می خواهند که در جنگ حنین شرکت کنند. مجاهدین اسلام در این مسافرت باید ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلو متر تا مکه بروند و از آنجا بطرف مغرب بروند یعنی می خواهند به جنگ که چند ماه طول می کشد بروند. تعداد این دختران ۱۰ الی ۱۵ نفر بودند و این جماعت از دختران نوجوان مدینه بودند. آنها یک

گروه می شوند و نزد پیامبر می آیند و می گویند که میخواهیم به عنوان پرستار در این جنگ خدمت کنیم و رسول خدا با این خواست آنها موافقت نموده و همه در این جنگ به عنوان پرستار حضور می یابند.

پایگاه اجتماعی تمامی کارهای مسلمانان آن روز در مدینه مسجد النبی بود که هر گوشه ی آن یک انستیتوت اجتماعی بشمار می رفت. زنی به نام « رفیده » به دستور خود پیغمبر در یک گوشه ای از صحن مسجد خیمه ای « در معبد اسلام » بپا نموده و به مداوا و بستری کردن بیماران و مداوای مجروحین جنگ می پردازد، از جمله کسانی که اینجا بستری بود سعدین معاذ که در جنگ خندق زخمی شده بود است.

### حق کار؛ معاش برابر در مقابل کار برابر

- وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (نساء آیه ۳۲)
- برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.
- لیس للإنسان الا ما سعی
- نیست برای انسان مگر آنچه سعی کرده است.
- و من يعمل من الصالحات من ذكر او انثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة و لا يظلمون نقیرا (نساء - ۱۲۴)
- و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد و یا زن، در حالیکه ایمان داشته باشند، چنان کسانی داخل بهشت می شوند؛ کمترین ستمی به آنان نخواهد شد.

## حق بر توسعه و انکشاف برابر انسان ها

- ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی ینفسهم.
- ترجمه: هیچ اجتماع و قومی متحول نمی شود و پیشرفت نمی کند، مگر آنکه اعضای آن جامعه دگرگون شود.
- (برابری حق بر تحصیل و فرصتها)
- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ الانعام- ۱۴۱
- به یقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند؛ و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند؛ و (هرگز) هدایت نیافته بودند.
- طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة
- إقرأ باسم ربك الذی خلق بخوان به نام پروردگاری که آفرید

با دقت در عالم خلقت هر عاقلی پی می برد که طبیعت هدفمند آفریده شده است خداوند با توجه به این اهداف استعدادهایی را در وجود موجودات نهاده است و بر این اساس استحقاق هایی به آن ها داده است و از این جاست که پای حقوق به میان می آید. انسان از یک سلسله حقوق خاص که "حقوق انسانی" نامیده شده برخوردار می باشد، تشخیص این حقوق و کیفیت آن با مراجعه به استعداد طبیعی قابل تعیین خواهد بود. پس هر انسانی چه زن و چه مرد در جامعه دارای حقوقی مساوی است. این حقوق گرچه مشابه نیست ولی اگر تفاوتی وجود دارد مربوط به نحوه ی وظیفه است نه این که یکی استعداد انجام کارهایی را داشته باشد و دیگری را خداوند از حیث زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... در محرومیت نگاه داشته باشد. هر عقل سلیمی که به وجود خداوند اعتقاد دارد ایجاد موانع بر سر راه یک نوع انسان توسط خداوند را هرگز نمی پذیرد و این مسلم است که این گونه اعمال در برخورد دوگانه بین زن و مرد برخلاف قوانین خلقت خواهد بود.

## برابری حقوق مذهبی و دینی

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن ہدی للناس

- ماه رمضان، ماهیست که در آن قرآن برای هدایت انسان ها نازل شده است.
- الرحمن علم القرآن، خلق الانسان، علمه البیان خداوند رحمان، (۱) قرآن را تعلیم فرمود، (۲) انسان را آفرید، (۳) و به او «بیان» را آموخت. (۴) (سوره الرحمن)
- من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الاخره و کان الله سمیعاً بصیراً
- هر انسان که خواستار نیکی و پاداش نیک در دنیا باشد، پس پاداش و نیکی دنیا و آخرت نزد خداوند است (و به او اعطا می گردد) و بدرستیکه الله (ج) شنوا و بینا (بصیر) است.

## حق برابر در مشارکت سیاسی

- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه ۱۲) ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است
- آیات احکام نظیر دادن ذکات، امر به معروف و نهی از منکر، اطاعت از خداوند و رسولش و .... نشان می دهد که زنان هم حق دارند در تمامی ابعاد اجتماع سهم گیرند و در تعیین سرنوشت اجتماع مؤثر باشند.
- إن الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم (سوره فتح آیه ۱۰)

با صراحت لهجه ای که در این آیات است هیچ گونه تردید برای آدم باقی نخواهد ماند که از نظر قرآن شرکت در امورات سیاسی، اجتماعی و تمامی فعالیت های مقتضی زمان حق مسلم و خدادادی زنان است و در صدر اسلام و در زمان خود پیامبر اسلام (ص) عملاً این حق

برای زنان از جانب رسول خدا به رسمیت شناخته شده و فرصت شرکت برای زنان عملاً اعطا گردیده است.

در طول تاریخ اسلام کاملاً مشهود است که هر وقت اسلام به معنی راستین خود بر جامعه حکومت کرده است ما تساوی حقوق بین زنان و مردان را به عینه می بینیم. شاهد مثال این مدعا وضعیت زنان در طول زمان حیات حضرت رسول و خلفای راشدین است. در طول زمان حکومت خلفای راشدین زنان در فعالیت گوناگون اجتماعی بزرگترین استعدادها را تبارز داده و فعالانه سهم داشته اند و هیچ گاهی کسی مانع شان نگردیده چون جامعه اسلامی این مسائل را حق قانونی و طبیعی زنان می دانسته. چه افتخاری بیش از این می تواند برای جامعه اسلامی باشد که اولین فردی که اسلام می آورد یک زن است (خدیجه همسر پیامبر) اولین حافظ قرآن یک زن است (حضرت عایشه) و اولین شهید اسلام یک زن است (سمیه مادر عمار یاسر) مگر نه این است که سمیه در زیر شکنجه درخیم، الله، الله می گفت و حضرت پیامبر این اصحاب خویش را به مقاومت و استمرار به دین تشویق می نمود؟ و اگر چنین باشد آیا این به رسمیت شناخته شدن حقوق سیاسی زنان توسط حضرت رسول (ص) نیست؟

#### مشارکت در امور سیاسی - اجتماعی

○ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ  
فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ  
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ  
الثَّوَابِ (آل عمران ۱۹۵) پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که]  
من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباہ  
نمی‌کنم پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار  
دیده و جنگیده و کشته شده‌اند بدیهایشان را از آنان می‌زدایم و آنان را در باغهایی که  
از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم [این] پاداشی است از جانب خدا و  
پاداش نیکو نزد خداست (۱۹۵)

○ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ  
شوری ۳۸ (کسانی که به دعوت پروردگار شان نماز به پای می دارند، و آنها همان کسانی اند که به آنها دستور داده میشود که در امور زنده گی شان، شورا دایر نمایند، و آنها از آنچه که روزیشان مقرر شده، انفاق می کنند).

○ وشاورهم فی الامر

○ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه ۷۱) و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آناند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است (۷۱)

○ نمونه مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در زمان خلفای راشدین (رض)

○ الفقه الإسلامیة و أدلته، ص ۶۷۶۳ (به نقل از ابو داود و ترمذی و نسائی و صحیح احمد و ابن ماجه و نیل الاوطارو سیره عمر بن الخطاب نوشته طنطاویین به نقل از سیره حضرت عمر نوشته ابن الجوزی):

تنبّهت امرأه إلى هذه الآية (آیه ۲۰ سوره النساء)، حينما أراد عمر بن خطاب رضی الله عنه تحديد المهور، فنهى أن يزداد في الصداق على أربع مئة درهم، و خطب الناس فيه، فقال: "لا تغلوا في صداق النساء، فإنها لو كانت مكرمة في الدنيا أو تقوى في الآخرة، كان أولاكم بها رسول الله (ص)، ما اصدق قط امرأة من نسائه ولا بناته فوق اثنتي عشر أوقية (اوقيه=اربعون درهما) - أي من الفضة - فمن زاد على أربعمائه شيئاً، جعلت الزيادة في بيت المال، فقالت له امرأة من قريش بعد نزوله من على المنبر: ليس ذلك اليك يا عمر، فقال: ولم؟ قالت: لأن الله تعالى يقول: "وَأْتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً، أَتَأْخُذُونَهُ بِهَتَانَا وَ إِثْمَا مِيبِنَا" (النساء: ۲۰/۴) فقال عمر (رض) امرأة أصابت، و رجل أخطأ. و رواه أبويعلى في الكبير: فقال: اللهم غفرا، كل الناس افاقه من عمر، ثم رجع فركب المنبر فقال: أيها الناس، إنني كنت نهيتكم أن تزيدوا النساء في صدقاتهن على أربعمائه درهم، فمن شاء أن يعطى من ماله ما أحب.

## برابری در حق مالکیت و نترل و دسترسی به امکانات و منابع

- لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (نساء آیه ۷)
- برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.
- از طریق ابن عباس (رض) روایت شده است که در دوره جاهلیت دختران را عموماً و پسر بچه‌ها را تا رسیدن سن بلوغ از میراث محروم می‌کردند. کسی که حق فرزندان را کاکایش گرفته بود، نزد پیامبر آمد و شکایت کرد و پیامبر گفت: نمی‌دانم چه بگویم، سپس این آیه نازل شد.
- وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (نساء آیه ۳۲)
- برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.

بسیار روشن است که اسلام برای زنان مالکیت قائل گردیده و آنان را مالک دارایی‌شان می‌داند. دست رنج و سایر درآمدهای اقتصادی را از آن خود آنان می‌داند. اسلام در سرزمین عربستان ظهور می‌نماید و این در حالی است که قبل از اسلام و به خصوص در سرزمین عربستان که زاد گاه اسلام است برای زنان هیچ حقی قائل نبودند. و زنان را به عنوان ابزار زندگی می‌پنداشتند و این وقاحت تا به حدی بود که فرزند خوانده، نامادری خود را به عنوان میراث پدر به ارث می‌برد و می‌توانست بعد از فوت پدر در این مال خود تملک نموده با او ازدواج نمایید یا او را به دیگران ببخشد، بفروشد و.....

در عربستان قبل از اسلام زن تحت هیچ عنوانی ارث نمی برد. با آمدن دین اسلام به زنان در تمامی ابعاد انسانی شخصیت مستقل انسانی داده شد. و مانند مردان صاحب حقوق و مزایای انسانی خود شدند که از جمله در میراث نیز شریک مردان شدند. محرومیت زنان از ارث در قبل از اسلام علل و عوامل فراوان دارد که از جمله ضعف قدرت جسمی آنها در جنگها بود زیرا معیار ارزش های انسانی بر اساس قهرمانی ها و پهلوانی ها بود. اعراب یک مرد جنگی را بهتر از صد هزار نفر می دانستند. و زن به خاطر نداشتن توانایی بر انجام کارهای شاقه از ارث محروم بودند لذا تا یک مرد ولو از طبقات پایین ارث، و دور ترین وابستگان باقی می ماند به زنان رث نمی رسید. وقتی آیه ارث نازل گردید و تصریح نمود که « للرجال..» باعث تعجب اعراب گردید. می گویند اتفاقاً در آن اوقات برادر حارث بن ثابت شاعر معروف عرب از دنیا رفت و او زنی داشت که با چند دختر پس از مرگ او بدون سرپرست ماندند. پسر عمو های او همه دارایی او را تصرف کردند و چیزی به زن و دخترانش ندادند. زن پیش رسول خدا شکایت کرد و پیامبر آنانرا احضار نمود و آنان گفتند زن که جنگ نمی تواند و توانایی حمل اسلحه را ندارد. این ما هستیم که باید شمشیر برداریم و در مقابل دشمن بیاستیم. پس ثروت هم باید از آن ما باشد. اما رسول خدا پیام و دستور الهی را به آنان ابلاغ فرمودند. قرآن در این آیه علاوه بر اینکه با صراحت دستور می دهد که زنان نیز انسان هستند و از حقوق انسانی برخوردارند این نکته را روشن می کند که برخورد اشیاء گونه با زن از نظر اسلام جواز ندارد

در آیه « و عاشروهن بالمعروف ... » دستور است که معاشرت معروف داشته باشید اسلام معاشرت اخلاقی را جزء همین تامین حقوق زنان می داند. رعایت اصول اخلاقی انسانی که شامل داد و ستد ها، معاملات روز مره و... است نمی تواند معنایی دیگر داشته باشد. معاشرت معروف یعنی همان اصول اخلاقی که بین مردان است درباره ی زنان نیز باید رعایت شود. از این آیه چیزی که بیان تبعیض در اجرای این معاشرت معروف کند به نظر نمی خورد. بلکه صراحت دارد که از همان حقوق مدنی که مردان برخوردارند، زنان نیز مستفید هستند.

از روایتی که از ابن عباس شده است ثابت می شود در جاهلیت این سنت ضد انسانی تبعیض رایج بوده و اسلام آنرا از بین برده برای هر فرد عاقل روشن است که نمی توان هم یک موضوع را نفی نمود وهم آن را به رسمیت شناخت. اسلام تبعیض را نفی می نماید از مطالب بالا می توان چنین نتیجه گرفت که اگر در جوامع اسلامی تبعیضی وجود دارد آن پدیده تبعیض از اسلام نیست و پدیده ای وارداتی از عرف یا... می باشد.

## حقوق مدنی

- اکراه در ازدواج بیوه زنان
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها بشایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد (۱۹)
- از ابن عباس روایت شده است که در جاهلیت اینگونه مرسوم بود که هرگاه مردی از دنیا می‌رفت، خویشان او حق داشتند با همسر او ازدواج کنند و یا اگر بخواهند او را به کسی دیگر شوهر دهند. یعنی خویشان شوهر در تعیین سرنوشت او ارجحیت داشتند، به همین سبب این آیه نازل شد.
- آیه ۴ سوره نساء: وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (۴)
- و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید (۴)
- اسباب نزول آیات: ابن ابو حاتم از ابو صالح روایت کرده است: چون مردن دختر خویش را شوهر می‌داد مهر او را خودش می‌گرفت. خدا آیه را نازل کرد.
- در سیره نبوی، زنانی هستند که از شوهرانشان خواستگاری کرده اند، از آن جمله حضرت خدیجه کبری نخستین همسر پیامبر (ص) را می‌توان نام برد.
- خداوند زن و شوهری را جهت ایجاد آرامش و سلامت روانی خانواده، و ایجاد مودت و محبت تشویق به وصلت نموده و آندو را مکمل یکدیگر می‌داند. (روم آیه ۲۱)

الف- در آیه ۶ سوره نساء قرآن می فرماید. « وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْغَفِرْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا »

ترجمه: و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد)، از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی‌گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است.

راجع به سن بلوغ در بین علمای دینی و مخصوصاً پایه گذاران شرایع پنج گانه اختلاف زیادی است و آن را برای طبقه اناث از ۹ الی ۱۷ سالگی گفته اند. اما این که در دنیای پیچیده و متمدن امروزی سن بلوغ را از چه سنی باید لحاظ کرد بین علمای دینی اختلاف است. این مهم را به آنان واگذار نموده به ادامه بحث می پردازیم.

از مجموع گفته هایی که فوقاً آمد می توان چنین نتیجه گیری نمود که در ازدواج و انتخاب همسر نیز زنان صاحب حق می باشند و این مهم را شریعت اسلامی به رسمیت شناخته است و تصمیم گیرنده در امر ازدواج خود شخص می باشد که با چه کسی ازدواج نماید و این مسأله در ماده ۸۸ قانون مدنی افغانستان نیز به صراحت آمده است.

۲- محققینی که در مورد مسائل زنان تحقیقاتی دارند تایید می نمایند که حتی قبل از اسلام نیز این رسم در عربستان و دیگر نقاط دنیا وجود داشته که مردان در هنگام ازدواج تحفه و هدیه ای به همسران خود اهداء می نمودند این سنت ریشه ی سابقه دار دارد و مراحل مختلف را پیموده است. بعد از ظهور اسلام نیز این رسم به رسمیت شناخته شد. شاید بتوان ادعا نمود که مهریه نیز نشأت گرفته از همان رسم قدیم اعراب بوده که اسلام به آن نام مهریه داده به آن مهر تایید می گذارد. اما در اسلام زن در عین اینکه این هدیه را از جانب مرد قبول می کند استقلال اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ می نماید. در بحث ازدواج در اسلام: زن اولاً به اراده خود شوهر انتخاب می کند نه به اراده پدر یا برادر و ثانیاً در مدتی که در خانه پدر هست و نیز در طول زندگی که با شوهر خود دارد کسی حق ندارد که او را به خدمت بگمارد و استثمار نمایید. محصول کار و زحمتش بخودش تعلق دارد نه به دیگری و در معاملات حقوقی خود احتیاج به قیمومیت مرد ندارد. مردان و زنان در کنار یکدیگر هر دو به آرامش می رسند و تا زمانی که رابطه زنا شویی ادامه دارد مرد مکلف است

که زندگی وی را تامین نماید. این مرحله تاریخی همان مرحله ای است که اسلام آنرا ( به قول مطهری) پذیرفته و زناشویی را بر این اساس بنیان نهاده است.

در قرآن کریم آیات زیادی است درباره ی اینکه مهر زن بخودش تعلق دارد مرد باید در تمام مدت زندگی مشترک عهده دار تامین مخارج زندگی زن باشد. و در عین حال درآمدیکه زن بدست می آورد و نتیجه کار او است به شخص خودش تعلق دارد نه به دیگری.

آقای مطهری فلسفه حقیقی مهر را چنین بیان می کند: « به عقیده ما پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر به کار رفته است. که بیشتر مربوط به روابط عاشقانه طرفین و عواطف آنها می باشد». که برای رعایت اختصار از شرح آن می گذریم.

آنچه مسلم است اینکه قرآن در باره ی مهریه با لطایف و ظرایف خاصی توجه نموده می فرماید « و اتوا النساء...» در این جا قرآن به سه نکته ظریف توجه نموده است. صدقه که از ماده صدق است و خداوند در قرآن بر مهر، نام صدقه گذاشته یعنی این معامله بیانگر راستین بودن علاقه و محبت بین زوجین می باشد و اشاره دیگر اینکه با ملحق کردن ضیمر «هن» می خواهد بگویی که مهریه بخود زن تعلق می گیرد و مهر، مزد یا حق الزحمه بزرگ کردن فرزندان و شیر دادن بچه یا نان دادن به او نیست و سوم اینکه با آوردن کلمه نحله می فرماید که مهر هیچ عنوانی به غیر از هدیه و بخشش ندارد.

۳- در طلاق یا فسخ قرارداد ازدواج نیز در اسلام برای زنان حقوقی قابل توجه در نظر گرفته شده است و می فرمایند: اگر مردی سر نازگاری دارد حقوق و وظایفی که در اسلام بر عهده مرد گذاشته شده که بعضی از آنها مالی است مثل نفقه و بعضی اخلاقی است مثل حس معاشرت و بعضی مسائل مربوطه امور جنسی مثل همخوابی، انجام نمی دهد. یا بعضی از آنها را تامین نمی کند. و در عین حال حاضر به طلاق نیست اسلام به حاکم شرع یا قاضی شرعی اذن مداخله می دهد تا این حکم را اجرا نموده زوجه را از قید عقد زوج آزاد سازد.

در جایی دیگر تذکر رفته است که اگر مرد از انجام امورات مربوطه خویش شانه خالی کند و حاضر به طلاق هم نباشد دو راه است. یکی اینکه حاکم حق دخالت پیدا کند و موضوع را با طلاق خاتمه دهد و دیگر اینکه زن رفتار متقابل نموده و از انجام تعهدات خود در برابر مرد خود داری کند. این بیانات کاملاً تساوی حقوق متقابل مرد و زن را مشخص می نماید.

## رفع تبعیض در ساحت حقوق مدنی - تجربه مسلمان

- انتخاب همسر (ازدواج نبی اکرم و خدیجه کبرا)
- سن ازدواج، آیه ششم سوره نساء
- رضایت به ازدواج
- مهر و صداق: تعاریف جدید
- سرپرستی خانواده، الرجال قوامون علی النساء .... بما انفقوا ...
- حضانت
- طلاق - حق فسخ قرارداد ازدواج توسط مردان در محکمه
- خلع، طلاق به سبب ضرر، - حق فسخ قرارداد ازدواج توسط زنان
- تحدید چند همسری
- اطاعت از شوهر (طبق آیه قرآن کریم، اطاعت صرفا در مسایل روابط زناشویی و زندگی در منزل مشترک است و نسبت به زن و شوهر هردو صادق است.)

## از نظر قرآن شریف ملاک فضیلت و برتری انسان ها در چیست؟

### ○ دانش

- هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون
- آیا کسانی که می دانند (دانش و آگاهی دارند) با کسانی که نمی دانند، برابرند؟

### ○ تقوا

- يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
- ای مردم، ما شما را از یک و زن و مرد آفریدیم و سپس شما را در اجتماعات و قبیله ها قرار دادیم تا اینکه یکدیگر را بشناسید (و بر اساس احترام به حقوق یکدیگر با هم ارتباط داشته باشید). بدرستی که گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست. و خداوند بسیار دانا و خبیر است

ملاک فضیلت و برتری در قرآن علم و تقوا می باشد که در این باره سخن فراوان از طرف علما و نویسندگان اسلامی ایراد گردیده است و از آیات قرآن با صراحت استفاده می شود که برتری انسان ها به علم و تقوا می باشد ولی این فضیلت نیز باعث امتیاز حقوقی در این دنیا و استفاده منابع زندگی نمی گردد.

که پیشوایان اسلامی و مخصوصا پیامبر گرامی هیچ گونه امتیاز حقوقی به خودشان اختصاص نداده اند با این که تقوا و علم را تا آخرین حد امکان دارا بودند، آن اکرام فقط نزد خدا و مربوط به جزای اخروی است.

## انسان های نمونه در قرآن

- زنانی که قرآن آنها را الگوی اجتماع معرفی کرده است.
- وضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة ونجنی من فرعون وعمله ونجنی من القوم الظالمین
- برای کسانی که ایمان آوردند خداوند همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت برای من خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان.
- (در این آیه خداوند برای تمامی کسانی که ایمان آورده اند، همسر فرعون را مثال می زند تا از او درس بگیرند.)
- حضرت مریم
- و مریم ابنة عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت من القانتین
- و مریم دختر عمران را، که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از عبادت پیشگان بود.
- و نیز در تبیین مقام والای مریم می فرماید:
- واذ قالت الملائكة یا مریم ان الله اصطفاک وطهرک واصطفاک علی نساء العالمین یا مریم اقتنی لربک واسجدی وارکعی مع الراكعین
- و هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است. ای مریم، عبادت خدا کن و سجده کن و بارکوع کنندگان راکع باش.
- آیا زنانی را می شناسید در تاریخ اسلام که از بسیاری از مردان فضیلت بیشتری دارند؟
- حضرت خدیجه
- حضرت عایشه
- حضرت فاطمه
- ...

- آیا این زنان به دلیل موقعیت و نسب اجتماعی و یا فامیلی خاص خود به چنین مقامی رسیده اند و یا اینکه دارای صفتی ممتاز بوده اند؟
- با توجه به اینکه قرآن شریف معیار فضیلت را تنها در علم و تقوی می داند، آیا این زنان برتری شان به همان دلایل نیست؟

زنانی را که قرآن به عنوان نمونه ذکر نموده است الگوی زندگی برای زنان است که باید مانند آنان به کسب فضائل انسانی بپردازند و از راه تلاش و سعی و کوشش زن نیز می تواند در مقامی قرار گیرد که باعث فخر انسانیت گردند. زنانی که در اسلام مورد تمجید قرار گرفته اند کسانی هستند که زندگی اجتماعی سهم فعال گرفته اند و باحفظ ارزش های اخلاقی در تحقق بخشیدن به آرمان های والای انسانی تلاش نموده اند و در فعالیت های اجتماعی بر ضد تجاوز و ظلم و اجحاف سهم فعال گرفته اند، لذا مورد ستایش اسلام در قرآن قرار گرفته اند.

از قرائت این آیات قرآن شریف چه نکاتی روشن شد

- آیا می توان فقط با تخصیص حقوق و وجایب اسلامی صرفاً برای نیمی از انسان ها، مدعی رعایت دستورهای اسلامی شد؟
- آیا می توان در این صورت جامعه ای متوازن داشت؟
- پس چه باید کرد؟ چطور می توان همه ی انسان ها را در حقوقی که قرآن شریف و اسلام داده است، شریک کرد؟

الف- همانگونه که تذکر داده شد از نظر اسلام هیچ تفاوتی حقوقی بین زن و مرد نیست و در این باره قرآن صراحت دارد که توجیه پذیر نیز نخواهد بود که برای اعمال نظرهای شخص مورد استفاده قرار گیرد اما این که در عرصه ی عمل به این دستورات عمل نشود نقصی در دین به شمار نخواهد آمد بلکه مصداق همان آیه قرار خواهیم گرفت « تومنون ببعض و...».

ب- انسان‌ها همیشه تابع شرایط زندگی اجتماعی بوده و به سنت‌های قومی، قبیله‌ای و ... عمل می‌نمایند در نتیجه از پیروی دین باز می‌مانند مخصوصاً اطاعت از دین با بعضی از منافع زودگذرشان اصطکاک داشته باشد.

### چرا احکام قرآن کریم اجرا نمی‌شود؟

۱. سلسله مراتب اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد و غالباً به نفع تعدادی از افراد بوده و اکثریت را محروم می‌سازد.
۲. این سلسله مراتب در قالب نهادهای اجتماعی ریشه دوانده است که به منظور بقا و جاودانه‌گی آن سلسله مراتب از طریق کنترل بر محیط و منابع اقتصادی - اجتماعی طراحی شده است.
۳. عدالت اجتماعی، مشتمل بر برابری جنسیتی (جندر) می‌تواند امنیت معیشت، قدرت تولید و پویایی انکشاف را افزایش دهد. چرا که عدالت اجتماعی شامل تمامی اعضای جامعه در ساختن ظرفیت برای انکشاف شان را در بر می‌گیرد.

## ج: خشونت علیه زنان

مفاهیم و مسائل مربوط به آن

### خشونت چیست؟

○ تعبیر خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد:

(آ) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می افتد، از جمله کتک زدن، آزار جنسی دختر بچه ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، نزدیکی بدون رضایت توسط شوهر، و بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان،

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در حوزه زندگی جمعی و اجتماع اتفاق می افتد، از جمله تجاوز، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن فروشی اجباری،

(پ) خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود.

○ Declaration on the Elimination of Violence against Women 20 December 1993

### خشونت:

هر عمل عمدی که بر زندگی و جسم اثر مخرب داشته باشد و یا اعمال محدودیت بر انسان به گونه ای که مانع رشد استعدادها و یا حرفه و تخصص وی گردد و یا رفتار و برخورد با انسان به عنوان یک شیء یا حیوان (تخطی از حرمت و کرامت انسان).

## انواع خشونت علیه زنان

- فیزیکی (جسمی)
- جنسی
- تهدید
- آزار
- حبس
- تخریب اموال
- ورود به مسکن بدون رضایت باشنده
- اخراج و منع از مسکن
- محرومیت از استفاده از وسایل موجود در مسکن
- محرومیت از مراسم و رواجهای فرهنگی (مثل تحصیل) و عنعنوی
- اقتصادی
- ممانعت از اجرای مناسک و دستورات مذهبی
- محرومیت و یا محدودیت در حق مالکیت و یا دسترسی به منابع مالی و داراییها از جمله محرومیت از هزینه مکتب و تداوی و غیرآن
- تخریب دارایی و ملکیت
- محرومیت از حق اشتغال
- تبعیض جنسیتی در استخدام، معاش، ارتقای رتبه، امکانات و غیره

### خشونت های روانی، زبانی و احساسات

- توهین و تحقیر مکرر و یا نام نهادن
- تهدید مکرر به منظور تخریب روحیه و روان
- استفاده از قدرت مالی برای ایجاد اقتدار
- استفاده از مذهب و عرف برای حفظ و یا ایجاد اقتدار
- استفاده از تهدید اطفال

### آزار و اذیت

- کنترل و نظارت مکرر در رفت و آمد و تعقیب مداوم در محیط خانه، مکتب، دانشگاه، محیط کار و غیر آن
- تلفنهای مکرر به منظور مزاحمت
- مزاحمت در محیط عام (سرک، وسایل عمومی، محیط تحصیلی)
- ارسال مکتوب، پیامهای تلفنی، ایمیل و ... تهدید آمیز
- معتاد نمودن

### محرومیت از حقوق اساسی

- حقوق سیاسی
- آزادی مسافرت و گشت و گذار
- کار
- تحصیل
- شهروندی

- حقوق مدنی
- حقوق اجتماعی
- خشونت ساختاری (قوانین مروج مصئونیت یا خشونت، ساختار اداری و اجتماعی)

### شریعت و منع خشونت علیه زنان

- حفظ و تعالی کرامت انسانی بشر به عنوان خلیفه (جانشین) و حامل روح خداوند (ج) محور احکام اسلام است.
- رویکرد اسلام به محو خشونت علیه زنان = پاسداشت کرامت انسان (نفی هرگونه ستمگری، ستمکشی، سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و تساوی در رشد استعدادهای انسان)
- پیشگیری (تضمین حقوق، احکام، اخلاقیات، و تعیین مکلفیتها)
- کنترل (امکان دسترسی به قضا و امکان برخورداری مساویانه از احکام)
- محدودیت (محدود نمودن تعدد زوجات، طلاق - به سه طلاق-، رسوم غلط مثل: ظهار و غیر آن)
- رفع خشونت علیه زنان (جرم پنداشتن صدمات جسمانی، مالی و خرید و فروش زنان و بسیاری از رواجهای جاهلی و تبعیض آمیز)
- رفع تبعیض

## اقدامات اسلام برای رفع خشونت علیه زنان

- ❑ منع دختر و فرزند کشی
- ❑ تحدید تعدد زوجات
- ❑ حمایت از حقوق اقتصادی (اجرت و میراث، مهر و اموال)
- ❑ حقوق مدنی (انتخاب همسر، حق فسخ قرارداد ازدواج، حضانت، اجرت کارهای مولدی و غیر آن)
- ❑ حقوق سیاسی (بیعت نبی اکرم (ص) با زنان و مشارکت زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی، جنگ و دفاع)
- ❑ حمایت های قضایی از زنان (در احکام، دیات، قصاص و تعزیرات)
- منع آزار زن و مرد مؤمن
- پیامبر (ص): «من اذی مؤمناً فقد اذانی و من اذانی فقد اذی الله، و من اذی الله فهو ملعونٌ فی التوراه و الانجیل، والزبور و الفرقان آنکه به مؤمنی آزار رساند، مرا آزار کرده است، و آنکه مرا آزار دهد، خدای مرا آزار داده است، و آنکه خدای را آزار داده در تورات و انجیل و زبور و قرآن، نفرین شده است».
- پیامبر (ص): «من احزن مؤمناً ثم اعطاه الدنيا لم یکن ذلک کفارته و لم یوجر علیه) آنکه انسانی را غمگین سازد، اگر همه دنیا را به او بدهد جبران کارش نمی شود و پاداشی نیز ندارد».
- پیامبر (ص): «اذل الناس من آهان الناس (پست ترین مردم کسی است که به مردم توهین کند».
- قرآن کریم
- قرآن می فرماید: «...و عاشروهن بالمعروف... (با زنان به نیکی (و مهربانی) رفتار کنید...»
- «وإذا طلقتم النساء فبلغن أجلهن فامسکوهن بالمعروف او سر حوهن بمعروف ولا تمسکوهن ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلّم نفسه ولا تتخذوا آیات الله هزواً... (اگر زنان را طلاق دادید و مهلت سرآمد یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید یا به نیکو وجهی رها سازید و برای اینکه بدانان زیان برسانید در خانه نگاهشان

مدارید. هرکس چنین کند به خویشتن ستم کرده و آیات خدا را به ریشخند مگیرید...»

■ «والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغير ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثمأً مبیناً ( و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی می آزارند، تهمت و گناه آشکاری را بر دوش می کشند».

### قانون اساسی و حمایت از زنان

- برابری روح قانون اساسی است و زبان آن فراگیر است.
- ماده ۲۲ تا ۵۷ "حقوق اساسی و وجایب شهروندان" را تضمین می کند.
- برابری (ماده ۲۲)
- حق زندگی (۲۳)
- آزادی (۲۴)
- منع تعذیب و شکنجه و رفتار موهن (۲۹)
- حقوق سیاسی، فرهنگی مواد ۳۳ الی ۳۷
- آزادی حرکت و مسافرت (۳۹)
- حق مالکیت (۴۰)
- حق تحصیل و تعلیم اجباری (۴۳)
- توسعه تعلیم زنان (۴۴)
- حق کار (۴۸) منع کار اجباری (۴۹)
- حق دسترسی به دادخواهی (۵۱)
- حق برخورداری از تداوی (۵۳)
- تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاختص طفل و مادر، تربیت اطفال و رفع رسوم ناپسند (۵۴)

## خشونت علیه زنان در معاهدات بین المللی

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱، ۵، ۶، ۷، ۸، ۲۵، ۲۹
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶، ماده ۷، ماده ۹، ۱۶، ماده ۲۶.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مواد ۶ و ۷، ۱۲، ۱۳.
- کنوانسیون حقوق کودک، مواد ۳، ۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۷.
- کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده
- کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ۵

## کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان :

خشونت از مظاهر تبعیض است.

- توصیه ی کلی شماره ۱۹ (جلسه ۱۱ سال ۱۹۹۲)
- خشونت علیه زنان
- خشونت بر مبنای جنسیت از مظاهر تبعیض بوده و به شدت توانایی زنان در برخوردارى از آزادی و حقوق شان بر مبنای برابری با مردان را تهدید می نماید.
- ۴. خشونت بر مبنای جنسیت از مظاهر تجاوز به حقوق بشر و آزادی های اساسی است.
- ۲۴. حکومت‌های عضو پیمان باید تدابیر لازم را برای:
- الف. رفع هر نوع خشونت بر مبنای جنسیت، در حریم خصوصی و عمومی اتخاذ نمایند.

- ب. دولتها باید تضمین کنند که قوانین پیشگیر از خشونت های خانگی، تجاوزات جنسی و دیگر تخطی های بر مبنای جنسیت حمایت مناسب و لازمه را برای تمامی زنان فراهم می آورد و انضمام آنها در اجتماع و نیز کرامت آنان را پاس می دارد. خدمات حمایتی مناسب باید برای زنان قربانی مهیا گردد.
- ج. اقدامات لازم برای رفع نگرشها و کنشهای زن ستیزانه اتخاذ گردد.

### اقدامات در راستای محو خشونت

#### اعلامیه جهانی محو خشونت علیه زنان

- ماده ۳
- زنان بطور برابر حق برخورداری و حفظ همه حقوق بشر و آزادی های اساسی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، و همه عرصه های دیگر را دارند. این حقوق از جمله شامل موارد زیر است:
  - (آ) حق زندگی،
  - (ب) حق برابری،
  - (پ) حق آزادی و امنیت شخصی،
  - (ت) حق حمایت بالسویه قانون،
  - (ث) حق آزادی از همه اشکال تبعیض،
  - (ج) حق بهره وری از بالاترین میزان ممکن سلامت جسمی و روانی،
  - (چ) حق شرایط عادلانه و رضایت بخش برای کار،
  - (ح) حق اینکه فرد مورد شکنجه یا دیگر مجازاتها یا رفتار خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز واقع نشود.

- ماده ۴

دولت ها باید خشونت علیه زنان را محکوم نموده و نباید هیچ رسم، سنت یا

ملاحظات مذهبی را برای وظیفه خود در رابطه با حذف آن بهانه کنند. دولت‌ها باید با استفاده از تمام شیوه‌های مناسب و بدون تاخیر یک سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان آن دنبال کنند، و باید:

(الف) اگر هنوز بطور کامل به «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» متعهد نیستند، آن را تصویب کرده یا بطور رسمی به عضویت آن درآیند و از قیدهای خاص درباره آن صرف نظر کنند،

(ب) از ملزم شدن به خشونت علیه زنان خودداری کنند،

(پ) همه کوشش‌های لازم را برای پیشگیری، انجام تحقیقات مربوطه و مجازات اعمال خشونت علیه زنان بر اساس قانون کشور خود انجام دهند، چه این اعمال توسط دولت انجام شده باشد و یا توسط اشخاص خصوصی.

(ت) در قوانین کشور لوایح رسمی کیفری، مدنی و کاری و اداری تهیه کنند که خطایی را که بر زنان تحت اعمال خشونت رفته مجازات و جبران کند، برای زنانی که تحت اعمال خشونت قرار می‌گیرند باید دسترسی به راهکارهای قضائی فراهم شود، و با پشتیبانی قوانین کشور، جبران موثر و عادلانه برای صدماتی که متحمل شده‌اند میسر باشد، دولت همچنین باید زنان را از حقوقشان در تقاضای جبران خسارت و توانیابی از طریق چنین راهکارهایی آگاه سازد،

(ث) امکان تهیه برنامه‌های ملی به منظور گسترش حمایت از زنان در مقابله با هرگونه خشونت، یا الحاق موادی برای این منظور در برنامه‌های موجود، یا در مواردی همکاری‌های ممکن با سازمان‌های غیر دولتی، بویژه سازمانهایی که درگیر مسئله خشونت علیه زنان هستند، را در نظر بگیرند.

راهکارهای پیشگیری و همه دستورات عمل‌های جامع حقوقی، سیاسی، اداری و فرهنگی که حمایت از زنان را در مقابل هرگونه خشونت ترویج می‌کند تدوین کنند، و تضمین کنند که قربانی شدن مجدد زنان به خاطر عدم حساسیت قانون به ملاحظات جنسی و شیوه‌های اعمال قانون و دیگر مداخلات دولتی اتفاق نخواهد افتاد.

(چ) درراه تضمین این که زنان تحت خشونت، و در صورت اقتضاء، فرزندان آنها، از کمک های ویژه مانند توانبخشی، کمک در نگهداری از کودکان و گذران زندگی، درمان، مشاوره، و خدمات بهداشتی و اجتماعی، مراکز و برنامه ها و سازمان های یاری رسانی که باید دیگر اقدامات لازم برای افزایش امنیت و توانبخشی جسمی و روانی آنان را انجام دهد، کار کنند.

(ح) مقادیر کافی برای فعالیت های مربوط به حذف خشونت علیه زنان را در بودجه دولت قرار دهند.

(خ) اقدامات لازم برای آموزش به ماموران انتظامی و مسئولین دولتی مسئول اجرای سیاست های مربوط به پیشگیری، تحقیقات و مجازات خشونت علیه زنان، انجام دهند تا این افراد به نیازهای زنان حساس شوند.

(د) اقدامات لازم، بویژه در زمینه آموزش، به عمل آورند که الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مرد و زن اصلاح شود و تبعیض ها، رفتارهای مرسوم و همه دیگر رفتارهایی که براساس ایده فرودستی یا فرادستی یک جنس و کلیشه رفتاری مرد و زن است، حذف شود.

(ذ) تحقیق، جمع آوری اطلاعات و آمار، بویژه در باره خشونت خانگی و رواج اشکال گوناگون خشونت علیه زنان را ترویج کنند و تحقیق درباره علل، ماهیت، میزان جدی بودن و نتایج خشونت علیه زنان و میزان تاثیر اقدامات برای پیشگیری و جبران خسارت خشونت علیه زنان را تشویق کنند، این آمار و یافته های تحقیق باید در دسترس عموم قرار گیرد.

(ر) اقداماتی در جهت حذف خشونت علیه زنان، بویژه آنان که در مقابل خشونت ضربه پذیر هستند، اتخاذکنند،

(ز) در گزارش های مربوط به اسناد حقوق بشر که به سازمان ملل متحد ارائه می دهند، اطلاعات راجع به خشونت علیه زنان و اقدامات انجام شده برای عملی کردن اعلامیه حاضر را جای دهند.

(ژ) تدوین دستورالعمل های مناسب برای کمک به عملی کردن اصول این اعلامیه حاضر را تشویق کنند.

(س) نقش مهم جنبش و سازمان های غیر دولتی زنان را در سطح جهانی در ارتقاء سطح آگاهی و کاهش مسئله خشونت علیه زنان تصدیق کنند.

(ش) فعالیت های جنبش و سازمان های غیر دولتی زنان را یاری رسانده و پیش ببرند و با آنها در سطح محلی، ملی و منطقه ای همکاری کنند.

(ص) سازمان های منطقه ای بین دولت ها را که عضو آنان هستند، تشویق کنند که حذف خشونت علیه زنان را، در صورتی که درخور است، در برنامه خود بگنجانند.

### اهمیت توجه به خشونت خانوادگی

- تعقیب عدلی و اعلام جرم بر علیه جرم مشهود، و انتقال خشونت از صحنه اجتماع به خانواده ها، خانواده را محیطی شخصی و محصور می دانند
- طبق قانون جزا، ماده ۴۷۶: در جرایم مندرج فصول (۵-۷-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷) این باب که از آن به زوج یا یکی از اصول یا فروع ضرر برسد، تحریک دعوا یا سایر اجراءات علیه شان جواز ندارد. مگر به شکایت مجنی علیه و دعوی جزایی قبل از صدور حکم قطعی با انصراف مجنی علیه از شکایت ساقط می گردد.
- انصراف اگر در جرایم مندرج فقره ی فوق بعد از حکم قطعی محکمه صورت گیرد، تنفیذ حکم متوقف می گردد.
- نگرش جامعه در مورد خشونت خانوادگی
  - والدین حق استفاده از تعذیب اولاد را دارند. معلمین در مکتب
  - جایگاه فرودست زنان (خرید و فروش تحت عنوان ولور، بدل و بد و غیره)
  - عدم تعریف درست و دقیق از سرپرستی مردان در خانواده

## بدرفتاری با اطفال

### عوامل مهم بدرفتاری:

- پرخاشگری زبانی
- وجود تضادها و تعارضات میان زن و شوهر
- عوامل مهم بدرفتاری مادر نسبت به طفل
  - پرخاشگری زبانی مرد نسبت به زن
  - شغل مرد
  - نارضایتی مرد نسبت به زندگی
  - کار زنان
  - سن زن، زنان زیر سی سال بیشتر قربانی خشونت می شوند.
  - تنبیه بدنی زن قبل از ازدواج توسط والدین و بستگان

### عوامل مهم بدرفتاری پدر نسبت به طفل

- تعداد فرزندان – هرچه بیشتر، خشونت بیشتر
- زن خانه دار
- ازدواج در نوجوانی
- اجتماع ناپذیری مرد
- تنبیه بدنی مرد در نوجوانی توسط مادر
- رشد در خانواده ای که پدر، مادر را لت و کوب می کرده
- خشونت فیزیکی شوهر علیه همسر

## ارتباط خشونت فامیلی و روابط اجتماعی

- اجتماع خشونت را امری طبیعی در نظر می گیرد.
- تقلید و یاد گیری از اجتماع
- جهت گیری های فرهنگی
- نقش های دختران و پسران. (دختران فرو دست بودن را فرا گرفته و پسران می آموزند که استفاده از خشونت را به کار برند).

## زنجیره عوامل خشونت خانوادگی

- ۱) ساختار جامعه بر اساس ۱. سلسله مراتب اقتداری --->. جهان بینی جامعه
- ۲) ارزشها و هنجارهای خشونت ؛ ساختار خشونت
- ۳) فراگیری ارزشهای خشونت و جامعه پذیری (قبول، تحمل و یا نفی آن)  
تحکیم ارزشها و هنجارهای خشونت
- ۱) ارزشگذاری فردی و اجتماعی در مورد خشونت
- ۲) موقعیت خانواده در اجتماع: انزوای اجتماعی (محیط کاملا خصوصی) و یا حمایت اجتماعی
- ۳) اعمال خشونت برای: حفظ مقام در سلسله مراتب اقتداری؛ نظارت بر رفتار دیگران
- ۴) ظهور خشونت

## عواقب خشونت علیه زنان

- عقب افتادن توسعه ملی
- افزایش بیسوادی
- افزایش فقر
- مرگ و میر فزاینده زنان و اطفال (نیم میلیون در سال)
- مسئولیت جانیان (آسیب پذیری زنان و اطفال)
- نقض حاکمیت قانون
- عقب افتادن توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور
- تحمیل هزینه سرسام آور برای رسیدگی به دوسیه ها و تداوی قربانیان
- افزایش خشونت فامیلی
- افزایش خود سوزی و خودکشی ها
- افزایش ترک منزل
- افزایش اعتیاد زنان و دختران
- افزایش جرایم زنان و اطفال (قتل، دزدی، قاچاق انسان و مواد مخدر، روسپیگری)
- افزایش بهره کشی از زنان و دختران (کار اجباری، بهره کشی جنسی)

## منابع

- قرآن کریم
- صحیح بخاری
- قانون اساسی
- قانون جزا
- معاهدات حقوق بشری
- اعلامیه جهانی منع خشونت علیه زنان
- رفع تبعیض از زنان، نوشته مهر انگیز کار
- خشونت خانوادگی "زنان کتک خورده" نوشته شهلا اعزازی
- Belsky , child maltreatment: An ecological integration, American psychologist, 1980

## آموزش جنسیت

... آن چه اتویایی و ایده آل است، دنیایی با مفاهیم ساختگی مردانه و زنانه نیست، بلکه دنیایی است با مفاهیم انسانی. دنیایی که هیچ مرد و زنی نیمه ی دیگر «آنیمایی»\* و «آنیموسی»\*\* خویش را از خود حذف نکند و به موجودی ناقص و مضحک مبدل نشود!

---

\* آنیما: نیمه ی زنانه وجود مرد

\*\* آنیموس: نیمه مردانه ی وجود زن

## اهداف

## هدف کلی

توسعه انسانی پایدار بر اساس تساوی جنسیتی.

## مقاصد:

- ۱- توسعه آگاهی
- ۲- توسعه ظرفیت در مسائل جنسیتی- (کار در محیط های اجتماعی، ادارات و....)
- ۳- افزایش توانایی زنان
- ۴- افزایش مشارکت زنان در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ....
- ۵- کاهش فقر اقتصادی در بین زنان- (به خصوص زنان سرپرست در خانواده ها)

## استراتژی ها:

- آشنایی با مفاهیم جنس و جنسیت
- تحلیل جنسیت در زندگی روز مره
- آشنایی با مفاهیم اساسی جنسیت
- تمرین تطبیق آموزشها در عمل
- تحلیل گامهای عملی در جهت تساوی جنسیتی

## بخش اول

## جنس و جنسیت

## ۱- جنس چیست؟

از نظر لغوی و در ادبیات جنس به معنای اصل و ذات هر شئی می باشد. به این معنا که وقتی می گویم که جنس مثلا یک پیاله از شیشه می باشد منظور آنست که اساس و ذرات سازنده آن پیاله (یعنی مولکولهای سازنده آن) شیشه می باشد. اما در اینجا مراد از جنس، اساس و ذات موجودات زنده می باشد. نر و ماده بودن خصوصیتی است که به همراه هر موجود زنده ای و به همراه جسم او به دنیا می آید و این موجود زنده به همراه همین «جنس» خود به زندگی خود ادامه می دهد. جنس در وجود انسانها و تمامی موجودات زنده طبیعی و «ثابت» است. با توجه به مطالب فوق می توان «جنس» را به صورت ذیل تعریف نمود.

**« جنس داده ای است طبیعی بیولوژیکی که به همراه هر موجود زنده ای به دنیا می آید. و «لایتغیر و ثابت» است.»**

بنابر این جنس تفاوت بیولوژیکی میان مونث و مذکر است. جنس را در ارتباط با بدن مرد و زن می سنجد. مسلم است که تفاوت‌های جنسی در میان تمامی موجودات زنده قابل بحث است.

## ۲- جنسیت (جندر) چیست؟

جندر عبارت است از داده های اجتماعی از طریق رسم و رسومات، شیوه های تربیتی در خانواده ها، عنعنات و... که در سطح هر اجتماعی در جریان است بدین معنی که جنسیت به تفاوت های اجتماعی و روابط میان مردان و زنان اطلاق می گردد. که در میان جوامع و فرهنگ های مختلف به صورت های گوناگون تجلی یافته است. جندر سلوک و طرزالعمل آموخته شده در یک جامعه، جمعیت و یا گروه اجتماعی معین است. افراد اجتماع با توجه به

تمامی داشته های خود ( دین، مذهب، سنت و عنعنات) شیوه ای خاص را در زندگی اجتماعی خود بر می گزینند که معین می سازد کدام فعالیت ها، از دیدگاه این اجتماع خاص مردانه است و کدام یک زنانه. جنسیت شامل رفتارها، نقش های اجتماعی و اندیشه های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می گذارد. جندر کلمه ایست که در باره نوعیت روابط، چگونگی، نقش ها، مسئولیت ها و حتی هویت اجتماعی مردان و زنان را به بحث می گیرد. و با به عبارت دیگر قالب های سلیقه ایی که اجتماع برای طرز زندگی مردان و زنان در روشنی مفاهیم فرهنگی طراحی کرده است به تعبیر دیگر جندر امتیازات یک جامعه است نسبت به هر دو جنس مردان و زنان جامعه و نیز محدودیت های آن جامعه است نسبت به هر دو جنس. می توان چنین گفت که جندر یعنی هویت، یعنی نقش ها و مسئولیت های زنان و مردان که با مد نظر قرار دادن ارزشهای فرهنگی، توسط اجتماع برای افراد آن جامعه تعیین می گردد.

با توجه به نکات فوق می توان گفت:

**«جندر یا جنسیت بررسی روابط و تاثیرات دو جنس مخالف بر یکدیگر است در سطح یک اجتماع خاص که عوامل فرهنگ ساز در این مسئله قویا دخیل می باشد».**

پس می توان گفت در حالیکه جنس در پیوند با بیولوژی انسان است، جنسیت (جندر) این پیوند را به بررسی می گیرد. مفهوم جنسیت به منظور تشریح تمام اسنادها، نسبتها، نقشها، فعالیتها و ... مرتبط با زن و یا مرد بودن در یک جامعه مشخص به کار می رود. هویت جنسیتی ما مشخص می سازد که ما در اجتماعی که زندگی می کنیم چگونه درک می شویم. و یا این که به عنوان یک زن یا مرد آن گونه روشی را که اجتماع در زندگی فردی-اجتماعی مان برایمان سامان داده است را مراعات نماییم.

از دو مطلب فوق می توان چنین نتیجه گیری نمود که جنس یک قانون طبیعی است که از بدو تولد با انسانها بوده، جهانی و غیر قابل تغییر است. در حالی که جوامع مختلف می توانند نقشهای متفاوت جنسیتی را بسازند و رفتارهای مشخص متفاوتی را از زنان و مردان توقع

دارند چنین توقعاتی می‌توانند با توجه به شرایط جامعه، وضعیت اقتصادی و یا بحران‌هایی نظیر جنگ و یا قحط سالی تغییر نمایند. از جمله عوامل موثر بر جنسیت، مرور زمان است. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی افکار از قبل طراحی شده توسط سنت و فرهنگ و ارزشهای فرهنگی هر ملت در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند جنسیت در بافت فرهنگی به صورت مشخصه‌های روانی، اجتماعی و تعاملی نمود می‌یابد.

آنچه مسلم است بدون در نظر گرفتن جنس، جنسیت قابل تعریف نیست جنسیت هر پدیده دیگری در علوم اجتماعی، با گذشت زمان تغییر می‌پذیرد. ادبیات مربوط به جنسیت از 50-۴۰ سال پیش تا به حال بسیار تفاوت کرده است. نظریه‌های آن دوره که حاکی از ایستا بودن جنسیت به عنوان مشخصه‌ای برای تعیین هویت بوده، اکنون با نظریه‌هایی که از طرف متفکرین دوره پسا تجدد مطرح می‌شود کاملاً در تضاد قرار می‌گیرد.

### ۳- تغییر نقش‌های جنسیتی در طول زمان:

نقش‌های جنسیتی در هر جامعه‌ای به طور طبیعی با مرور زمان و به شکل بسیار کند تغییر می‌نماید. به زبان دیگر می‌توان گفت که «نقش‌های جنسیتی متغیر است اما ثابت» این گفته بدان معناست که تغییر نقش‌های جنسیتی در یک جامعه آنچنان به آهستگی و کندی صورت می‌گیرد که عمر یک نسل بشری آن را کفایت نمی‌کند تا شاهد این تغییرات باشد. اما وقتی که این تغییرات را در طول تاریخ به بررسی می‌گیریم می‌بینیم که تغییرات عمده‌ای در طول قرن‌ها به وقوع پیوسته است. حال آنکه ما پدیده‌هایی و تحولاتی را در یک جامعه ممکن است شاهد باشیم که در مدت زمانی بسیار کم و به شکل قابل لمس در یک اجتماع انسانی ممکن است رخ دهد. تغییرات در حالات جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی (مثل جنگ)، اجتماعی (مانند مهاجرت) باعث تغییر در مسئله جندر در آن محدوده خاص می‌گردد

گفتیم که نقش‌های جنسیتی در طول زمان قابل تغییر است و دلیل آن را تغییر در شرایط زندگی مردم یک اجتماع دیدیم. پدیده‌هایی که باعث سرعت در تغییر نقش‌های جنسیتی یک اجتماع می‌گردد، در ذیل به شکل واضح تری به بحث گرفته شده است.

۱- وقوع جنگ: در میادین جنگی تعداد زیادی از مردان کشته می‌شوند. تاثیری که این مسئله بر خانواده‌ی او و نهایتاً اجتماع می‌گذارد این است که زن آن خانواده سرپرستی خانواده را به عهده می‌گیرد. در این صورت نیازهای این زن مثل نیاز به شغل و در آمد اقتصادی و ... متصور است. یعنی یک خانواده که مرد سرپرست آن بوده به خانواده‌ای تبدیل می‌شود که یک زن سرپرستی آن را به عهده دارد. این مسئله در سطح وسیع (مانند یک کشور جنگ زده) از دیدگاه جامعه‌شناختی تغییرات عمده‌ای را در سطح اجتماع ایجاد خواهد کرد. که اشغال و وظایف از طرف زنان و... از این جمله است. همچنین معمول بر این است که در زمان جنگ نقش اجتماعی زنان شدیداً افزایش می‌یابد. زنان در این زمان ویژه از آزادی عمل بیشتری برخوردار می‌شوند. و بخش حمایت از نیروی‌های جنگی را به عهده دارند حتی در بعضی از کشورها زنان در صحنه جنگ دوشادوش مردان جنگیده‌اند. اما تجربه

نشان داده است که بعد از ختم جنگ این حقوق ویژه از زنان صلب می شود و زنان دوباره به همان نقش های سنتی خویش باز می گردند.

۲- مهاجرت برای کار یابی: مهاجرت ها همیشه در طول تاریخ برای خانواده های مهاجرین مسئله ساز بوده است. این پدیده و تغییرات اجتماعی ناشی از آن به خصوص در کشور های بحران زده بسیار جدی مطرح است. این مسئله در دراز مدت باعث تفریق زوجین خواهد شد.

۳- تغییر در سطح زندگی: ارتقاء سطح زندگی افراد یک جامعه باعث تغییراتی در سطح اجتماعات انسانی آن جامعه می شود. بهبود وضعیت اقتصادی در یک جامعه باعث ایجاد مشاغل جدید در آن جامعه می شود. در چنین جامعه ای خانواده ها از وسایل مدرن تری استفاده خواهند کرد. و این تجهیزات نو فرهنگ خاص خود را نیز به خانواده ها تحمیل خواهد کرد. مثلا پخت نان و غذا در خانه توسط وسائل مدرن، آشپزی را برای مردان نیز میسر ساخته است.

۴- آموزش و پرورش و دست آوردهای جدید آموزشی: این مسئله قویا در تغییر نقش های جنسیتی یک جامعه دخیل است. کیفیت آموزش و پرورش باعث تغییر در کیفیت زندگی افراد آن جامعه خواهد شد. محصلینی که از مراکز تعلیمی و تحصیلی فارغ می گردند. اکثرا رو به مشاغلی می آورند که از آن رشته فارغ شده اند. این مسئله باعث تقسیم مشاغل بین هر دو جنس خواهد شد.

۵- اشتغال زنان به کارهای جدید: در هر جامعه ای یک سری ارزشها تعریف شده است کارهای ساختمانی به دلیل این که به نیروی جسمی زیادی ضرورت دارد در اکثر اجتماعات کاری مردانه محسوب می گردید. اما امروزه با ماشینی شدن کارهای ساختمانی بسیاری از این کارها را زنان نیز می توانند انجام دهند. مثلا هدایت دستگاههای بالابر، رانندن ماشین آلات راه سازی و... شغل هایی هستند که زنان نیز در پیش بردن این مشاغل نقش دارند. این فعالیت ها که قبلا مردانه محسوب می شده اکنون آن انحصار را از دست داده است. اشتغال زنان ممکن است به علت فشارهای اقتصادی باشد گر چه عواملی مثل تحصیل و .. عوامل مهم تری در این خصوص هستند.

۶- **امراض مسری:** این دسته از علت ها، علت هایی هستند که باعث تغییر در اکوسیستم جمعیتی می شود. بیماری ها همیشه مشکلات خاص خود را به جوامع انسانی تزریق می نمایند. به خصوص بیماری هایی نظیر ایدز و .... مسائل و احتیاط های خاص خود را می طلبد. در این نوع بیماری های واگیر و همگانی، شانس مبتلا شدن مردان بسیار بالاتر است.

۷- **تغییر در شرایط کاری:** تغییر در شرایط کاری معمولاً سهولت هایی را برای کارگران به همراه دارند. معمولاً شغل های شاقه مخصوص مردان است اما ایجاد این سهولت ها باعث رو آوردن زنان به آن شغل ها می شود.

#### ۴- تساوی حقوق جنسیتی - Gender Equity

Gender Equity را به انصاف جنسیتی نیز ترجمه کرده اند. این اصطلاح از کلمه انگلیسی Economics اقتباس شده و به این مفهوم است که به هر فرد و یا گروه به اندازه ای که آنها سرمایه گذاری نموده اند، با توجه به منبع ابتدایی آنها منفعت داده شود.

#### مفهوم انصاف جنسیتی در کشورهای اسلامی

عدالت جنسیتی یکی از بحث انگیزترین مسائل در سطح دولت مردان به خصوص دولت مردان کشورهای اسلامی است. در عدالت جنسیتی در کشورهای اسلامی بحث بر اسلامیزه کردن این مفهوم است. پایه گفتار جنسیتی نو اندیشان بر مبنای ارائه مفهوم جدیدی از عدالت جنسیتی است، این گفتار در توضیح و تبیین مفهوم عدالت از دو منبع مختلف استفاده کرده که عبارتند از رویکرد دینی به عدالت و رویکرد توسعه ای به عدالت. منبع نخست این گفتار، رویکرد نو اندیشان دینی و نحوه تفسیر آنان از عدالت به "justice" میباشد در این جا بحث رویکرد دینی به عدالت است. طرفداران این گفتار معتقدند نه تنها خدا عدل پسند است، بلکه اسلام و احکام اسلامی هم باید عادلانه باشند و معتقدند که

عادلانه بودن شریعت توسط عقل بشری قابل ادراک است و اگر عقل بشری موضوعی را عادلانه نداند، آن موضوع از نظر شرعی هم ناعادلانه است. سپس استدلال می کنند که چون عقلانیت بشری به دلیل تغییرات تاریخی در حال تغییر است، احکام مربوط به زن و مرد نیز که در یک دوره عقلانی و بنابراین عادلانه به نظر می رسید، در دوره دیگری می تواند غیر عقلانی و ناعادلانه باشد. دفاع از مفهوم عدالت جنسیتی و تاریخی بودن فهم بشر از عدل که توسط فمینیست های اسلامی مطرح شد تحت تاثیر اندیشمندان نوگرا است. بنابراین برای فهم بهتر گفتار این نو اندیشان باید به اندیشه های نوگرایان دینی مراجعه کرد.

نو اندیشان دینی معتقدند "عدالت مفهومی ثابت با مصادیقی معین در تمام تاریخ نیست، بنابراین اگر زمانی عرف عقلا حکمی را بر مدار عدل ندانست باید حکم به سرآمدن تاریخ مصرف آن را داد. باید عدالت را در هر عصری تعریف کرد. تفسیر ثابتی از عدالت نه تنها در مسایل مربوط به زنان و مردان بلکه در نظام سیاسی و اقتصادی هم وجود ندارد. تعریف عدالت در هر عصری به خود انسان ها واگذار شده است. ما باید از موضع عدالت حرکت کنیم و مقررات موجود را تغییر دهیم و تعدیل کنیم. این کار اجتهادی منطبق با پیام وحی است. (محمد مجتهد شبستری، نقد قرائت رسمی از دین)

منبع دوم این گفتار، ادبیات موجود در مورد "جنسیت و توسعه" است در این گفتار انصاف یا "equity" رویکرد توسعه ای به عدالت است. این گفتار توسط سازمان های بین المللی تولید شده است. در متون مورد استفاده این گفتار عدالت اغلب به معنی گسترش "رویکرد توسعه ای به عدالت" می باشد. استراتژی این مسئولان آن بود که بدون آنکه خود را وارد بحث هایی که جامعه سنتی در مورد آن حساس هستند بکنند، با شعار ساده "عدالت اقتضا می کند که تفاوت بین زن و مرد منشاء تبعیض بین دو جنس نباشد" گفتار خود را بین مردان حکومتی که دیدگاه های سنتی و مردسالارانه داشتند، مشروعیت می بخشیدند. عدالت جنسیتی از نظر کسانی که آن را به کار می برند به معنای رعایت انصاف درباره زنان و مردان است. وقتی که زنان و مردان از برابری کامل برخوردار نیستند در برخی از موارد لازم است که به صورت متفاوت با آنها رفتار شود. این تفاوت برای جبران محرومیت های اجتماعی و تاریخی زنان است. عدالت و توازن جنسیتی در همه زمینه های توسعه مد نظر است. در واقع عدالت جنسیتی یعنی توازن در دسترسی مردان و زنان به منابع اجتماعی - اقتصادی و فراهم

آوردن شرایطی که مردان و زنان بتوانند به صورت عادلانه در همه زمینه ها مشارکت فعالانه داشته باشند.

روی کرد دولتها در جوامع امروزی اجرای عدالت جنسیتی از طریق تبعیض مثبت و سهمیه بندی جنسیتی به نفع زنان است. اما در عین حال جاری سازی عدالت جنسیتی و دسترسی و کنترل زنان بر منابعی مانند "قدرت"، "ثروت"، "احترام" را لازمه تحقق عدالت جنسیتی می داند.

### ۵- برابری جنسیتی - Gender Equality

برابری جنسیتی از این بحث می کند که زنان و مردان باید فرصت برابر برای مشارکت در کسب منفعت از یک وضعیت معین را دارا باشند. به اصطلاح دیگر برابری جندر به معنی برخورد منصفانه با زنان و مردان مطابق به نیازمندی های مربوط شان می باشد. این امر می تواند شامل طرز رفتار برابر یا رفتاری متفاوت اما رفتاری که از لحاظ شرایط حقوقی، امتیازات، مکلفیتها، و فرصت ها معادل و هم ارزش باشد.

### ۶- تحلیل جنسیتی:

تحلیل جنسیتی نوع روش شناسی است که می خواهد تصور جامعی از سهم و نقش زنان و مردان در جامعه را مورد بررسی قرار دهد. فرض اصلی رهیافت تحلیل جنسیتی این است که لزوماً همه اعضای خانواده و جامعه به صورت برابری در منابع به دست آمده توسط خانواده و اجتماع سهم نیستند و از این رو نیازهای یکسانی هم ندارند. بنابراین تحلیل جنسیتی، تفاوت های زندگی مردان و زنان را بررسی می کند تا عواملی را که باعث نابرابری اجتماعی - اقتصادی برای ایشان شده است را شناسایی کرده و این امر را به سطح سیاست های توسعه بکشاند. در واقع تحلیل جنسیتی خواهان آن است تا علل این نابرابری ها را نیز کشف کند و تلاش می کند که تغییرات مثبتی را برای زنان به ارمغان آورد.

اجرای تحلیل فعالیتهای واقعی، رفتارها، منابع و نقشها با توجه به گروههای جنسی در اجتماع را گویند. تشخیص تفاوت میان مردان و زنان از این طریق ممکن می شود و علاوه بر این

پیوند های این عوامل و سایر عوامل را در یک چهار چوب وسیع تر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی مورد مطالعه قرار می دهد. فرض تحلیل جنسیتی این است که زندگی زنان و مردان و زندگی گروه های مختلف زنان متفاوت بوده و آنها نیازها، تجربه ها و ترجیحات مختلفی دارند. پس استراتژی های متفاوتی لازم است تا به نتایج یکسان برای زنان و مردان و گروه های متفاوت اجتماعی برسیم.

### تحلیل جنسیت و ابزار تحلیل جنسیت:

روش های تحلیل جنسیتی نوعی ابزار گردآوری اطلاعات کیفی هستند و معمولاً برای دو هدف استفاده می شوند. یکی برای توصیف موقعیت زنان و مردان در متن اجتماع و دوم برای ارزیابی برنامه های احتمالاً توسعه ای تا بتوان میزان اثربخشی برنامه را سنجید. این برنامه ها می توانند یک برنامه تلویزیونی - ترویجی، یک پروژه توسعه ای بین المللی و یا برنامه های توسعه دولتی باشد. تحلیل جنسیت یک ابزار پلان و برنامه ریزی است. متد و روش گام به گامی را برای شامل نمودن درست و مناسب مسایل جنسیت در پروژه ها و انکشافات اجتماعی را فراهم می نماید.

### انواع چهار چوب ها و مدل های تحلیل جنسیتی:

برای تحلیل جنسیتی از چهار چوب های علمی و نظام مند و مدل های خاصی استفاده میشود که در ذیل به آن اشاراتی داریم  
چند نمونه از مدل ها عبارتند از:

- |                          |                                  |
|--------------------------|----------------------------------|
| الف- مدل هاروارد         | ب- مدل موزر                      |
| ج- مدل آژانسهای توسعه ای | د- مدل های "تحلیل روابط اجتماعی" |
| ه- مدل توانا سازی        |                                  |

## الف - مدل هاروارد:

این مدل، در بعد شناخت، نیازهای زنان و اهداف پروژه را تعیین می‌کند. در بعد طراحی به تأثیر پروژه روی فعالیت‌های زنان و چگونگی کنترل و دسترسی زنان به منابع تأکید می‌شود. در بعد تکمیل و اجرای پروژه نیز، ساختار سازمانی، عملکرد امور مالی و انعطاف‌پذیری پروژه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بعد ارزیابی، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شده و پیشنهادات برای تحقیقات بعدی ارائه می‌گردد.

مهم‌ترین ایراد این مدل این است که پروژه مقدماتی را از این نظر که نیازهای زنان را بشناسد و براساس آن پروژه را پیش برد، در نظر نگرفته است. در عین حال پراکندگی در آن زیاد بوده و مدل می‌خواهد همه کارها را با یک ابزار روشی انجام دهد که در عمل غیرممکن خواهد بود.

## ب - مدل موزر:

در این مدل هدف این است که با شناسایی دقیق وظایف زنان و مردان و سنجش آنان، یک الگوی مبتنی بر جنسیت استخراج شود. و سپس براساس آن بتوان یک چهارچوب راهنما برای بازار کار، برنامه‌های توسعه و طرح‌های تحقیقاتی فراهم کرد.

در تشریح این مدل باید گفت "موزر" از دو جدول استفاده می‌کند. جدول اول وظایف زنان و مردان را برحسب دقیقه در طول ۲۴ ساعت شبانه روز مشخص می‌کند. سپس هرکدام از وظایف زنان یا مردان مجدداً در جدول دوم گنجانده می‌شود. در این جدول نیز تولیدی، بازتولیدی یا مدیریتی بودن وظیفه، داشتن پاداش و روزمره یا خاص بودن آن، زیستی یا فرهنگی بودن و پایگاه پروژه مورد نظر شناسایی می‌شود. موزر معتقد است این جدول کمک می‌کند که نمایی از روابط جنسیتی بین زن و مرد و حوزه‌های نابرابر آنها مشخص شود و در واقع به عنوان مبنایی برای طرح‌های توسعه مورد توجه قرار گیرد.

### ج- مدل آژانسهای توسعه ای:

مدل‌های تحلیل جنسیتی آژانس‌های توسعه‌ای معمولاً دارای چند پروفیل هستند. در پروفیل اول که پروفیل فعالیت نامیده می‌شود، فعالیت افراد مورد مطالعه اعم از زن و مرد، پیر و جوان و کودکان پرسیده می‌شود. در پروفیل دوم، میزان دسترسی افراد به منابع سؤال می‌شود. این منابع معمولاً شامل زمین، اعتبار، درآمد، آموزش و زمان هستند. سپس میزان کنترل افراد مختلف نسبت به این منابع مورد سؤال قرار می‌گیرد. بدین ترتیب نیازهای افراد نیز مشخص می‌گردد. در پروفیل سوم زمینه‌های اجتماعی که منجر به تقسیم‌بندی‌ها، تفاوت‌های بین زن و مرد در پروفیل‌های قبلی شده‌اند، شناسایی می‌شوند. در این پروفیل در واقع از عوامل و روندهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی برای تحلیل وضع موجود استفاده می‌شود. در پروفیل بعدی نهادهای تقویت‌کننده برای بهبود موقعیت زنان و مردان شناسایی شده و سپس فعالیت ایشان ارزیابی می‌شود.

### د- مدل‌های تحلیل روابط اجتماعی:

در معرفی مدل‌های "تحلیل روابط اجتماعی" باید گفت: این مدل‌ها از مطالعه بین فردی فراتر رفته و سعی دارند سطح تحلیل را به جامعه بزرگتر بکشانند. ماتریس تحلیل جنسیتی یک مدل روابط اجتماعی است که سعی دارد به تحلیل مسائل جنسیتی در طول زمان بپردازد. با استفاده از این مدل می‌توان یک محاسبه منحصر به فرد از مسائل جنسیتی به دست آورد و ظرفیت تحلیل جنسیتی را در سطح عام فراتر نمود. این ماتریس نوعی ابزار تحلیل جنسیتی است که پروژه را ارزیابی می‌کند و تغییرات نیروی کار، منابع، زمان و مقولات فرهنگی پس از انجام پروژه، براساس اهداف پروژه توسط این ماتریس سنجیده می‌شود.

### ه- مدل توانمندسازی:

در این مدل، توانمندسازی را به معنای افزایش فرصت‌ها برای کنترل زندگی شخصی میتوان تعریف کرد. این مدل بیان می‌کند که توانمندسازی باعث می‌گردد در فرد قدرت تصمیم‌گیری، ابراز و بیان برنامه‌سازی، مذاکره دربارهٔ مباحث جدید و قدرت درونی برای مبارزه با سنن قدیمی افزایش یابد.

مدل توانمندسازی در واقع مکانیزمی را برای ارزیابی برنامه‌های توانمندسازی و جنسیت ارائه می‌دهد که با هفت سؤال اساسی تأثیر جنسیتی پروژه را مورد سنجش قرار می‌دهد.

### هدف از تحلیل جنسیتی

- به دست آوردن منابع علمی و اطلاعات مبتنی بر جنسیت
- حصول اطمینان از توسعه متوازن هر دو جنس
- کاهش اثرات منفی اجتماعی
- ارزش‌گذاری موفقیت‌ها
- برجسته شدن تأثیرات مثبت در اجتماع
- ایجاد شرایط استفاده صحیح و همگانی (زنان و مردان) از منابع و دست‌داشته‌ها.

تحلیل جنسیتی با استفاده از یک چارچوب که قبلاً آزمایش شده و جهت گردآوری اطلاعات لازم مفید تشخیص داده شده انجام می‌شود. این چارچوب را برنامه‌سازان، پالیسی‌سازان، مدیران برنامه و پروژه‌ها در برنامه‌های شان بکار می‌برند، همچنین این متد را در هر بخش دیگر نیز می‌توان استفاده کرد.

## ۷- کلیشه های جنسیتی - Gender Stereotype

دیدگاههای ثابت اجتماعی در مورد این که زنان و مردان چگونه رفتار می کنند و چه کارهایی را باید در سطح اجتماع به دوش گیرند. مثلاً عموماً زنان از اطفال محافظت می کنند و فقط مردان مسئولیت پول در آوردن را به دوش دارند. کلیشه های جنسیتی ریشه در آداب، رسوم و سنتهای یک جامعه دارد. کلیشه های جنسیتی حدود و مرزها را بین دو جنس مشخص می نماید. این کلیشه ها به نحوی بسیار عمیق با آداب اجتماعی توأم است. به طوری که تخطی از این آداب واکنش بسیار شدید اجتماعی را در پی دارد.

## ۸- حساسیت جنسیتی - Gender Sensitivity

حساسیت جنسیتی واکنشی است که یک اجتماع نسبت به کنش های مردان یا زنان آن جامعه نسبت به بعضی از مسائل خاص و نو ظهور در آن جامعه از خود نشان می دهد. قالب های جنسیتی برای هر جامعه ای از طریق سنت، آداب، رسوم و فرهنگ آن جامعه تعریف شده است. حساسیت جنسیتی زبانی است در یک اجتماع سنی و نه لزوماً دینی که زنان و مردان را از شکوفا شدن استعدادهای نهفته شان باز می دارد و آنها نمی توانند فراتر از نقشهای معین شده اجتماعی را تجربه کنند.

## ۹- بستر سازی (شامل سازی) جنسیتی - Gender Mainstreaming

بستر سازی جنسیتی (شامل و در نظر گرفتن آن) برای اجرای توازن جنسیت به این مفهوم است که مشروعیت برابری جنسیت به عنوان یک ارزش بنیادین در گزینه های مختلف توسعه و انکشاف و نیز در عمل منعکس شده باشد.

مسائل جنسیت فقط مسائل زنان نیست بلکه وابسته به اجتماع می باشد. اهداف برابری جنسیتی، بستر فعالیتهای اقتصادی و سیاست گذاری اجتماعی را متحول می سازد.

برابری جنسیتی بیشتر از مرکز برنامه ریزی و فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیگیری می شود تا حاشیه آنها. یعنی باید در کانون این فعالیتها جای گیرد.

## ۱۰- اجتماعی کردن جنسیت - Gender socialization

در حالت کلی، انسان موجودی اجتماعی است و نمیتواند بدور از همنوعان خود زندگی با دوام و با کیفیتی را دنبال کند. او به شبکه اجتماعی نیاز دارد. این شبکه می تواند خانواده، اقوام و دوستان و جامعه ای باشد که او در آن زندگی می کند اما نقشها و مسوولیتها زنان و مردان در جوامع مختلف با یکدیگر فرق دارند. این نقشها و مسوولیتها نتیجه کیفیت اجتماعی شدن زنان و مردان در هر فرهنگ است. مثلا در یک فرهنگی صرفا مردان وظیفه ای را به دوش دارند که ممکن است در جامعه ای دیگر زنان نیز آن را اجرا نمایند. (عسکری زنان در بسیاری از کشورهای دیگر). تحت این مقوله پروسه ی اجتماعی شدن و تاثیر آن بر رفتار ما در خانواده، جامعه، مکتب و سازمانها بررسی میشود.

## ۱۰-۱- اجتماعی کردن جنسیت چگونه بر طراحی برنامه ها و پروژه ها تأثیر میگذارد؟

- ✓ در هم شکسته شدن حریم شغل ها برای یک جنس خاص:
- سنت ها در اجتماع جنسیت یک شغل را تعیین می نمایند که به عنوان مثال فلان شغل مردان است و فلان شغل زنانه. معمول در جوامع این است که فعالیتهایی که به نیروی فیزیکی زیادی نیاز دارند مخصوص مردان است. مانند کارهای ساختمانی. فیزیکی قوی مانند نگهبانی، کار ساختمانی و ... بدوش مردان است. با پیدایش ماشین آلاتی که انجام کار را برای کارگر ساده ساخته، زمینه اشتغال به این گونه شغل ها برای هر دو جنس در سطح جامعه فراهم شده است.
- ✓ **طراحی پروژه ها:** همان گونه که در بالا ذکر آن آمد سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی گاهی برخی از پروژه های اجتماعی را چنان طراحی می نماید که نیروی کاری در آن پروژه فقط از یک قشر خاص تامین می گردد. به عنوان مثال در برخی از کشورها عسکری فقط در حیطه مردان است.
- ✓ **اداره ی حکومت:** از گذشته ها، حاکمان جوامع مرد ها بوده اند. و تصمیم گیرنده های اصلی در سطوح بالای سیاسی را مردان تشکیل می داده اند. با تعریف مجدد نقشها تقسیم قدرت سیاسی میان هر دو جنس امکان پذیر خواهد بود.

## ۱۰-۲- اجتماعی کردن جنسیت چه تاثیری بر انتخاب شغل دارد؟

- ✓ شغل ها در اجتماعات قالبی هستند. مثلا پرستاری، آشپزی و ... در اکثر جوامع شغل هایی زنانه محسوب می شوند.
- ✓ با پیشرفت علم و تکنولوژی و ساخت ماشین آلات کمکی، دیگر شغل های شاقه مثل کارهای ساختمانی فقط مخصوص مردان نخواهد بود.

## ۱۱- تاریخچه جندر و درونمای آن

می توان گفت که جنسیت (جندر) با گذشت زمان تحول و تکامل یافته است. این مفهوم با شکل گیری نهضت های زنان در جهت دفاع از حقوقشان متولد شده و با تکامل و توسعه این نهضت ها به مرور زمان متحول شده به خود شکل و نظم می دهد. این امر همچنان پا به پای این جنبش های تساوی خواهانه تا به امروز پیش رفته با گذشت زمان و اخذ تجربیات نو، جندر نیز متحول شده و در هر برهه ی زمانی شکلی مناسب با حرکات اجتماعی آن دوره به خود می دهد.

## چهار دوره ی زیر در تاریخ جنسیت مشاهده میشود.

- دهه ۱۹۶۰- در مورد این دهه میتوان گفت تحرکات زنان کانالیزه می شوند. توجه سازمان ملل و نگرانی های این سازمان دقیقاً متوجه این حرکات می باشد. می توان گفت تحرکاتی که در طول ده های گذشته جامعه انسانی مغرب زمین را آباستن پدیده ای به نام « به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان- جندر و فمینیسم » کرده بود. در این دهه شاهد تولد این پدیده در سطح اجتماع بود. در این دهه جنبش های آزادی خواهانه زنان زیاد شده است. دولتها نگرانی های خود را از پدیده ای که در حال وقوع است را دارند. گرایشهای جنسیتی به شکل قابل ملاحظه ای در اروپا و آمریکا قد علم کرده است. اولین تحرکات زنان از کمبود حقوق آنان نسبت به مردان در کشورهای غربی و آمریکا شروع شد. اما این خواسته ها به مرور زمان و در این دهه به نهایت خود رسید در اثر این تحرکات اجتماعی کم کم وجود نهاد های حمایتی احساس شد و اینگونه بود که نهادهای دفاع از حقوق زنان و حقوق بشر پا به میدان گذاشت. این نهادها این گونه حرکات را منسجم ساخته نیروی های مخالف و اپوزیسیون را در مقابل دولتها تشکیل دادند. این نهاد ها مظاهرات های متعددی را ایجاد کردند. و تبلیغات در جهت احقاق حقوق زنان را منسجم ساخته آن را کالیزه کردند. این نهادها باب گفتگو را با دولتها باز نموده مستقیماً از حقوق

زنان دفاع می نمودند. خواهان حقوق قانونی و حقه زنان بودند از جمله این حقوق تساوی قانونی مرد و زن را در مقابل قانون، تعادل معاشات بین مردان و زنان، ایجاد شرایط مناسب برای کارایی زنان در سطح اجتماع و خلاصه خواهان در دست رس قرار گرفتن کلیه منابع موجود برای زنان بودند.

- دهه ۱۹۷۰: دهه ویژه زنان - در این دهه نهادهای دفاع از حقوق زنان و حقوق بشر تقریباً به یک مسئله می اندیشیدند و آن مسئله زنان بود و حقوق و آزادی هایی که این جنبش ها می خواستند. این همکاری های در مسائل زنان باعث ایجاد حرکتی شدیداً رو به توسعه در جوامع غربی شد. تا جایی که ایجاد گران و کارشناسان این تیوری، پیوسته برای ساختن زنان در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داد خواهی می کردند و این جنبش دست آورد های چشمگیری را نیز همراه داشت. که می توان از راه یابی زنان به کنگره ی آمریکا برای رای دهی، ایجاد کمیسیون خاص ملل برای زنان، نامگذاری این دهه بنام دهه زنان یاد کرد و خلاصه این جنبش توانست به ضروریات عملی و کارکردی زنان پاسخ گو باشد. آن ضروریات عبارت بودند از غذا، صحت، سرپناه، تعلیم، و دسترسی به منابع مثل زمین و امتیازات دیگر. این جنبش ها به دنبال این تغییرات باعث ایجاد دیگر تغییراتی در سیاست ها و قوانین مختلف کشور های اروپایی و آمریکایی شد که می توانیم از تغییر در موارد تقنینی کنگره ی آمریکا به عنوان نمونه یاد آوری نماییم. این دهه، دهه ی توسعه و انکشاف اجتماعی است. در این دوره سهم گیری زنان در فعالیت های اجتماعی و مسائل توسعه اجتماعی از اهم مسائل بوده و تاکید فراوانی در باره شامل ساختن زنان در مسائل انکشاف بوده است. پروگرام های جدا گانه برای زنان طرح و اجرا شد. این رویکرد را «زنان در توسعه» نامیدند.

- دهه ۱۹۸۰: رویکرد "زن در توسعه" کنار گذاشته شد. استفاده از جندر برای شامل ساختن نظریات و نگرانی های هردو جنس زن و مرد در برنامه ها و فعالیت های انکشافی شروع شد. و دلیل آن را می توان در شکست در روند «زن در توسعه»

جستجو نمود. زنان در دهه گذشته تقریباً امتیازات زیادی به دست آورده بودند. اما به یکسانی با مردان جامعه نرسیده بودند. کارشناسان یک دلیل آن را در ایجاد فاصله بین زنان و مردان یافتند. از این به بعد سعی در استفاده از روشی نظام مند شد که بتواند زنان و مردان را در کنار یکدیگر و نه با ایجاد فاصله بین آنها به انکشاف پایدار برساند. در نتیجه سعی و تلاش کارشناسان بخش انکشاف پدیده ای جدیدی که "جندر در توسعه" نام داشت، روی کار آمد. این تیوری یا روند در باره روابط، مسؤلیت ها، و نقش های مردان و زنان در یک اجتماع بحث می کند و به این عقیده است که با وجود اینکه مردان و زنان ضروریات و مشکلات مختلف دارند می توانند در اجتماع و در کنار یکدیگر به انکشاف اجتماعی برسند. در این رویکرد زنان و مردان هر دو باید سهم فعال داشته باشند. این تیوری نوعیت و چگونگی روابط میان مردان و زنان یک اجتماع را به بحث می گرفت. اعتقاد در این روند بر این بود که جندر به مهنای تمام مسؤلیت ها و نقش هایی است که اجتماع برای زنان و مردان تعیین کرده است و نظر به گذشت شرایط و حالات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل تغییر نیز می باشد.

- دهه ۱۹۹۰: در این دوره جوامع بشری یک دهه تجربه موفقانه را پشت سر گذاشته است برنامه «جندر در توسعه» تا جایی کارآیی مثبت خود را نشان داده است. بنابراین باید آن برنامه ها توسعه یابد. برنامه های توسعه متناسب بین هر دو جنس (جندر) شروع شد. اما اصطلاح جندر به دلیل رویکرد قبلی "زن در توسعه" معادل زنان پنداشته می شد. چرا که در آن رویکرد تاکید بیشتر در مورد فعالیت های زنان بوده است.
- دهه ۲۰۰۰: می توان گفت که فعالیت ها در این دهه نیز به دنباله حرکات دو دهه قبلی است. در این دهه نیز تاکید برزن و مرد است و طراحی پالیسی جندر که به موضوع و عوامل عدم توازن جنسیتی در انکشاف می پردازد و عدالت جنسیتی و نهادینه شدن آن را حمایت و ترویج می نماید.

## ۱۱-۱- خصوصیات پروژه های «زنان در توسعه»:

گفتیم که روی کرد زنان در توسعه اولین حرکت تقریباً افراطی در خصوص زنان در مغرب زمین بود که در دهه ۱۹۷۰ میلادی به وقوع پیوست برای اخذ راه کارهای مناسب در خصوص جنسیت بررسی تاریخ گذشته می تواند راه گشای امروزی ما باشد. حال به بررسی نقاط ضعف و قوت این روی کرد میپردازیم.

## نقاط ضعف:

- گروه مورد هدف فقط زنان بودند.
  - در این روی کرد هیچ توجهی به مردان نشده بود.
  - فعالیت ها فقط به منظور حل مشکلات زنان بود و به مسائلی بالاتر از آن فکر نمی شد.
  - فقط به نیازهای کوتاه مدت فکر می شد. و پلانی دراز مدت در دست نبود.
  - به نیازهای اساسی زنان توجه نشده بود.
  - توجه بیشتر به مسائل مالی و حل مشکلات اقتصادی زنان بود.
  - به نیازهای اقتصادی زنان توجه جدی شده بود.
- با وجود این که این روی کرد نقاط ضعف خاص خود را داشت اما وجود موانعی بر سر راه این روی کرد تاثیر آن را بیشتر به چالش خواند.

## ۱۱-۲- این مسائل به شرح ذیل بودند:

- میزان سواد زنان پائین بوده است.
- مردان فراموش شده و گاهی کارشکنی می کردند.
- مدیریت و استفاده از تکنالوژی هنوز در دست مردان بودند.
- فاکتورها و عوامل فرهنگی نقش های جندر در نظر گرفته نشدند، تقسیم کار و ارتباط قدرت نیز فراموش شده بود.
- پروژه ها و فعالیت ها توسط تمویل کننده ها تعیین می شد.

## ۱۱-۳- مقایسه ی دو رویکرد اجتماعی:

دهه های ۱۹۷۰ - (زنان در توسعه) و ۱۹۸۰ - (جنسیت در توسعه).

الف- از نظر نوع فعالیت : در رویکرد زنان در توسعه در دهه ۱۹۷۰ تمرکز مطلق بر زنان است مردان به فراموشی سپرده شده اند. زنان مستقیماً گروه مورد هدف در فعالیت های اجتماعی است. در حالی که در رویکرد جنسیت در توسعه در دهه ۱۹۸۰ ایجاد قدرت در زنان و توانمندی آنان مهم ترین هدف می باشد. در این دهه زنان یک دهه تبعیض مثبت به نفع خود را پشت سر گذاشته اند و از آن نتیجه ای را که باید و شاید بگیرند را اخذ نکرده اند. بنابراین در این دهه رویکرد بر گذر نامتوازن از تبعیض بین دو جنس است. و همگان در جهت توسعه متوازن در تلاشند.

ب- از نظر اهداف: در رویکرد زنان در توسعه در دهه ۱۹۷۰ - اهداف در فعالیت های اجتماعی بر طرف شدن مشکلات زنان است این اهداف همگی کوتاه مدت هستند. اما در دهه ۱۹۸۰ - ارتباط میان زنان و مردان یکی از شاخصه های انکشاف اجتماعی محسوب می شود و برای اهداف بلند مدت برنامه ریزی می شود.

## ج- بررسی مشکلات:

زنان در توسعه به محرومیت زنان می اندیشد توجه به مشکلات و نیازهای زنان دارد. و در پی برآورده ساختن این نیازهای زنان است. فعالان اجتماعی در این دهه بر این باورند که زنان در پروسه انکشاف هیچ نقشی ندارند و سعی بر نقش دادن آنها در فعالیت های اجتماعی دارند. در این دوره ما شاهد هیچ گونه تعیین هدف و سیاست گذاری خاصی نیستیم فعالان به چیزی که نمی اندیشند پلان ریزی یک سیستم کارا در پروسه انکشاف اجتماعی است. اما در رویکرد جندر در توسعه فعالان اجتماعی به این ضعف های قبلی آگاهی یافته اند. آنان در این دهه بیشتر به دنبال انکشاف متوازن و همگون زنان و مردان هستند. ارتباط نامتوازن قبلی جای خود را به یک رابطه معقول و منظم داده است. می توان گفت در این دوره زنان و مردان در یک پروسه انکشاف عادلانه سهیم هستند.

در پروسه جندر در توسعه به نیازهای استراتژیک ارزش داده شد. نیازهای استراتژیک نیازهایی هستند که معمولاً در دراز مدت حاصل می شوند، در تمام سطح جامعه آن نیاز احساس می شود اعم از زنان و مردان، این نیازها در بین گروههای محروم بیشتر مشهود است، معمولاً در جهت دست رسی به نیازهای استراتژیک یک پالیسی مشخص مد نظر گرفته میشود گر چه این نیازها به آسانی تشخیص هم نمی شوند و نیاز به تحقیق و مطالعه دارند. پدیده هایی چون رهایی از خشونت های رایج در جامعه و... از این قبیل اند.

برخی از مسایل جنسیتی: تقسیم کار و خشونت علیه زنان

#### ب-۱۲ - سقف شیشه ای:

عبارت سقف شیشه ای برای توضیح موانع غیر قابل رویت، ناشی از یک مجموعه مغلق ساختارها در ادارات تحت تسلط مردان، بکار می رود که از رسیدن زنان به موقف های بلند در زمینه های مدیریت و پستهای معتبر اداری جلوگیری می نماید. پدیده مذکور تقریباً همه جہ با وصف سطح بلند شایسته گی زنان و اجراءات کاری آنها، مستولی می باشد. آمارها و تحقیقات نشان داده که این امر حد اقل تا حدودی نتیجه تبعیض پایدار علیه زنان در کار است.

#### ۱۳- تقسیم کار بر اساس جنسیت:

تعریف مرد به عنوان نان آور خانواده و تلقی وابسته بودن زن به او به عنوانی یک موجود تبعی، برخاسته از سنت های قدیمی و خانواده گسترده و شرایط دهه های پیشین است. در حالی که آنچه شرایط فعلی - چه در کشورهای صنعتی و چه کشورهای در حال توسعه - به دست می دهد، تصویر بسیار پیچیده ای است که دیگر "نان آور ضرورتاً مرد نیست" بلکه زنان در بازار کار و در حیات اجتماعی حضور بیشتر و فعال تری پیدا کرده اند. در سطح اجتماعات انسانی خانواده هسته ای به جای خانواده های گسترده نشسته است و اشکال جدیدی از خانواده به ویژه در کشورهای صنعتی به وجود آمده و در حال رشد است.

جوامع زیادی نیز با افزایش نرخ طلاق مواجه‌اند و این موضوع زنان را آسیب‌پذیر می‌سازد. در جوامعی که زنان برای مراقبت از کودکان مسؤو‌لند، فرصت حضور در بازار کار را به منظور پرورش کودکان از دست می‌دهند. در سراسر جهان نرخ خانوارهای زن سرپرست (و کودک سرپرست در کشورهای در حال توسعه) رو به افزایش است. جمعیت رو به سالمندی می‌رود و زنان بیشتر از مردان می‌زیند. از این رو زنان فقیر نیز از مردان فقیر کمی بیشتر عمر می‌کنند. بیوگی تجربه مشابه اکثر زنان متأهل است که بیانگر رشته‌ای از ناامنی‌های ویژه است. ناامنی‌هایی همچون از دست دادن درآمدی که شوهر (نان‌آور) کسب می‌کرد و از دست دادن احترام و پایگاه در درون خانواده.

در افغانستان بیش از ۶۰ درصد نیروی کار کشور در بخش غیررسمی فعالند، و با توجه به افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان و نیز شرایط محدود بازار کار و عوامل محدود کننده مضاعف زنان، انتظار می‌رود، سهم زنان در بازار کار رسمی و غیررسمی روند رو به افزایشی داشته باشد. در "زمان‌های قدیم" حمایت از زنان از طریق پایگاه وابسته آنان تبعیض‌آمیز اما کارا بود. اکنون با درصد فزاینده فروپاشی خانواده این حقوق هم تبعیض‌آمیز و هم ناکارا هستند.

زنان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌های شدیدی مواجه هستند که مانع از مشارکت فعال آنان می‌شود. نخستین این محدودیت‌ها، نقش سنتی زنان در جامعه و تصور غلط در مورد غیرمولد بودن آنهاست و اینکه باید صرفاً به انجام وظایف خانوادگی بپردازند. این امر باعث حضور حاشیه‌ای زنان در جهان کسب و کار می‌شود، انتخاب فرصت‌ها و تصدی مشاغل اقتصادی را محدود می‌سازد و ریشه اصلی مسئولیت سنگین و محدودیت زمانی برای زنان می‌باشد. انجام فعالیت‌های درآمدزا همراه با انجام وظایف مادری و مرتب کردن خانه که بدون دستمزد انجام می‌گیرد، غالباً وقت و انرژی کافی برای زنان در مجامع و انجام سایر مسئولیت‌ها باقی نمی‌گذارد.

اما با توجه به همه این مسائل تا به امروز پیشرفت‌های زیادی در زمینه بسط حقوق کار زنان و حضور آنها در عرصه استخدام با معاش صورت گرفته، ولی زنان هنوز هم نسبت به همتا

های ذکورشان خود را بسیار آسیب پذیر می یابند. استخدام زنان هنوز در کارهای غیر معیاری، کم مهارت با عاید کم معمول است. امکانات اجتماعی که آنها را قادر می سازد تا زندگی خود را همچون مردان و در سطحی مساوی با مردان عیار سازند کمتر در اختیار این قشر می باشد. تعداد زنان در پستهای مهم اداری- کشوری، و پست های تصمیم گیری بسیار اندک است. در اکثر نقاط جهان مردان هنوز نان آور خانه اند و زنان در خانه به اداره امور منزل می پردازند. به آنها اجازه فعالیت در بیرون از منزل کمتر داده می شود.

امروزه ساختار خانواده در اکثر نقاط جهان تغییر کرده یکی از این تغییرات افزایش روز افزون مادران مجرد است. مسلم است این مادران مجرد به یگانه تامین کننده مخارج زندگی خانواده مبدل می گردند و این در حالی است که عدم تساوی جنسیتی در رابطه با توزیع عادلانه کار بین طبقه ذکور و اناث در اجتماعات انسانی بی داد می کند.

علاوه بر این زنان به علت شرایط نابرابر بازار کار، مهارت پایین و مهم تر از همه نبود سازگاری بازار رسمی کار با شرایط و مسئولیت های خانوادگی که در جهان سوم عمدتاً بر عهده زنان است، بیش از مردان از بازار رسمی محروم شده و به فعالیت ها و اقتصاد غیررسمی روی آورده اند و این خود بر سختی وضعیت زنان در بازار کار و در زندگی اجتماعی افزوده است.

در حالی که به ویژه خطرات اجتماعی و اقتصادی موجب آسیب پذیری افراد و گروه ها (به ویژه زنان) شده، بیکاری آنان را در پی داشته و افراد بیشتری را به سوی فعالیت های غیررسمی سوق می دهد و آنان را از پوشش تأمین اجتماعی رسمی خارج می سازد و به این ترتیب بر آسیب پذیری آنان می افزاید.

بانک جهانی برای تشویق و پیشبرد برابری جنسیتی ( با سوگیری مثبت به زنان) راهبردی سه گانه را پیشنهاد می کند که اولین جزء آن اصلاح نهادها برای استقرار حقوق و فرصت های برابر برای زنان و مردان است.

جزء دوم، ترویج توسعه اقتصادی با تقویت مشوق‌هایی برای منابع و مشارکت برابر را در برمی‌گیرد. قسمت سوم این راهبرد، اتخاذ اقداماتی فعال برای مواجهه با اختلافات ماندگار در تسلط بر منابع برخورداری از مشارکت سیاسی است.

بانک جهانی برای تشویق برابری جنسیتی سه حوزه سیاستی را تعریف می‌کند:

- تشویق برابری جنسیتی در دسترسی به منابع و ظرفیت درآمدزایی که شامل آموزش، منابع مالی (پس انداز و اعتبار)، اشتغال و سیاست بازار کار می‌شود.

- کاهش هزینه‌های فردی ایفای نقش‌های خانوادگی به وسیله زنان

- تدارک حمایت اجتماعی متناسب با جنسیت

در بررسی رویکرد ائتلاف بین‌المللی زنان در اشتغال غیررسمی، جهانی‌سازی و سازماندهی مشاهده می‌کنیم این ائتلاف که در سال ۱۹۹۷ بنیاد شده و به WIEGO مشهور است، یک همگرایی بین‌المللی برای حمایت از سازماندهی کارگران زن در بخش غیررسمی است. ائتلاف مذکور تشکل‌های کارگری موجود زنان را که برخی از آنها خود شبکه‌های بین‌المللی هستند همانند (Home net) یا شبکه خانه، (Home workers) یا کارگران خانگی، (Street net) یا شبکه خیابان،

### (Pelf Employed women's Association)(SEWA-india

یا اتحادیه‌های ملی از قبیل "انجمن زنان خود اشتغال هندوستان" را در بر می‌گیرد.

ائتلاف بین‌المللی زنان در اشتغال غیررسمی، جهانی‌سازی و سازماندهی در دفاع از حقوق زنان کارگر در بخش غیررسمی در سطح بین‌المللی به ویژه در اصلاح و انطباق "مقاوله‌نامه کار خانگی" مؤثر بوده است. به اعتقاد ائتلاف بین‌المللی زنان در اشتغال غیررسمی، جهانی‌سازی و سازماندهی کارگران بخش غیررسمی به دلایل زیر بایستی در اولویت قرار گیرد:

- بخش غیررسمی پایدار و مستمر است.

- این بخش در حال رشد است در حالی که بخش رسمی برحسب توانایی سازمانی رو به افول است.

- این دو فرآیند در کوتاه مدت و میان مدت به هم تنیده و از هم جدایی ناپذیرند.

- در نتیجه تثبیت سازمانی بخش رسمی به سازماندهی بخش غیررسمی بستگی دارد.

به این ترتیب این ائتلاف در رویکرد به حمایت و تأمین اجتماعی دو موضوع را در اولویت قرار می‌دهد؛ این دو اولویت همان بخش غیررسمی و کارگران زن فعال در این بخش است. به عبارت دیگر رویکرد ائتلاف بین‌المللی زنان در اشتغال غیررسمی، جهانی‌سازی و سازماندهی به حمایت اجتماعی غیررسمی است که از شرایط و نیازهای کارگران زن شاغل در بخش غیررسمی و تجربیات بین‌المللی حمایت‌های اجتماعی در این حوزه برخاسته است.

زنان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به شکل منزوی و طرد شده، در بخش غیر رسمی اقتصاد فعالیت دارند و دستمزد ناچیزی دریافت می‌کنند. آن‌ها با تشریک مساعی در قالب تعاونی‌های کوچک می‌توانند به ابزاری برای نیل به اهداف و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دسترسی پیدا کنند. نمونه بارز آن را می‌توان در دستاوردهای اتحادیه زنان خویش‌فرما در هند مشاهده نمود.

ILO - سازمان بین‌المللی کار در چهارمین کنفرانس بین‌المللی در باره زنان که در سال ۱۹۹۵ در بیجینگ تدویر یافت در پی تلاشهای مکرر خویش در ارتباط با رعایت تساوی جنسیتی در توزیع کار و رعایت کنوانسیونهای بنیادی ILO تاکید ورزید.

کنوانسیون بین‌المللی کار در هشتاد و ششمین اجلاس خویش در سال ۱۹۹۸ اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در باره اصول اساسی و حقوق هنگام کار و اسناد متمم بعدی آنرا به تصویب رساند. در این اعلامیه تصریح گردیده که تمامی کشورها در ارتباط به رعایت اصول اساسی کار مکلفیت دارند. و یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل رعایت توزیع کار بر اساس تساوی

جنسیتی می باشد. لازم به توضیح است که قوانین سازمان بین المللی کار به طور کلی دارای ویژگی "بی طرفی جنسیتی" هستند یا به عبارتی مسئله جنسیت را یاد آور نشده این به معنای سهم مساوی برای هر دو جنس می باشد.

## ۱۲- خشونت جنسیتی:

**خشونت چیست:** در تعریف خشونت آمده است

« هر نوع رفتار یا عملی که باعث آزار و اذیت روحی و یا جسمی انسان شود را خشونت گویند. به بیان دیگر هر نوع تعرض به حقوق یک انسان خشونت محسوب می گردد چه بالفعل باشد یا بالقوه».

■ تعبیر خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد:

(الف) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می افتد، از جمله کتک زدن، آزار جنسی دختر بچه ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، نزدیکی بدون رضایت توسط شوهر، و بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان،

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در حوزه زندگی جمعی و اجتماع اتفاق می افتد، از جمله تجاوز، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن فروشی اجباری،

(پ) خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود.

## ۱۲- الف-انواع خشونت مبتنی بر جنسیت

- ۱- خشونت های فیزیکی (لت و کوک کردن زنان توسط شوهران و اقوام شوهر).
- ۲- خشونت های لفظی (فحش و دشنام دادن به خصوص به زنان توسط شوهرانشان)
- ۳- خشونت های اقتصادی (ندادن نفقه توسط شوهر، گرفتن درآمدهای زنان توسط شوهر و یا خانواده).
- ۴- خشونت های اجتماعی (منع زنان از حضور در اجتماع، مکاتب، و کار بیرون از منزل، نداشتن امنیت در جامعه).
- ۵- خشونت های فرهنگی (زدن بر چسب های نامناسب به زنان مانند ناقص العقل بودن، سیاه سر، عاجزه، و...)
- ۶- خشونت های روانی (در صورت کوچکترین نا ملایقات از طرف زن به او نسبت های ناروایی داده می شود).
- ۷- خشونت های قضایی (عدم دسترسی راحت و آسان زنان به محاکم).
- ۸- خشونت های معنوی (ترک خانواده توسط مرد به دلیل نفرت از زنش).

۱۴- پاتریارکالیزم (مردسالاری) - نقطه مقابل دید گاه تساوی و تعادل جنسیتی پاتریارکالیزم (مرد یا پدر سالاری) یک پدیده جهانی است که در اشکال و ابعاد متفاوت، هنجارهای غالب در جامعه بشری را شکل می بخشد. سیستمی که جامعه پاتریارکال بر آن بنا نهاده شده است، مجموعه ای از رویکردها و قراردادهای اجتماعی اند که در آن مردان مستحق شمرده میشوند تا بر زنان اعمال حاکمیت نمایند. در بستر این قراردادها، هر گونه بهره برداری از زنان و ستم ورزی بر آنها توسط مردان، حق طبیعی مردان پنداشته می شود. پاتریارکالیزم در افغانستان، آمیخته با سنت و آموزه های دینی است که در یک تعامل نمادین هنجارهای غالب و حاکم جامعه را پی میریزد. اما رفت و آمد ادیان مختلف و تاثرات آنها در اخلاق و الگوهای رفتاری مردم، پاتریارکالیزم را در افغانستان، به یک قرارداد ماندگار و مقدس اجتماعی تبدیل کرده است. خلط آموزه های دینی ادیان مختلف سبب گردیده تا این قرارداد اجتماعی در بستر باور های دینی تقدیس گردیده و در اشکال فرامین خداوندی در تمام

مناسبات و تعاملات اجتماعی در کل دنیا و برای تمامی جوامع و در تمامی ادیان راه یابد. درگستره ی باور و هنجارهای پاتریارکالیزم، جنس یا همان تفاوت بیولوژیک زن و مرد، معیار ارزشها و توانمندیهای انسانی محسوب میگردد. مرد به عنوان موجود برتر، توانمند، الگو ساز و معیار آفرین مستحق شمرده میشود تا بدون توجه به موجودی بنام - زن- برای آن مرز و معیارهای شخصیتی و اخلاقی را- تعیین و تشخیص نمایند. در نظام پاتریارکالیزم - زنان بدلیل زن بودن شان فاقد بسیاری از ارزشهای انسانی تصور میگردند که تنها در جلوه گاه رنگین نفسانی مردان، اهمیت و اعتبار می یابند و خارج از این میدان مغناطیسی، در حد یک حیوان دست آموز نزول شان می کنند. اندیشه های پاتریارکال در اشکال قراردادهای زنده ء اجتماعی، در تمام عرصه های زنده گی تجلی گر اند. بطور مثال؛ ادبیات فارسی به عنوان بخشی از میراث کهن و تسلسلی از ارزشهای تاریخی، پر است از شاعرانی که اندیشه های زن ستیزانه شان را در قالب کلام موزون عرضه کرده اند. سعدی شیرازی و ناصر خسرو قبادیانی، دو نمونه ء برجسته از این شاعران اند که اندرز گونه های ماندگار در نحو رفتار با زنان و بهره برداری از آنان- برای مردان دارند که از آن جمله میتوان به این ابیات از ایشان اشاره کرد.

دری خرمی بر سرایی ببند      که بانگ زن از وی نیاید بلند

چو زن راه بازار گیرد بزن      وگر نه تو درخانه بنشین چو زن

.....

چو در روی بیگانه خندید زن      دگر مرد گو لاف مردی مزین

زیگانه گان چشم زن کورباد      چو بیرون شد از خانه در گور باد

زن نو کن ای دوست هر نوبهار که تقویم پارینه ناید به کار(۳).

به گفتار زنان هرگز مکن کار زنان را تا توانی مرده انگار

زنان چون ناقصان عقل و دین اند چرا مردان ره آنان گزینند

منه بر جان خود بار زرو زن قدم بر تارک این هردو بر زن(۴)

به باور ادیان ابراهیمی اول مردان توسط خداوند آفریده شده است و زن را خداوند بعد از آفرینش مرد آفریده است. این داده ی دینی متاسفانه در عده ای این باور را ایجاد کرده است که مردان از زنان برتری دارند. زیرا اول و برتر آفریده شده اند. در آموزه های دینی تقریباً در کل ادیان زنده جهان مرد ملزم به حمایت از زن است در جامعه پاتریارکال، زنان موجود حقیر و انسانهای ناقص العقل پنداشته میشوند که وظیفه و اصلی آنان تولید نسل و فراهم آوردن آسایش برای مردان اند. در گستره و باورهای پاتریارکال، شخصیت زنان چنان حقیر، بی اهمیت و کم ارزش است که مردان عبارت "زن" را اغلباً برای تحقیر طرف مقابل در خصومت، که فاقد شجاعت و ابتکار است، به کار می برند. در جامعه پاتریارکال تبعیض جنسیت پدیده ای است که از همان آغاز تولد نوزاد دختر- در محیط خانواده اعمال میگردد. اگر نوزاد خانواده پسر باشد، شور شعف فراوان فضای خانواده را فرا می گیرد که در صورت توان اقتصادی، نذر ختنه سوری و شب نشینی های مفصل و مجلل را به همراه دارد. اما نوزاد خانواده اگر دختر باشد هیچ گونه علایمی از شادمانی مشاهده نمی گردد و اغلب با اندوه و تاثر استقبال میگردد. برای اینکه در سنت پاتریارکال، دختر جنس قابل معاوضه تلقی میگردد که در هنگام ازدواج سند مالکیت آن به کسی دیگر تعلق می گیرد.

چنانچه که در آغاز اشاره رفت، پاتریارکالیزم یک پدیده جهانی است که در اشکال و ابعاد متفاوت در جوامع انسانی عمل میگردد. جنبش های فمینیستی را باید عکس العمل طبیعی در برابر هنجارهای پاتریارکالیزم دانست. تردیدی وجود ندارد که جنبش های فمینیستی

توانستند، هنجارهای پاتریارکالیزم را، در بسیاری از جوامع انسانی از اشکال خشونت بار آن بیرون آورده و تعادل جنسیتی را وارد قرارداد های اجتماعی نمایند. البته مکاتب فلسفی که بعد از رنسانس در مسیحیت، عرض اندام کردند، بستر اصلی تفکر جنبش های فمینیستی را فراهم آوردند. از چشم انداز (Socialconstructionism) الگوهای رفتاری انسانها در روابط متقابل با همدیگر و در تعامل با سایر پدیده های اجتماعی شکل می گیرند. انسان موجود اجتماعی است که شخصیت و الگوهای رفتاری او محصول قرار داد ها و آموزه های اند که در بستر آن اخلاق متعارف را فرا میگیرد. جنسیت و اخلاق جنسیتی نیز پدیده ای است که در بستر همین قراردادهای و آموزه ها شکل می گیرد. به عبارت دیگر، یک زن باید همان الگوها و خصایل رفتاری را داشته باشد که جامعه و هنجارهای رایج در جامعه، از او انتظار دارد.

سنت و باورهای پاتریارکالیزم که در افغانستان به یک قرارداد مقدس تبدیل گریده است ، مرزها و معیارهای اخلاقی و شخصیتی زنان و مردان را برمبنای تفاوت های بیولوژیک تعیین میکند. همین قرارداد مقدس اجتماعی در واقع بستری برای بسیاری از مصیبت ها و سیاه بختی های مردم این سرزمین پنداشته میشود که فرصت هر نوع تحول مثبت در زنده گی را از آنان گرفته است. در نظام پاتریارکالیزم- زنان در تولید سهم اند اما به دلیل اینکه مردان موجود برتر اند، حق مالکیت از آنان سلب می گردد. جمع زیستی یکی از مشخصات بارز پاتریارکالیزم است که قدرت اندیشیدن را بصورت انفرادی، تضعیف می کند و فرد را در شرایطی قرار میدهد که کمتر از توانمندیهای فردی اش بهره گیرد. پاتریارکالیزم بعنوان یک رویکرد ماندگار در بستر باورهای اعتقادی تقدیس و نهادینه گردیده است.